



گاهنامه فرهنگی، اجتماعی حوزه زنان
سال سوم، شماره پنجم، فروردین ماه ۱۴۰۰

وصل ۱۱۵؛

رجولیت

یا ذکوریست؟!

پرونده ویژه:

سیاست زندگی زنان

رفقی نو در نگاه بهشتی

قریب به ده سال سابقه؛
لایحه، پمچناک، لایحه است

وعده هاسر سرخرمنسر یا برگ برنده کانیدل؟







گاهنامه فرهنگی و اجتماعی حوزه زنان
سال سوم، شماره پنجم، فروردین ۱۴۰۰
@Nashriyat_SBU



@BasijSBU

آدرس دفتر نشریه:

تهران، بزرگراه شهید چمران، خیابان یمن، میدان شهید شهریار،
بلوار دانشجو، دانشگاه شهید بهشتی، ساختمان آی تی، حوزه مرکزی
بسج دانشجویی پایگاه شهید شهریار

صاحب امتیاز: بسج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسئول: حلیه توکلی

سر دبیر: بهاره اسکندری

ویراستار: فائزه نعمتی

طراح جلد: نیره سادات موسوی

صفحه آرا: بهاره اسکندری

شناسنامه

هیئت تحریریه:

بهاره اسکندری، محمد حسین بهزادفر، فاطمه امرالهی، سینا
علمداری، حلیه توکلی، مهدی اعلایی، نیره سادات موسوی،
زینب نظری، فاطمه زهرا هراتی، زهرا غلامی، فاطمه
تشکری، حکیمه امینی، زینب محمدی، فاطمه
معروف، پریسا پور مقدم، زهرا آقایی،
شعری طریقت، فاطمه نادعلیزاده

فهرست

زن یا فقدان
صلاحیت؟!
بهاره اسکندری

۵

افقی
نو در نگاه
بهشتی
زینب محمدی

۱۷

وعده‌های
سر خرمن یا برگ
برنده کاندیداها?
فاطمه زهرا هراتی

۹

دنیای
رسانه در دست
مدیریت زنان
فاطمه تشکری

۱۹

مصاحبه
نیره سادات موسوی

۱۳

قریب
به ده سال سابقه:
لایحه همچنان لایحه
است
حلیه توکلی

۲۳

زنان
و تکیه بر
مسئله سیاست و
مدیریت
زینب نظری

۳۳

چارچوب
شایستگی رهبری
زنان از دیدگاه رهبران مرد
فاطمه معروف

۳۷

فمینیسم اسلامی
از کجا سر درآورد?
فاطمه امرالهی

۴۷

ما
آتیه را رنگ
مساوات بسازیم
نیره سادات موسوی

۳۱

اصل
۱۱۵؛ رجولیت یا
ذکوریت؟!
مهدی اعلائی

۳۵

الهه خلقت،
مصباح راه
زهرا غلامی

۴۵

حکمرانی
یا حکومت؟! نقش
زنان به عنوان افسران
جنگ نرم
سینا علمداری

۲۷

تاثیر
شبکه اجتماعی
اینترنت بر روی سلامت
دختران و...
فاطمه معروف

۴۱

سیاست و
قضاوت در دست داوری
محمد حسین بهزادفر

۵۷

گوشه‌هایی
از زندگی زنان
شجاع و پرتلاش تاریخ
پریسا پور مقدم

۵۳

مدیریت در
چهارچوب سیاست
زهرا آقایی

۴۹

سهمیه
جنسیتی حضور
در حکمرانی
نگار حسین پور

۶۹

دین‌ستیزی،
سنت‌ستیزی و
مردستیزی حاصل ظلم
تاریخی به زنان است
شعری طریقت

۶۷

سینما، روایت
چاه‌ها و چاره‌ها
حلیه توکلی

۶۳

یک انقلاب
«زنانه»
حکیمه امینی

۷۵

از
خویش بنالیم که
جان سخن اینجاست
فاطمه نادعلیزاده

۷۳

بانویی
که با چادر
خاکی حکومت کرد...
فاطمه سادات موسوی

۷۱



A r g h a v a n
magazine

به انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نزدیک می‌شویم و این درحالی است که قریب به چهل سال سرنوشت ریاست جمهوری زنان در کشور ما مبهم باقی مانده‌است. با وجود آن‌که حق زنان برای ریاست جمهوری بی‌نیاز از اقامه دلیل و برهان است، ولی لازم به ذکر است که در این مورد به دو اصل فقهی جواز و مساوات اشاره می‌شود.

اصل جواز مبتنی بر دو مقدمه است. مقدمه اول، این که انسان‌ها از هیچ کاری ممنوع نیستند و از هیچ حقی محروم نمی‌باشند، مگر آنکه ممنوعیت یا محرومیت صریحاً در قانون ذکر شده باشد. شأن قانونگذار، تحدید اراده افراد و بیان مرز اختیارات آنان است که به وسیله امر و نهی مقصود خود را بیان می‌کند. استناد به این اصل در صورتی است که واژه «رجال» در اصل ۱۱۵ قانون اساسی ناظر به جنسیت نباشد. مقتضای اصل جواز این است که زنان مانند مردان بتوانند رئیس جمهور شوند و مقضای اصل مساوات نیز برابری مردان و زنان در دستیابی به سمت های سیاسی و اجتماعی است. نیازی به بیان صلاحیت زنان برای احراز سمت ریاست جمهوری در قانون نیست. بلکه آنچه محتاج بیان است ذکر عدم صلاحیت آنان در قانون می‌باشد که در این خصوص مطلبی بیان نشده است.

دکتر بهشتی به عنوان نایب‌رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی ثر این رابطه می‌گویند: «برای خود من دلایلی که در روایات آورده می‌شود که زن نمی‌تواند زمامدار و رییس جمهور باشد کافی نیست و هیچ وقت هم کافی نبوده است. از ابتدا که در این مساله به صورت بررسی اجتهادی تحقیق کردم، دلایل برایم غیر کافی بوده است» (بهشتی، ۱۳۷۷: صص ۳۵-۳۴؛ ر.ک. هدایت‌نیا، ۱۳۸۲: صص ۴۹-۴۶).

به نام عدم صلاحیت به کام جنسیت زدگی

بنابر اظهارات طیبه سیاوشی، نماینده مجلس دهم، شورای نگهبان در پرونده زنان کاندیدا شده برای حضور در جمع کاندیداهای نهایی برای تصدی مقام ریاست‌جمهوری ایران، جنسیت را دلیل اصلی ردصلاحیت آنان اعلام نمی‌کند و این شاید بدان معنا باشد که این نهاد نیز حاضر به اعلام رسمی این مساله و البته شاید به‌خاطر نگرانی از پذیرش انتقادهای احتمالی نیست. پیش از آن نیز کدخدایی در قامت سخنگوی شورای نگهبان گفته بود که هیچ مشکلی برای ثبت‌نام زنان در انتخابات سیزدهمین دوره ریاست‌جمهوری ایران وجود ندارد و جوی در نوع خود قابل توجه را به راه انداخته بود. اما سرانجام احمد خاتمی تکلیف این دوره از انتخابات ریاست جمهوری را

نیز روشن کرد و اعلام داشت: «تصریح قانون اساسی جمهوری اسلامی است که کاندیداهای ریاست‌جمهوری از رجال باشند و مفهوم رجال هم روشن است. بنابراین ما در این عرصه تسلیم قانون هستیم و قانون هرگونه نظر بدهد به آن عمل خواهیم کرد.»

مسئله مشارکت سیاسی زنان در قرآن

اما افرادی که معتقد به عدم شرعی بودن ریاست جمهوری زنان هستند با اشاره صریح قران به زمامداری ملکه سبا چه میکنند؟ برای اثبات حق مشارکت سیاسی زنان به چند دسته از آیات می‌توان استناد جست که نخستین مورد از آیات قرآن که بیانگر صلاحیت و شایستگی و همچنین حق زنان در سهم‌گیری و ایفای نقش در زمینه امور سیاسی و قدرت و حاکمیت است، آیات مربوط به ملکه سبا می‌باشد که در سوره نمل از آیه ۲۳ تا ۴۴ مطرح شده است.

ملکه سبا تنها زنی است که قرآن از او به عنوان حاکم یاد کرده و نه تنها مذمتی بر مدیریت او ذکر نکرده بلکه تلویحاً نکات مثبتی را برای او بر شمرده است. امروزه مقالات بسیاری در بررسی نگاه قرآن به مدیریت زنان نوشته شده که بخشی از آن‌ها به همین داستان ملکه سبا پرداخته و از این داستان برای اثبات نقش و حضور فعال زنان در جامعه استدلال شده است.

یکی از ویژگی‌های حاکمان موفق، قدرت تحلیل و بررسی مسائل سیاسی و حکومتی است. قرآن کریم، تحلیل سیاسی و نگرش دقیق بلقیس را مطرح و با نگاه مثبت آن را پردازش می‌کند؛ برای نمونه، ملکه، از جواب مشاوران پی برد که آن‌ها مایل به جنگند، بنابراین با یک تحلیل بسیار دقیق آن‌ها را متوجه اشتباه‌شان نمود و از جنگ منصرفشان کرد.

اینکه خداوند از میان صحنه های گوناگون زندگی سلیمان صحنه ارتباط او با ملکه سبا را مطرح کرده و از سخنان ملکه سبا نیز جملاتی را نقل می‌کند که نشانه عقل و هوشمندی بالای اوست و بعد داستان را بدون هیچ گونه نقد یا کنایه و تعریضی به پایان می‌برد، همه بیانگر نگاه مثبت قرآن به نقش و جایگاه ملکه سبا است و نشان می‌دهد که زن از دیدگاه قرآن می‌تواند در بالاترین موقعیت سیاسی قرار گیرد. اگر چنانچه زن صلاحیت چنین کار و مسئولیتی را نمی‌داشت یا در آیین و شریعت الهی نمی‌توانست به چنان موقعیتی برسد، برابر روش معمول قرآن کریم که موارد باطل و ناسازگار با دیدگاه خود را نقد می‌کند، باید به صورت صریح یا اشاره بدان می‌پرداخت. حال آن که اصل طرح این داستان و نحوه پردازش آن، همه نشانه تأیید و سازگاری آن با دیدگاه وحی است.

«زن»

یا

فقدان

صلاحیت

!؟

پروندہ ویژہ:
حکمرانیے زنان



حضور یابند. برای اولین بار در انتخابات ریاست جمهوری قدرت و نقش زنان را در جامعه نشان خواهیم داد، تا همه جهانیان بدانند، اگر قدرت زن نبود جامعه‌ای وجود نداشت. ما به آمریکا نشان خواهیم داد زن در ایران، این کشور پهناور زیبا نقش کلیدی هر عنصری را ایفا می‌کند.

صدای دست و جیغ آسمان را می‌شکافد، زنان و مردان شعارهای انتخاباتی را از بر می‌گویند. کودکان و نوجوانان برای هماهنگی بیشتر با جمعیت همراه آنها شعار می‌دهند، و با دوست‌هایشان سر اینکه چه کسی رئیس‌جمهور آینده‌ی کشور می‌شود بحث می‌کنند. زنان پس از سخنانی با همسرانشان از آینده‌ای روشن صحبت می‌کنند. خیابان‌ها پر از کاغذ و بنرهای تبلیغاتی است. رفتگران زحمت‌کش همراه جارو زدن برخلاف همه‌ی مردم، تنها به نان امشب‌شان فکر می‌کنند و کاغذهای تبلیغاتی را در سطل آشغال می‌ریزند.

بعد از یک شب پر از هیاهو وقت آن است که مردم کاندیدای منتخب‌شان را از صداوسیما دنبال کنند. هر شبکه از خرج‌ها و وعده‌های کاندیداها می‌گوید. هزینه‌های گزافی که می‌توانستند خرج یک ماه چند خانوار بی بضاعت شوند. از شلوغی خیابان‌ها می‌گویند، از اینکه بعضی از مسئولین حتی وعده‌ی واکسن رایگان را هم به مردم داده‌اند. کانال‌هایی که با پرچم ایران نوید انتخابات ۱۴۰۰ را در گوشه‌ی بالا، سمت چپ می‌دهند. اخبار تمام رویدادها را گزارش می‌کند و زندگی‌نامه‌ی کاندیدها را چه غلط و چه درست می‌گوید. مردم به صفحه رنگی تلویزیون چشم دوخته‌اند و منتظر و مشوش به مناظره‌ی کاندیدها نگاه می‌کنند.

کاربران و سلبریتی‌ها، دست‌پر و با نگاهی نقادانه و روشن‌فکر مآبانه به سمت فضای مجازی هجوم می‌برند و با شعارهایی از قبیل تا ۱۴۰۴ با فلانی، اینستاگرام خود را رونق می‌بخشند. کل فضای مجازی را به رنگ کاندید خود درمی‌آورند و با پول‌هایی که گرفته‌اند وعده‌های مسئولین را در روغن می‌اندازند.

و اما زنان این بار مثل همیشه حضور فعال‌تری دارند. از وعده‌های کاندیداها برای آزادی و حجاب و... زنان سخن می‌گویند. سفت و سخت از حقوق زن و بشر حمایت کرده و چشم‌هایشان را روی حرف‌های کذایی تکراری مسئولین می‌بندند. حق دارند، از اینکه باز هم امید داشته باشند. امید به آینده‌ای روشن، که زنان و مردان بدون هیچ محدودیتی در کنار هم آینده‌ی ایران را رقم بزنند.

نور زننده‌ی وعده‌های مسئولین چشم‌های همگی را کور کرده بود، آنچنان با شوق و شغف دم از آزادی و حقوق زنان همگی می‌زدند که نمی‌دانستند این دور، دور لاینتج است.

ورزشگاه آزادی، حضور زنان در کابینه‌ها، داشتن اینترنت ملی بدون فیلترینگ، دسترسی راحت‌تر زنان به اماکن عمومی، استفاده از دوچرخه برای زنان، برداشتن ممنوع الخروجی زنان و هزاران هزار وعده‌های سر خرمی که بعد از چند سال هنوز که هنوز است اجرا نشده. سال‌ها و انتخابات زیادی می‌گذرند، کاندیداهایی که ۴ سال پیش رئیس‌جمهور بودند دوباره به امید مردم از اینکه این ۴ سال با ۴ سال قبلی فرق می‌کند، روی کار می‌آیند، و در آخر از آن همه شعار، از آن همه هیاهو

چیزی به جز امید به انتخابات بعدی و رئیس‌جمهور متفاوت‌تر نمی‌ماند. چه زنان و چه مردان همگی عادت کرده‌اند، از وعده‌هایی که مانند طبل تو خالی فقط صدایش بلند است. مردم با فشارهای گوناگون هر روز خمیده‌تر از دیروز می‌شوند و در گذر زمان از یاد می‌برند آن همه شور و هیاهو را. به قول معروف «ترک عادت موجب مرض است» و چه مثال خوبی برای مسئولین و رئیس‌جمهورهای بعدی است.

همین وعده‌های محقق نشده، امید بودند، رنگ بودند. همین وعده‌ها رای‌هایی را جمع می‌کردند که یک ملت چشم انتظار بودند. آزادی، حقوق پایمال شده‌ی زنان، کاندیداها را مانند یک آهن‌ربا کرده بود. همه برای رسیدن به یک چیز به کاندیدای محبوب خود رای می‌دادند و در آخر چیزهایی در این ۴ سال محقق می‌شوند که بین آن‌ها اثری از حقوق زنان نیست.

هر چهارسال یک بار، زنان بازیکه‌ی وعده‌های مسئولین می‌شوند. آن‌ها را مانند فتر آنقدر تحت فشار می‌گذارند که برای رای دادن به آن فرد مجبور شوند، تا رها شوند و از زیر این فشارهای چند ساله بالاخره طعم حرکت و شغف را بچشند. متأسفانه تا بوده همین بوده، ولی نقش ما زنان این است که هرچهارسال منتظر منجی‌مان نباشیم، خودمان آینده‌مان را دست بگیریم. رو به روی این تبعیض‌ها بایستیم و خودمان روشنگر این راه تاریک شویم.

۹۹

همین وعده‌های محقق نشده، امید بودند، رنگ بودند. همین وعده‌ها رای‌هایی را جمع می‌کردند که یک ملت چشم انتظار بودند. آزادی، حقوق پایمال شده‌ی زنان، کاندیداها را مانند یک آهن‌ربا کرده بود.

۶۶

رستمی تبریزی: با این عدم نظارت بر کودکان کار جرم‌پروری می‌کنیم

مصاحبه با لمیاء رستمی تبریزی، استاد گـــــــروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

کار کودک

پدیده‌ایست که روزانه در حال افزایش است و در سطح جهانی ما را با کودکانی مواجه می‌کند که به جای بازی و تحصیل مجبور به ورود زودهنگام به بزرگسالی می‌شوند؛ متأسفانه ۱۲ درصد از جمعیت ۱۰ الی ۱۹ سال کشور ما فعالیت اقتصادی دارند و آمارها از روند افزایش سالانه ۳۰۰۰ کودک به جمع کودکان کار خبر می‌دهد که به خودی خود نشانگر محرومیت سالانه ۳۰۰۰ کودک از تحصیل، به خطر افتادن سلامتی، افزایش احتمال سوء استفاده‌ی جنسی، بزهکاری آنها و... است که در نهایت به تعمیق مسئله و سربرآوردن ابعاد و مشکلات جدیدتر منجر می‌شود. ما در این باره با سرکار خانم لمیاء رستمی تبریزی حقوقدان حوزه‌ی جزا و جرم‌شناسی گفت‌وگویی خواهیم داشت؛ ایشان از سال ۱۳۸۲ تا کنون استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی هستند و قبل از سال ۱۳۸۲ نیز دو سال مدیرگروه حقوق دانشگاه امام صادق (ع) بوده‌اند و در دفتر فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هم فعالیت اجرایی بسیاری داشتند.



توضیحی کلی در خصوص آسیب‌پذیری کودکان کار بفرمایید.

(خانم دکتر) مسلماً کودک به موجب ویژگی‌هایی که دارد حساس‌تر از دیگر اقشار است؛ از جمله ویژگی‌های جسمانی که سبب می‌شود وی در معرض ضعف قرار گیرد چراکه هنوز به رشد کامل برای دفاع و مراقبت از خودش نرسیده است و دوران رشد را طی می‌کند؛ ویژگی دوم حساسیت روحی و روانی کودک است که در این سن بیش از همه نیاز به محبت دارد؛ کودکان باید در نهادی زندگی کنند که احساس آرامش و راحتی داشته باشند؛

اگر کودک والدینی داشته باشد که هم به سلامت جسمانی و هم سلامت روحی او اهمیت بدهند، این کودک می‌تواند رشدش را به درستی و کامل طی کند و در بزرگسالی نیز برای خود و جامعه فرد مفیدی خواهد بود.

مسئله‌ی خیلی مهمی که در دوران رشد باید مورد توجه والدین باشد این است که والدین معمولاً نسبت به کودک خود احساس مالکیت دارند و فکر می‌کنند که چون فرزند آنهاست، می‌توانند و حق دارند که هر نوع کنشی را نسبت به وی انجام دهند و بنابراین بسیاری از

رفتارهای ناپهنجاری که در خانواده‌ها انجام می‌شود (بدرفتاری و سوءاستفاده و...) بر همین پایه است؛ در صورتی که خانواده‌ها باید بدانند که مالک کودک نیستند بلکه کودک نعمتی‌ست که به آن‌ها داده شده و آن‌ها بایستی تمام تلاششان را انجام دهند تا به درستی رشد کند و تربیت شود و فرد موفق‌ی باشد؛ درنتیجه هرچقدر که ما به نهاد خانواده اهمیت دهیم و فرهنگ‌سازی کنیم، در این نهاد و کودک را در محیط آرامش و امن آن قرار دهیم هم به نفع کودک است و هم به نفع جامعه‌ای که

کودک در آن وارد می‌شود.

فکر می‌کنید دلیل افزایش میزان بزهکاری و بزه‌دیدگی در کودکان کار نسبت به دیگر کودکان چیست؟

حالت‌های مختلفی داریم که موجب می‌شود کودک به سراغ کار برود؛ مثلاً کودکانی که به هر دلیلی بدون سرپرست می‌شوند (مثلاً مرگ یا طلاق والدین)، کودکانی که تک‌سرپرست هستند و فرزند احساس می‌کند که بایستی برای تامین هزینه‌ی زندگی سراغ کار برود، یا ممکن است که خانواده‌ای برای تامین معیشتش کودک را به زور به دنبال کار بفرستد و او را ابزاری برای تامین اقتصادی خانواده قرار بدهد که چنین خانواده‌هایی مسلماً خودشان نیز درگیر آسیب اجتماعی هستند (مثلاً والدین معتادی که کودک را ابزاری برای کار یا خرید مواد مخدر قرار دهند)، یا در موارد نادری که والدین کودکان را ابزار بهره‌وری جنسی قرار می‌دهند و یا آن‌ها را در باندهایی قرار می‌دهند که ممکن است ابزار بهره‌وری جنسی قرار گیرند و یا ابزار تکدی‌گری شوند که به نظر من این کار به نوعی فروش کودک یا فروش منافع آن است؛ از جمله آسیب‌های دیگر که موجب کار کودک می‌شود، فرار کودک از خانه است که خصوصاً در شهرستان‌ها رایج است و به دلیل شرایط نابسامان حاکم بر خانواده کودک تصمیم به فرار می‌گیرد درنهایت و مجبور به کارهایی برای تامین معاش خود می‌شود، از جمله اینکه تکدی‌گری کند و...

همچنین این نکته قابل توجه است

که همه‌ی کودکان در سن خاصی تحت آموزش و پرورش و تحصیل قرار می‌گیرند. فراهم‌سازی تحصیل رایگان از وظایف دولت‌هاست. ولی کودک کار و خیابان طبیعتاً از امکان تحصیل و سوادآموزی و تمام مهارت‌های اجتماعی که کودکان در هنگام تحصیل فرا می‌گیرند، محروم می‌شود و متأسفانه در محیط‌های دیگری ممکن است نه تنها این مهارت‌ها را نیاموزد بلکه مهارت‌های نامناسب و آسیب‌زننده را فرا بگیرد.

همه‌ی موارد مذکور مسائلیست که کودک را در معرض کودک کار شدن و آسیب‌های اجتماعی از جمله بزهکاری و بزه‌دیدگی به میزانی بسیار بیشتر از دیگر کودکان قرار می‌دهد.

پیامدهای کار کودکان چیست؟

علل و عوامل مختلفی ممکن است که کودک را در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌دهد. منظورمان از آسیب‌های اجتماعی هم بزهکاری و بزه‌دیدگی است هم ناهنجاری‌ها. چرا که برای کودکان در اکثر مواقع ابتدا بزه‌دیدگی اتفاق می‌افتد و در ادامه اگر مورد توجه قرار نگیرد، منجر به بزهکاری می‌شود و همچنین رفتارهای ناپهنجاری نیز موجود است که شاید اصلاً بزهکاری محسوب نشوند، اما درهرحال وجود فردی پر از رفتارهای ناپهنجار می‌تواند آسیب‌های فراوانی برای جامعه داشته باشد که همگی این‌ها می‌تواند پیامد کار کودک باشد؛ همچنین باید بدانیم که در حوزه بزه‌شناسی، کودکان کار ممکن است مورد اهانت یا ضرب و شتم و تهدید قرار بگیرند همچنین ممکن است با بزه‌دیدگی‌های بسیار شدیدتری مواجه شدند از جمله اینکه این مورد خصوصاً

برای دختران و پسرانی که در سنین پایین‌تر هستند، بسیار محتمل‌تر است. تعرضات و سوءاستفاده‌های جنسی از آن‌ها رخ می‌دهد یا ممکن است در دام باندهای هرزه‌نگاری قرار بگیرند و مثلاً تصاویر نامناسب و برهنه، که در شأن هیچ انسانی نیست، از آن‌ها منتشر شود یا اینکه ممکن است در دام قاچاقچی‌های کودک قرار بگیرند. خصوصاً اگر سرپرست ثابتی نداشته باشند این مورد بسیار اتفاق می‌افتد. که هم خودشان و هم اعضای بدنشان را قاچاق می‌کنند؛ در تمامی موارد بالا متأسفانه کودک توانمندی خیلی کمی برای مقابله با بزه‌کاران دارد و اینکه مورد حمایت کسی نیز قرار نمی‌گیرد و باید حتی امکان نگذاریم که کودکان مورد بزه قرار گیرند.

قانون‌گذار ایران چه تدابیری برای جرایم اطفال و جرایم علیه اطفال در نظر گرفته است؟

به نظر من تا قبل از تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۹۹ ما نقص زیادی در تدابیر قانونی برای حمایت از کودکان داشتیم اما پس از آن تدابیر خوبی اندیشیده شد، البته این نکته هم قابل ذکر است که بخشی از این تدابیر قانونی، معاهدات بین‌المللی است که در حکم قانون داخلی هستند و بایستی به آن‌ها عمل شود به عنوان مثال ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک اعلام می‌کند که "کودکان نایبستی مورد استثمار اقتصادی قرار بگیرند و هر کاری که برای سلامت جسم یا تربیت و تکامل آن‌ها زیان بخش است برای آنان ممنوع است همچنین دولت‌ها موظف هستند شرایط آموزش و پرورش برای آن‌ها را فراهم کنند" (ایران در سال ۱۳۷۲ به این کنوانسیون پیوسته است).

اگر بخواهیم قوانین داخلی را بررسی کنیم، می‌توانیم به مواد ۷۹ تا ۸۴ قانون

کار اشاره کنیم که درمورد به کارگماردن کودکان است و در ماده ۷۹ صراحتاً به کارگماردن افراد کم‌تر از ۱۵ ساله را مطلقاً ممنوع می‌کند و بیان می‌کند که اگر چنین عملی صورت بگیرد در حکم کودک آزاری است و مطابق ماده‌ی ۱۷۶ قانون کار متخلفین را مجازات می‌کنیم؛ البته درخصوص نوجوانانی که بین سن ۱۵ تا ۱۸ سال هستند فقط تحت

متأسفانه مسئولین فقط در جمع‌آوری کودکان به خوبی عمل کرده‌اند و آنها را ضربتی جمع‌آوری کرده و در مراکز دولتی و غیردولتی اسکان داده‌اند اما صرف جمع‌آوری اسکان کودکان کافی نیست و سامان‌دهی آنان است که اهمیت دارد؛ چرا که خود همین اسکان بدون ساماندهی باعث اتفاقات بدی می‌شود

شرایط و نظارت‌های خاصی. بیان شده که می‌توانند مشغول به کار شوند. مهم‌تر از همه موارد مذکور قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ هست که ابعاد مختلف را در حوزه‌ی حمایت از کودکان و الزامات قانونی برای کودکان چه توسط خانواده و در دیگر سطوح در ۵۱ ماده به صورت کامل در نظر گرفته و تمام کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال را تحت حمایت قرار می‌دهد. ماده ۱ و ۳ این قانون در خصوص آسیب‌هایی که متوجه کودکان هست به تفصیل صحبت می‌کند؛ این قانون ابعاد مختلفی را برای وضع کودکان در نظر می‌گیرد و به اهمیت خانواده نیز اشاره می‌کند و

من نیز معتقدم که بودن کودکان در خانواده در صورت امکان. بسیار ترجیح دارد به اینکه کودکان حتی در سازمان‌ها و گروه‌هایی از جمله بهزیستی باشند چرا که حتی این سازمان‌ها نیز باید شرایط خاصی داشته باشند.

از لحاظ عملی تدابیر اندیشیده شده برای رفتار با کودکان کار و آسیب‌دیدگی‌هایشان به درستی انجام می‌شود؟

درواقع ما بایستی از تمامی نهادهای برای پوشش و سامان‌دهی این کودکان استفاده کنیم. اما متأسفانه من شخصاً بارها دیده‌ام که در بحث جمع‌آوری و سامان‌دهی کودکان کار سازمان‌های مختلف سعی می‌کنند که به نوعی شانه خالی کنند؛ در صورتی که وظایفشان در قانون به صراحت مشخص شده‌است و هر کدام باید بسیار مسئولیت‌پذیر باشند و شانه خالی نکنند؛ چرا که رسیدگی به این کودکان فقط کار یک نهاد نیست و نهادهای مختلف به تناسب بایستی مسئولیت خود را انجام دهند.

متأسفانه مسئولین فقط در جمع‌آوری کودکان به خوبی عمل کرده‌اند و آنها را ضربتی جمع‌آوری کرده و در مراکز دولتی و غیردولتی اسکان داده‌اند اما صرف جمع‌آوری اسکان کودکان کافی نیست و سامان‌دهی آنان است که اهمیت دارد؛ چرا که خود همین اسکان بدون ساماندهی باعث اتفاقات بدی می‌شود؛ مثلاً ممکن است انجام کارهای نامناسب و بزهکارانه‌ای را به یکدیگر یاد بدهند یا اینکه کودکان بزرگ‌تر یا نوجوانان از کودکان کوچک‌تر بهره‌کشی کنند و یا آن‌ها را به باندهای خلافکار معرفی کنند و در نتیجه موجب بزه‌دیدگی و بزهکاری آن‌ها شوند؛ در این شرایط اگر دولت وارد کار نشود و سامان‌دهی نکند، دیگر گروه‌های تبهکار وارد کار می‌شوند

و سوءاستفاده می‌کنند. این کودکان هرچه بزرگ‌تر می‌شوند شرایط را برای جامعه و خودشان سخت‌تر می‌کنند و به سختی می‌شود از بزهکاری‌شان جلوگیری کرد؛ درنهایت ما با نظارت نکردن به نوعی جرم‌پروری می‌کنیم. بایستی در این‌جا سازمان‌های دولتی به کمک سازمان‌های غیردولتی سامان‌دهی را انجام دهند تا آسیب‌ها کاهش یابد. بحث دیگری مطرح است این است که مواد ۸ تا ۲۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ضمانت اجرای کیفری را برای کسانی که مطابق قانون مسئولیت دارند و متولی هستند ولی به درستی به وظایفشان عمل نمی‌کنند، دارد و آن‌ها مطابق قانون مجازات خواهند شد.

چه راهکارهایی را برای پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان کار در نظر دارید؟

راهکارهای پیشگیری از مواجهه کودکان با بزه در چندین سطح قابلیت اجرا شدن دارد؛ می‌توانیم "پیشگیری‌های کنشی" داشته باشیم بدین صورت که قبل وقوع بزه در کودکان، خصوصاً کودکان کار ما طوری برنامه‌ریزی و بست‌رچینی داشته باشیم که این اتفاق وقوع نیابد؛ مثلاً وضعیت اقتصادی مردم را بهتر کنیم یا فرهنگ‌سازی‌های خانوادگی برای مواجهه با آسیب‌های اجتماعی داشته باشیم و از این دست اقدامات.

ولی در شرایط کنونی ما می‌توانیم بسیار از "پیشگیری‌های وضعی" استفاده کنیم، بدین صورت که متمرکز شویم بر مکان‌هایی که آسیب وجود دارد و آن‌گونه مشکلات را حل کنیم مثلاً ببینیم که کودکان کار در ۲۴ ساعت در یک چهار راه چگونه اعمالشان را انجام می‌دهند و با بررسی وضعیت آنها و با توجه به شرایط کنونی به صورت تک به تک و موردی آنها را مدیریت و مشکلاتشان را حل کنیم یا اینکه حل مشکلاتشان را به مراجع مربوطه و موظف بسپاریم.

مسئله‌ی دیگری که گمان می‌کنم بسیار

اهمیت دارد آموزش خانواده‌ها است چرا که به دلیل بافت سنتی خانواده‌ها در ایران ممکن است افراد در سنین پایین‌تر ازدواج کنند و درک درستی از زندگی و روابط خانوادگی نداشته باشند. ما باید آن‌ها را در روابط آموزش دهیم و بگوییم که آن‌ها نهادی هستند که تولیدکننده و تربیت‌کننده‌ی نسل آینده هستند و بایستی بسیار فرهنگ‌سازی شود و با برنامه در این حوزه عمل شود تا دیگر با پدیده‌ی کودک کار و درنتیجه بزهکاری و بزه‌دیدگی آن‌ها مواجه نشویم.

همچنین رسانه‌ها در آموزش عمومی مردم نسبت به کودکان کار و خیابان، نشان دادن پیامدهای کار این کودکان و اهمیت توجه به آن‌ها نقش بسیار مهمی دارند؛ چرا که متأسفانه ما می‌بینیم که مردم حساسیتشان را نسبت به این‌ها از دست داده‌اند و برایشان عادی شده است؛ در صورتی که باید همه احساس مسئولیت و مطالبه‌گری برای بهبودی و سامان‌دهی اوضاع آنها داشته باشیم و وقتی مردم مطالبه کنند مسئولان مجبور به ورود جدی به عرصه‌ی عمل می‌شوند.

سخن و نکته‌ی پایانی خودتان را بفرمایید.

باید در نظر داشت، این کودکان در صورتی که سامان‌دهی نشوند هم به خود و هم به جامعه بسیار آسیب می‌زنند.

ما باید جامعه را یک پیکره بدانیم که هر یک از اجزای این جامعه بر وضع دیگران نیز تاثیر می‌گذارد، بنابراین وجود "کار کودک" زخمی است بر این پیکره که اگر به آن توجه نشود، گسترش می‌یابد و عفونت می‌کند پس همه‌ی ما به عنوان شهروند در برابر ریشه کن کردن "کار کودک" مسئول هستیم.

افقی نو در نگاه بهشتی

نگاهی متمایز به مسائل زنان از منظر شهید بهشتی

باتوجه به مطالب و نوشته‌های موجود درباره شهید بهشتی درمی‌یابیم که ایشان تفکرات و نظرات کاملاً متفاوتی با سایر روحانیون و هم‌دوره‌ای‌های خود داشتند به گونه‌ای که توجه بسیاری از افراد به ویژه جوانان را به خود جلب کرد. جامعیت نظرات ایشان را می‌توان نشأت گرفته از تجربیات فراوان و دنیادیدگی ایشان نیز دانست. حال می‌خواهیم نظراتی چند از این عالم شهید را شرح و تحلیل کنیم:

شهید محمد حسینی بهشتی سیاست‌مدار و فقیه ایرانی و دومین رئیس دیوان عالی کشور پس از انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷، نخستین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی و نایب رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی بود. گاهی از وی به عنوان نظریه‌پرداز ولایت فقیه نام برده می‌شود. او از جمله هواداران تشکیل حکومت اسلامی در ایران بوده و نقش بسیار مهمی در استقرار جمهوری اسلامی در ایران داشته‌است. وی همواره نگرشی متفاوت نسبت به مسائل مختلف داشته است به گونه‌ای که بسیاری از روحانیون نظرات وی را غیر قابل قبول می‌دانستند. اما گواه این مطلب که شهید بهشتی نگاهی متمایز به مسائل زمانه داشت، ذکر جمله‌ای از ایشان است: «هیچ آیه‌ای در قرآن کریم نداریم که بگوید زنان نمی‌توانند رئیس جمهور شوند!»

• برابری زن و مرد به مثابه انسان

یکی از نظریات مهم شهید بهشتی درباره مقایسه حقوق طبیعی زن و مرد است که ایشان «افراط و تفریط درباره مقایسه بین زن و مرد را برنمی‌تابیدند و می‌گفتند

هر دو انسان هستند و هرکدامشان گرایش‌ها، احساسات، خصال و عواطف ویژه خود را دارند ولی این دو چهره می‌توانند انسانیت یکدیگر را کامل کنند و در رسیدن به کمالات، رشد، پویایی و خلاقیت، گام‌های مهمی بردارند. زمانی که این دو با هم بسر می‌برند، هیچ آموزش و اصولی را در اسلام نمی‌بینم که به زن ارزش و مقامی نازل‌تر از مرد داده باشد و تفاوت در ویژگی‌های زیستی و بیولوژیک و برخی نقش‌های فطری به هیچ عنوان جنبه انسانی، روحی و معنوی بانوان را تنزل نمی‌دهد.» آنچه از این گفته در می‌یابیم آن است که زن و مرد در عین این که در حقوق طبیعی برابر هستند اما از نظر ویژگی‌هایی که به مرد بودن و زن بودنشان مربوط است تفاوت‌هایی دارند که این موارد انکارناپذیر است همچون لطیف بودن زن و سخت بودن مرد. نکته دیگری که لازم به ذکر است آن است که نمی‌توان نظرات شهید بهشتی را با دیدگاهی که فمینیسم دارد یکسان و برابر دانست چرا که فمینیسم برابری زن و مرد در تمامی عرصه‌ها را مدنظر دارد.

• زنان جامعه نگر

از نظرات شاخص شهید دکتر بهشتی می‌توان به مورد دیگری اشاره کرد که در باب افزایش آگاهی زنان در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه است. شهید بهشتی: «زنان جامعه باید خوب بیاموزند و بعد مطالعات سیاسی-اجتماعی خود را تقویت کنند و گسترش دهند، بدانند در چه شرایطی زندگی می‌کنند، مسائل جامعه را به خوبی درک کنند و به درستی تجزیه و تحلیل نمایند، دیدگاه اسلام را در این ابعاد بدانند، اسلامی که نسبت به تمامی امورات زندگی برنامه و آموزش دارد.»

با توجه به مطالبی که شهید بهشتی

فرمودند، می‌توان این برداشت را داشت که ایشان با توجه به تفکری که درباره زن همواره وجود داشته مبنی بر اینکه زن فقط باید به کارهای منزل رسیدگی کند در اینجا بیشتر زنان جامعه را مورد خطاب قرار دادند تا تنها توجه خود را به کارهای خانه متمرکز نکنند و از جامعه و شرایط اجتماعی خود دور نمانند؛ بلکه با مطالعه و بالا بردن سطح اطلاعات و آگاهی خود تا جایی که می‌توانند در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داشته باشند. به عنوان نمونه به گفته دختر شهید بهشتی: «ایشان همواره مشوق نه تنها فرزندان دختر و پسر خود بلکه مشوق تمامی دختران و زنان جامعه برای تحصیل و فعالیت در جامعه بودند. تا جایی که با تشویق و ترغیب وی، اولین دانشجوی دختر محببه در آن سالها وارد دانشگاه علوم پزشکی تبریز شد. همچنین در دوران فعالیت ایشان اولین خانم دارای بالاترین تحصیلات فقهی وارد خبرگان شد. درحالی که بعد از انقلاب با وجود بالا بودن تعداد بانوان مجتهد، شرایط برای حضور آنان در مجلس خبرگان فراهم نشده است.» (۱؟؟!) باتوجه به سخنان دختر شهید دکتر بهشتی درباره ایشان این سوال پیش می‌آید که چرا با وجود نگاه و تفکر نویی که شهید بهشتی داشتند و جوانان بسیاری را به خود جذب می‌کنند؛ اما تفکرات ایشان مورد غفلت قرار گرفته یا بهتر است بگوییم مورد کم‌توجهی قرار گرفته است؟؟ درحالی‌که با به کار بستن نظریات و راهکارهای چنین فردی می‌توانیم خود را از بسیاری از مجهولات و بن‌بست‌ها برهانیم.

• زنان بر مسند ریاست جمهوری

در پایان به تحلیل نظری جنجال برانگیز از شهید بهشتی می‌پردازیم مبنی براینکه: «هیچ آیه‌ای در قرآن کریم

نداریم که بگوید زنان نمی‌توانند رئیس جمهور شوند.» این بخشی از سخنان ایشان در مجلس خبرگان بوده است که فرمودند: «در قرآن کریم آیه‌ای که با صراحت امکان ریاست جمهوری یک زن را نفی کند، نداریم. دلایلی که در روایات آورده می‌شود که زن نمی‌تواند زمامدار و رئیس جمهور باشد، برایم این دلایل کافی نیست هیچ وقت هم کافی نبوده است.» یکی از بحث برانگیزترین صحبت‌های ایشان می‌تواند همین‌مورد باشد؛ چرا که در جامعه‌ی امروزه‌ی ما همواره این سوال وجود داشته و دارد که چرا زنان نمی‌توانند رئیس جمهور شوند؟؟ آیا ریشه دینی دارد؟؟ و... این صحبت‌های شهید بهشتی تا حدی می‌تواند پاسخگوی این سوالات باشد. اما برای فهم هرچه بیشتر این موضوع نیاز به تحقیق و بررسی بیشتر داریم که در این مقال نمی‌گنجد. اما آنچه که می‌توان از این صحبت‌ها برداشت کرد آن است که هر مسئله‌ای ریشه دینی و اسلامی ندارد و ما باید دانش و آگاهی‌های دینی و سیاسی خود را بالا ببریم تا با ایجاد هر شائبه‌ای دچار سردرگمی و تشویش نشویم.



دنیای رساله در دست مدیریت زنان



فاطمه تشکری
کارشناسی روانشناسی

مساله تاثیرگذاری زنان بر جامعه و حتی جهان بدون شغل یا همراه شغل، مساله‌ای هست که قابل بحث‌وگفتگو است همانطور که در قدیم بوده است.

در دنیایی هستیم که زنان در کشاکش بین در خانه محصور ماندن و اسیر خانه شدن تحت هر شرایطی یا فمینیست بودن و ضد تبعیض بودن به سر می‌برند درحالی‌که حد تعادلی بین این دو نیز هست که عده‌ای از زنان موفق جهان به آن دست پیدا کرده‌اند.

زنی که به قول امام خمینی (ره)، همانند قرآن انسان‌ساز است که بلندترین مرتبه‌ی تربیت و ساختن و به عمل آوردن است، پس قطعاً کارهای کوچک‌تر از آن یعنی ساختن یک جریان در جامعه را نیز می‌تواند انجام بدهد.

هدف از این مقاله این نیست که درباره زنانی صحبت کنیم که بین خانواده و

کار تعادل برقرار کرده‌اند.

این خود موضوع قابل بحث دیگری است که نمونه‌هایش کم نیستند. بلکه، هدف این است به زندگی زنانی بپردازیم که در جهان جریان رسانه‌ای بزرگی به‌وجودآورده‌اند و توانسته‌اند اثرگذار باشند. همانطوری که عرض شد، زنی که می‌تواند انسان‌ساز باشد می‌تواند در جهان هم تغییر ایجاد کند، تغییری مثبت یا متاسفانه منفی، به‌وسیله قدرت مثال‌زدنی‌اش که شاید حتی مردان هم از آن بی‌بهره باشند.

مقدمه را تمام کنیم و به سراغ زنان تاثیرگذار در عرصه رسانه برویم، زنانی با پشتکار و کوشش بسیار و بابرنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده که خودشان را در عرصه‌های مختلف از جمله رسانه اثبات کرده‌اند. به‌راستی که چنین موفقیت‌هایی جز با تلاش و برنامه‌ریزی و لطف پروردگار بدست نخواهد آمد.

۱. از استادی تا مدیریت یاهو

مریسا مایر در تاریخ ۳۰ می ۱۹۷۵ در Wausau، ویسکانسین آمریکا متولد شد. مریسا در دوران نوجوانی دوست داشت جراح مغز و اعصاب شود؛ به همین دلیل پس از دبیرستان وارد کلاس‌های مقدماتی پزشکی دانشگاه استنفورد شد. کمی بعد او رشته‌ی تحصیلاتی خود را از علوم اعصاب کودکان به رشته‌ی سیستم‌های نمادین تغییر داد. سیستم‌های نمادین ترکیبی است از علوم فلسفه، روانشناسی شناخت‌گرا، زبان‌شناسی و علوم کامپیوتر. در دوران دانشجویی او فوق‌العاده فعال بود؛ در جلسات مناظره دانشجویی حضوری مداوم داشت و در درس خود به‌اندازه‌ای مستعد بود که استادان دانشگاه از او برای مطالعات و پژوهش‌های خود کمک می‌گرفتند. پس از مدتی او کسی بود که در کلاس‌های تکمیلی

درس علوم به دانشجویان ضعیف‌تر درس می‌داد. او کمک کرد دبیرستان برمودا رشته‌ی علوم کامپیوتر را به واحدهای درسی خود اضافه کند. پس از یکی دو سال اول دانشگاه، اریک رابرتز سرپرست گروه رشته سیستم‌های نمادین، از او خواست یکی از درس‌های همین رشته را تدریس کند. کلاس او به‌اندازه‌ای از طرف دانشجویان مورد استقبال قرار گرفت که دانشگاه رسماً از او خواست کلاس را در طول تابستان هم ادامه دهد. پس از اتمام دانشگاه، ازجمله شغل‌هایی که به مایر پیشنهاد شد، تدریس در دانشگاه کارنگی ملون بود. شرکت مک کینزی هم از او برای پست مشاوره دعوت به همکاری کرده بود. این‌ها همه شغل‌های وسوسه کننده‌ای بودند؛ اما مریسا تصمیم گرفت به‌جای آن، زندگی حرفه‌ای‌اش را از استارت‌آپ کوچکی شروع کند.

این استارت‌آپ، چهاردهمین پیشنهاد

کاری او بود؛ شرکت کوچکی به نام گوگل که تازه تأسیس شده بود و او بیستمین کارمند استخدامی و اولین مهندس زنی بود که در این شرکت شروع به کار کرد. مریسا، رهبری تیم رابط کاربری و سرورهای وب را به عهده گرفت. او کدنویسی و نظارت تیم‌های کوچک مهندسانی را انجام می‌داد که روی طراحی و توسعه‌ی موتور جستجوی گوگل کار می‌کردند. در این دوره او به خاطر دقتش به جزئیات، در شرکت زبازد همگان شده بود و همین باعث شد به سمت مدیریت محصولات ارتقاء شغلی پیدا کند و کمی بعد به مقام مدیریت و رهبری محصولات تحت وب رسید. او وظیفه داشت لوگوی گوگل را برای مناسبت‌های مختلف (مثل بزرگداشت‌ها، تعطیلات، جشن‌ها، رویدادها و روزهای خاص) طراحی کند. با سلیقه و استعداد عالی او در طراحی،

شرکت گوگل هویتی منحصر به فرد پیدا کرد.

در سال ۲۰۰۵، او به سمت نایب رئیس بخش جستجوی محصولات و تجربیات کاربران منصوب شد. در این زمان فعالیت‌های مریسا مایر منجر به تولید بهترین و موفق‌ترین محصولات این شرکت شد: گوگل مپ (Google Maps)، گوگل ارث (Google Earth)، استریت ویو (Street View)، نوار ابزار گوگل (Google Toolbar)، گوگل نیوز (Google News) و جی‌میل (Gmail).

و سرانجام، در ۱۶ جولای ۲۰۱۲ و در سن ۳۷ سالگی، مریسا مایر به‌عنوان رئیس و مدیرعامل شرکت یاهو انتخاب شد. به‌جز ریاست و مدیرعاملی یاهو، مریسا مایر در عرصه‌های دیگری نیز نام خود را مطرح کرده است. نام او در هیئت‌مدیره موزه طراحی ملی و موزه هنرهای مدرن سان‌فرانسیسکو دیده می‌شود. مایر در شرکت‌های فناوری و کامپیوتر هم سرمایه‌گذاری کرده است. در ۲۴ دسامبر ۲۰۱۵، مایر توسط شرکت بریتانیایی Richtopia به‌عنوان چهاردهمین مدیرعامل تأثیرگذار دنیا انتخاب شد.

یکی از جملات نابی که مریسا مایر دارد این است که همیشه چیزی بود که برای آن آماده نبودم. فکر می‌کنم همین باعث پیشرفت آدمی می‌شود. فکر می‌کنید از عهده‌ی چیزی بر نمی‌آیید؛ ولی خودتان را از آن لحظات عبور می‌دهید و به موفقیت می‌رسید.

۲. بانوی اول فیس‌بوک

شریل سندبرگ در ۲۸ اوت ۱۹۶۹ در واشنگتن دی‌سی به‌دنیا آمد و در دو سالگی به‌همراه خانواده‌ش به فلوریدا و میامی رفت.

شریل سندبرگ در سال ۱۹۸۷ برای ادامه‌ی تحصیلات به دانشگاه هاروارد و کالج هاروارد رفت. او در سال ۱۹۹۱ مدرک کارشناسی خود را در رشته‌ی اقتصاد و جایزه‌ی جان اچ. ویلیامز را به‌عنوان دانشجوی برتر این رشته دریافت کرد.

او علاقه‌ی شدیدی به پیوستن به جریان فناوری داشت که در آن سال‌ها به‌اهستگی جای خود را به‌عنوان

صنعت بازمی‌کرد. گوگل در ابتدا به درخواست کار شریل سندبرگ علاقه نشان داد و او نیز مأموریت اصلی گوگل را به‌خوبی کشف کرد: «آزادکردن دسترسی به تمام اطلاعات موجود در جهان.»

اولین دیدار مارک زاکربرج، بنیان‌گذار و مدیرعامل فیس‌بوک، با شریل سندبرگ در پایان سال ۲۰۰۷ رخ داد. زاکربرج هیچ‌گاه به‌صورت رسمی به‌دنبال مدیر عملیات برای فیس‌بوک نبود؛ اما در دیدار اول، شریل را برای چنین موقعیتی در شرکتش مناسب دید. در نهایت در مارس سال ۲۰۰۸، خبر استخدام سندبرگ در فیس‌بوک و ترک گوگل رسانه‌ای شد. شریل سندبرگ یکی از زنان قدرتمند حال‌حاضر جهان محسوب می‌شود. او شهرت و اعتبار بسیاری حتی پیش از پیوستن به فیس‌بوک داشت و امروز نیز می‌تواند به‌عنوان مدیر و فرد اول بسیاری از شرکت‌های بزرگ جهان کار کند. بسیاری از گمانه‌زنی‌ها حتی او را جایگزین استیو بالمر در مایکروسافت نیز می‌دانستند؛ اما به‌رحال شریل تصمیم گرفت فرد دوم در شرکتی باشد که بختش برای تبدیل به نفر اول نزدیک به صفر است.

اینکه سندبرگ چگونه با تمام مشغله‌هایش در فیس‌بوک، کتاب نوشت و در تورهای جهانی آن شرکت و بنیاد خیریه تأسیس کرد و در سخنرانی‌ها شرکت می‌کند، برای بسیاری از افراد هنوز سؤال بزرگی محسوب می‌شود.

سندبرگ کتاب اولش، یعنی Lean In را به‌کمک نویسنده‌ای حرفه‌ای به‌نام نل اسکول در زمان‌های استراحت و آخر هفته‌ها نوشت. او تورهای جهانی کتاب را نیز در زمان تعطیلات برگزار می‌کرد و در خلال آن‌ها، بازهم مشغول مدیریت کارهای فیس‌بوک بود.

در سال ۲۰۰۹، مجله‌ی بیزینس و یک سندبرگ را به‌عنوان یکی از ۲۵ فرد تأثیرگذار در دنیای وب معرفی کرد. در سال ۲۰۱۴، او رتبه‌ی نهم از فهرست یک‌صد زن تأثیرگذار جهان از نگاه فوربز را به‌دست آورد و در سال ۲۰۱۷ به رتبه‌ی چهارم رسید. در سال ۲۰۱۲، مجله‌ی تایم نیز در نام سندبرگ را در

فهرست یک‌صد فرد تأثیرگذار جهان قرار داد.

یکی از توصیه‌های سندبرگ را بخوانید که گفته: من فکر می‌کنم: خودتان باشید، آنچه هستید را به اشتراک بگذارید، به وضعیت زندگی افراد دیگر در زندگی‌شان اهمیت بدهید و اطمینان یابید که یک هم‌تیمی خوب هستید. نشان دهید که در حال کمک به سایر افراد هستید؛ نه فقط برای اینکه کل وجود آنها را به‌کار وارد کنید، بلکه برای اینکه به اهداف گروهی تیم برسید.

۳. مادر فعال یوتیوب

وویچیتسکی، در پنجم ژوئیه سال ۱۹۶۸ در کالیفرنیا و زمانی به‌دنیا آمد که خبری از سیلیکون‌ولی و غول‌های دنیای فناوری نبود.

او پس از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان به دانشگاه هاروارد رفت و مدرک خود را در رشته‌ی تاریخ و ادبیات در سال ۱۹۹۰ دریافت کرد. پس از فارغ‌التحصیلی در رشته‌ی تاریخ و ادبیات، نوبت به تغییر مسیر در زندگی سوزان رسیده بود. او دو مدرک کارشناسی ارشد، یکی در رشته‌ی اقتصاد از دانشگاه کالیفرنیا و دیگری در رشته‌ی مدیریت کسب‌وکار از دانشکده‌ی مدیریت اندرسون دانشگاه یوسی‌ال‌ای دریافت کرد. در سال ۱۹۹۹ مدیریت اولین تیم بازاریابی شرکت گوگل را بر عهده گرفت.

وویچیتسکی علاوه‌بر مدیریت بخش‌های بازاریابی و ویدئوی گوگل، مدتی را نیز در تیم‌های توسعه‌ی قابلیت‌های Google Images و Google Books گذارند. او که کارمند شماره‌ی ۱۶ گوگل بود، در فرایندهای توسعه‌ی اپلیکیشن‌های متعدد گوگل حضور داشت امروز و به‌نوعی میراث‌دار غول موتور جست‌وجو محسوب می‌شود. سوزان وویچیتسکی در سال ۲۰۱۴ به‌عنوان مدیرعامل یوتیوب و جایگزین سالار کمانگر انتخاب شد. یوتیوب تحت مدیریت وویچیتسکی به سرویسی با ۸/۱ میلیارد دلار کاربر ماهانه تبدیل شد که فاصله‌ی زیادی با فرمانروای بازار یعنی فیس‌بوک ندارد. به‌علاوه برخی آمارها یوتیوب را محبوب‌ترین شبکه‌ی اجتماعی در میان نوجوانان

می‌دانند و می‌توان ادعا کرد آن‌ها در برخی جبهه‌ها فیس‌بوک را شکست داده‌اند.

وویچیتسکی نمونه‌ی موفقی از تلاش برای تعادل در زندگی شخصی و کاری است. او با داشتن پنج فرزند، مدیریت یکی از بزرگ‌ترین سرویس‌های کنونی اینترنت را بر عهده دارد و می‌گوید فعالیت‌های شخصی و کاری‌اش، به‌نوعی مکمل یکدیگر هستند.

مطالبی که خواندید که تنها بخش کوچکی از زندگی زنان موفق جهان چه در عرصه رسانه یا غیر رسانه هست. حتی بسیاری از زنان موفقی که گمنام مانده اند، اما تأثیرات بسیاری بر جامعه و جهان داشته اند. این یادداشت درصدد این نبود که نشان دهد زنان موفق باید حتما تأثیرات جهانی داشته باشند یا نام شان بر سر زبان ها باشد، بلکه مقصود ما در نهایت این است که زنان ما در هر جایی که هستند و با هر مسئولیتی که دارند باید بهترین خود باشند و این در واقع تعریف یک زن موفق هست.

هر زنی، می تواند قهرمان خودش باشد و ما می توانیم به تعداد تمام زنان جهان قهرمان زن داشته باشیم که در خانواده اش، در جامعه اش و در جهانش تحول و دگرگونی مثبت ایجاد می کند.

پس اول قهرمان خودت باش، بعد قهرمان خانواده ات و سپس قهرمان جامعه و جهان...



قریب به ده سال سابقه لایحه همچنان لایحه است

جلسه نقد و بررسی لایحه حمایت و تامین امنیت بانوان در برابر خشونت

حلیه توکلی
کارشناسی حقوق

جلسه‌ی نقد و بررسی «لایحه‌ی حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» در روز شنبه ۲۵ بهمن، از سوی کارگروه زنان بسیج دانشجویی و نیز پژوهشکده‌ی خانواده دانشگاه شهید بهشتی، با حضور ۴ کارشناس تشکیل می‌شود و تبلیغات لازم از سوی بسیج دانشجویی و دانشگاه، به انحاء مختلف و از هفته‌ی قبل صورت گرفته بود.

کارشناسان جلسه: دکتر محمد روشن، رئیس پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی، دکتر فاطمه قاسم‌پور، نماینده مردم تهران و رئیس فراکسیون زنان و خانواده مجلس شورای اسلامی، خانم شهناز سجادی، حقوق‌دان و دستیار

حقوق شهروندی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری دکتر ماهر و غدیری، عضو هیئت علمی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی جلسه، پنج دقیقه زودتر از ساعت مقرر آغاز می‌شود. و دقایق ابتدائی به امتحان میکروفون‌ها و وبکم‌ها می‌گذرد. به علت دیرکرد بچه‌های کارگروه، کمی معطلی صورت می‌گیرد و از ساعت ۱۶:۰۵ دقیقه، جلسه رسماً آغاز می‌شود.

خانم دکتر غدیری، ضمن عرض خیر مقدم، حلول ماه رجب را تبریک گفته و مقدمات ابتدایی را مطرح می‌کنند: «مسئله‌ی خشونت علیه زنان، مسئله‌ای جهانی است و مجامع بین‌المللی، به انحاء مختلف به این موضوع پرداخته‌اند و می‌توانیم بگوییم این اولین باری نیست

که به این مسئله پرداخته شده...» بعد از اتمام مقدمه‌ی ایشان، خانم سجادی، به عنوان یکی از اشخاصی که در جریان مراحل لایحه بوده‌اند؛ صحبت می‌کنند:

قریب به ده سال سابقه!

«لایحه در سال ۹۰ در دولت دهم کلید خورد و ایده‌ی معاونت زنان ریاست جمهوری وقت بود. اما به عنوان لایحه‌ای که ماهیت قضایی داشت، به استناد اصل ۱۵۸، کمیسیون آن را رد کرد. در سال ۹۲ در دولت یازدهم، مجدداً معاونت این لایحه را در دستور کار خود قرار داد.

در سال ۹۴ مجدداً مورد بازبینی قرار گرفت و در سال ۹۵، با ۹۲ ماده تسلیم

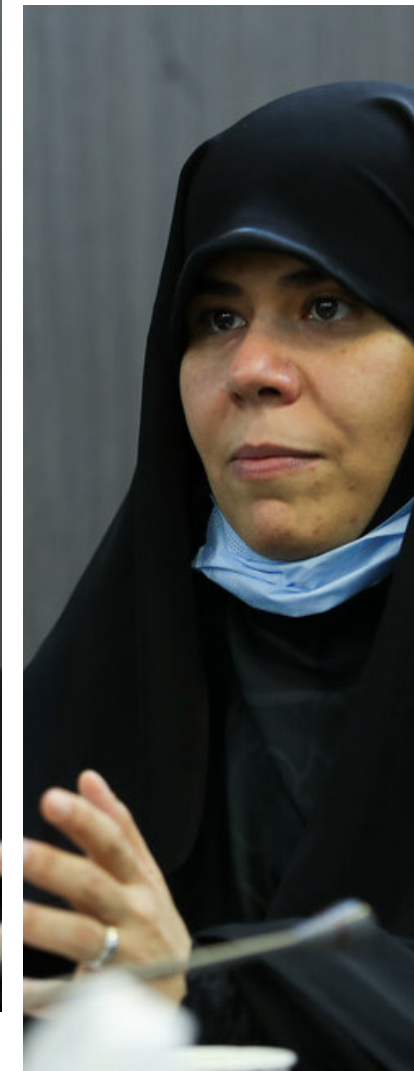
مجلس شد...

در مراحل بررسی، برخی از مواد، مخصوصاً مواد مربوط به بعد مجازات‌ها و آیین دادرسی در این متن حذف می‌شود. مدت‌ها این لایحه در جامعه مطرح می‌شود تا صاحب‌نظران فقهی و حقوقی درباره‌اش نظر بدهند و النهایه در قوه قضائیه همچنان مسکوت ماند تا زمان روی کار آمدن آقای رئیسی که با ۷۷ ماده به عنوان پیشنهاد به دولت ارسال شد. همچنان در نوبت لوایح قرار گرفت.

اما با ماجرای قتل رومینا، لایحه خارج از نوبت بررسی شد و سرانجام در دی ماه به مجلس رسید و اکنون در دست بررسی است.»

ایشان در ادامه، به ویژگی‌های این لایحه اشاره کردند؛ از این ویژگی‌ها می‌توان نام برد از:

۱. فراقوه‌ای بودن، فراجناحی بودن
۲. اقدامات پیشگیرانه، مبارزه، حمایتی
۳. توجه به انواع خشونت‌ها و نهی آن‌ها
۴. در نظرگیری مجازات‌های جایگزین حبس در برخی موارد



۵. جرم‌انگاری رفتارهای به ظاهر هنجارمند مانند خون‌بس یا ختنه‌ی

زنان

۶. تشدید مجازات علیه برخی مرتکبان مانند پدر، کارفرما، مقام مذهبی و...
۷. اقدامات تأمینی و احتیاطی از قبیل اخذ تعهد، مفارقت موقت زوجین و... (در جایی که احتمال خطر هست)

۸. پیش‌بینی صندوق حمایتی برای پرداخت تفاضل دیه (مابه‌التفاوت از بیت‌المال پرداخت می‌شود).
و البته ایشان در ادامه عنوان می‌کنند که «این نظر هم موقتی است» و در ادامه افزودند «بیت‌المال نباید برای قاتل هزینه شود و برای راهکار درست، باید به فتاوی معتبر مراجعه شود... و در حال حاضر صرفاً می‌توان به عنوان مُسکن به آن نگاه کرد...»

۹. جرم‌انگاری تمکین نامشروع

۱۰. توانمندسازی زنان خشونت‌دیده از طرف بهزیستی

۱۱. الزام مجرم به پرداخت هزینه‌های درمانی، مضاف بر پرداخت دیه

۱۲. اذن خروج از کشور

...

پس از احصاء این ویژگی‌ها توسط خانم سجادی و پایان صحبتات ایشان، خانم دکتر غدیری به نکته‌ای اشاره می‌کنند و آن بحث «تمکین نامتعارف» است و اشاره به این موضوع که تشخیص آن و تفسیرش به افراد بستگی دارد.

در تمام طول بحث، امکان طرح سوال به صورت تاییپی وجود دارد و دکتر روشن پاسخ پرسش‌ها را در همان قالب و به صورت تاییپی به حاضران ارائه می‌دهند. تعداد حاضران به ۶۴ نفر رسیده است. افراط و تفریط، در مسیر خاکستری بودن

در ادامه، خانم دکتر قاسم‌پور، صحبت‌های خود را آغاز می‌کنند و نقطه‌ی عطف این لایحه را صحبت‌های رهبری در دی ماه ۹۰ می‌دانند که در آن سخنان، رهبر انقلاب، بحث زنان را از مباحث جدی و شایان توجه خوانده بودند.

ایشان درضمن، به برخی خصلت‌های افراطی- تفریطی و شکل‌گیری یک جدال بزرگ اشاره کردند و اینکه یک قوا آنقدر این موضوع را بزرگ می‌دانند که معتقد است باید توسط یک مرجع فراقوایی بررسی شود.

ایشان در ادامه و در نقد بخشی از صحبت خانم سجادی، اشاره کردند که بحث



بودجه که بسیار مهم است) و همچنین افزودند که باید از حداکثر توان دستگاهها استفاده شود.

ایشان در پایان سخنان خود، از تمامی صاحب نظران در این عرصه، برای نظردهی در باب این لایحه، دعوت به عمل آوردند...

در این میان و در پایان صحبت‌های ایشان^۱ که مدت کوتاهی اتصال‌شان قطع شد^۲ کلیپی ساخته شده از سوی کارگروه زنان درباره‌ی این لایحه پخش گردید.

...

تعداد حاضران، کماکان افزایش می‌یابد و ساعت ۱۶:۵۰ در اثنای صحبت‌های دکتر قاسم پور، تعداد حاضران به ۷۱ نفر رسید.

در ادامه‌ی بحث، خانم دکتر غدیری، به نکاتی در باب مفهوم خشونت و تلقی‌های عموم از آن و طرح این سوال که «ما تا چه حد می‌توانیم بر این تلقی‌ها اثر گذار باشیم» پرداختند.

ترازوی انتقادی، سنجش میزانی

دکتر روشن، صحبت‌های خود را آغاز می‌کنند. و ضمن تبریک میلاد با سعادت امام محمد باقر(ع)، ایشان را نمونه‌ای بارز از بردباری در برابر نظرات مخالف خود دانستند.

در ادامه، دکتر روشن بر گزارش دکتر سجادی صَحّه گذاشته و معتقد بودند که

فراقوه‌ای بودن از نظرشان، از حیث اهمیت صحیح است ولی از حیث اجماع قوا خیر. همچنین افزودند:

موضوع مثبت این لایحه این بود که نهادها و کنش‌گران را نسبت به موضوع زنان حساس کرده و در گسترش آموزش اثرگذار بوده. یا خلاءهایی که در نظام کیفری در باب موضوع زنان وجود داشته، تا حدود زیادی با طرح این موضوع از بین رفته است.

طرح چند چالش از سوی ایشان:

* مفهوم خشونت باید روشن شود.

* مواجهه با خشونت نباید صرفاً جرم‌انگاری باشد.

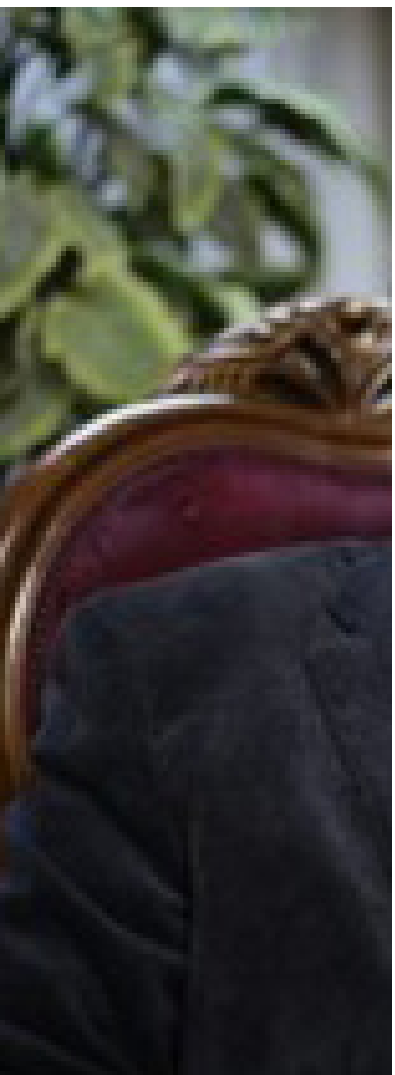
* مسئله‌ی تلقی کنشگر اجتماعی در مواجهه با خشونت (تلقی ما از خشونت ممکن است با تلقی یک خانم مستقر در روستایی مرزی از مفهوم خشونت متفاوت باشد).

... تعیین مرز خشونت و ظلم

مسئله‌ی بعدی: باید این را هم در نظر بگیریم که تنبیه ما در هر شرایط، باید چگونه باشد(مانند جایی که اولویت ما، حفظ اصالت خانواده است).

...

در ادامه، ایشان به نکته‌ای اشاره کرده و آن را نگران‌کننده خواندند که عبارت بود از بحث وظایف دستگاه‌ها(اعم از بحث



آرامانی ما این است که کسی مرتکب فعل یا ترک فعل نمی‌شود.

برخی مواد بیخودند!

ایشان ضمن صحبت‌های خود اضافه کردند که لزومی به وجود برخی مواد مانند ماده‌ی... که زن را تعریف کرده نیست. همچنین با اشاره به طرح ویژگی فراجناحی بودن از سوی خانم سجادی، این مطلب را عنوان کردند که باید وقتی جامعه‌ی عقلایی به این لایحه نگاه می‌کند، تاییدگر آن باشد و اصول‌گرا و اصلاح‌طلب به عنوان تاییدکننده چندان مهم نیستند.

همچنین در راستای انتقادات خود، به تبصره ذیل ماده ۸ اشاره کرده و افزودند چه لزومی دارد که ما اینقدر تشکیلات اضافه کنیم!؟

استاد با سابقه‌ی دانشگاه شهید بهشتی همچنین اذعان کردند که: این لایحه نکات خوبی دارد ولی وظیفه‌ی ما نقد است. نفس وجود چنین قانونی خوب است اما باید تمام تلاش خود را بکنیم تا ایرادات جزئی آن هم مرتفع شود.

نوبت به صحبت‌های خانم دکتر غدیری می‌رسد اما از آن جایی که برای اتصال

ایشان مشکلی پیش آمده، دکتر روشن در این فاصله به یکی دیگر از ایرادات اشاره کردند و آن ماده ۵۶ لایحه بود.

طبق این ماده، اینکه دوبار شوهر یک زن به پرداخت دیه محکوم شود، از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌شود یعنی این ماده در واقع می‌گوید که تا ۳ بار آسیب به زن از این طریق مسئله‌ای نیست! حال آنکه م ۱۳۰ق.مدنی، دست قاضی را برای تفسیر مصداق عسر و حرج بازتر می‌گذاشت...

در انتها ایشان مجدداً تاکید کردند که این نکته اشاره کردند که لایحه، تعریف گسترده‌تری از خشونت را داشت که هر رفتاری(اعم از فعل و ترک فعل) و چه مربوط به حال، چه مربوط به آینده را دربرمی‌گرفت؛ حال آنکه تعریف جدید می‌خواهد صرف رفتار عمد و در واقع بعد کیفری آن را به عنوان مصداقی از خشونت شناسایی کند.

ایشان در ادامه در فرصتی کوتاه به نقد این موضوع پرداختند و به علت کم بودن وقت وینار، در ثانیه‌های پایانی، از کارشناسان مربوطه تشکر کردند و جلسه سر ساعت به اتمام رسید.

یک تغییر کم اما معنا دار

پیش از شروع این صحبت‌ها، دکتر روشن، از باقی کارشناسان هم دعوت می‌کنند که امکان اتصال تصویر خود را

برقرار کنند تا حاضران، ارتباط تفسیری با همه‌ی آن‌ها داشته باشند.

خانم دکتر غدیری، به سرعت، به چند نکته در باب مقایسه‌ی لایحه با طرح مربوط به آن پرداخته و به حذف برخی تعاریف از طرح اشاره کردند(موضوع کرامت، حمایت، زن) و افزودند تنها تعریفی که باقی مانده، تعریف خشونت است و باتوجه به قسمتی حذف شده از آن به این نکته اشاره کردند که لایحه، تعریف گسترده‌تری از خشونت را داشت که هر رفتاری(اعم از فعل و ترک فعل) و چه مربوط به حال، چه مربوط به آینده را دربرمی‌گرفت؛ حال آنکه تعریف جدید می‌خواهد صرف رفتار عمد و در واقع بعد کیفری آن را به عنوان مصداقی از خشونت شناسایی کند.

ایشان در ادامه در فرصتی کوتاه به نقد این موضوع پرداختند و به علت کم بودن وقت وینار، در ثانیه‌های پایانی، از کارشناسان مربوطه تشکر کردند و جلسه سر ساعت به اتمام رسید.

حکمرانی یا حکومت؟: نقش زنان به عنوان افسران جنگ نرم

جنگ نرم به هرگونه اقدام روانی و تبلیغاتی گفته می‌شود که هدف آن جامعه است و تفاوت اصلی آن با جنگ سخت در وجود نداشتن درگیری نظامی است.

چرا باید جنگ نرم را شناسایی و خنثی کرد؟

دکترین و اصل بنیادین اصلی در مسیر حصول تمدن اسلامی، خودکفایی فرهنگی است. و زمانی می‌توانیم بگوییم که خودکفایی فرهنگی حاصل شده است که الگوی پوشش، سبک زندگی، روابط و تربیت یک مسلمان، اسلام باشد و نه فیلم‌ها و سریال‌های خارجی و تصویری که غرب در این زمینه‌ها ارائه می‌کند. حکمرانی فرهنگی مطلوب تنها در این صورت می‌تواند اتفاق بیفتد. حکمرانی با حکومت فرق دارد. لفظ حکمرانی به معنای اداره جامعه بدست مردم برای حل یکسری مشکلات است. (آزموده؛ حاجی یوسفی، ۱۳۹۸، ص ۹) البته از آن‌جا که تهاجم فرهنگی بر همین مردم حادث می‌شود، اصلی‌ترین نقش در شناسایی و خنثی‌سازی مشکل به عهده همین مردم و بطور عمده بر عهده زنان به عنوان محور و مدیر خانواده است.

زنان چگونه می‌توانند به عنوان افسران جنگ نرم بیش‌ترین تاثیر را در حکمرانی فرهنگی مطلوب داشته باشند؟

زنان چهار نقش دارند: دختر خانواده، همسر، مادر و زن.

زنان به عنوان عضو محوری خانواده، اگر که از نظر سیاسی آگاه باشند و توانایی شناسایی تهاجم فرهنگی را داشته باشند، می‌توانند سبک زندگی و تربیت فرزندان را به گونه‌ای قرار دهند که برپایه اصول بنیادین اسلامی و تمدن‌سازی باشد. ملغاکردن رسومی مانند مهریه بالا، انتظارات بالا یکی از مصادیق مبارزه با جنگ نرم است.

زنان به عنوان اساتید دانشگاه‌ها می‌توانند مسیر آموزشی کشور را به

سمت مشکل محور بودن و تمدن‌ساز بودن حرکت بدهند. به گونه‌ای که وقتی یک جوان از دانشگاه فارغ التحصیل می‌شود، با رسالت خود در تمدن اسلامی آشنا باشند و در جهت گسترش علم و فرهنگ اسلامی بکوشند.

زنان به عنوان مسئولان کلان‌کشوری، چه در نقش یک نماینده مجلس، چه یک وزیر و چه حتی یک رئیس‌جمهور می‌بایست در کنار تمرکز بر مشکلات اقتصادی، یک راهبرد طولانی مدت برای مقاومت‌سازی فرهنگ در مقابل هجمه‌های دشمن ارائه دهند و در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند. تبلیغ سبک زندگی صحیح اسلامی، تبیین و مبارزه با عقاید ضداسلامی و خانواده‌زدا مانند فمینیسم، سرمایه‌گذاری بر روی نویسندگان، فیلم‌سازان و هنرمندان برای تولید آثاری که با مدرک، تهاجم فرهنگی و تاریخ و اثرات آن بر کشور خودمان و دیگر کشورها مانند ترکیه امروزی را به نمایش بگذارد، و ... از جمله کارهای راهبردی‌ای است که زنان در مقام اجرایی می‌توانند به انجام آن همت گمارند.

از جنگ نرم چه مثال‌هایی می‌شود ارائه کرد؟

مثال تاریخی جنگ نرم در ایران را می‌توان در دوره قاجاریه و عمدتاً پهلوی یافت. جنگ نرم در آن دوران تزریق این باور بود که تصویر درست از پیشرفت، همان تصویری است که غرب ارائه می‌کند. در دوران قاجاریه تجددگرایانی که گاهی مغزهای متفکرشان در خود غرب هم درس خوانده بودند، تنها راه پیشرفت را آیینیه تمام‌نمای غرب‌شدن معرفی می‌کردند و اعتقاد داشتند که مرحله بعدی تحول کشور که می‌تواند ما را به کشوری پیشرفته بدل کند، تقلید سبک غربی بصورت تمام و کمال است.

در دوره پهلوی هم مسائلی مانند کشف حجاب، تغییر لباس اصیل ایرانی به

سبک غربی، و آوردن مستشارهای فراوان به کشور و القای این تفکر که ما برای پیشرفت نیاز داریم مستشاران مدیریت کارها را به عهده بگیرند، به شکلی عمیق جنگ نرم انجام شد. آثار خیلی از این تهاجم‌های فرهنگی را هنوز هم که هنوز است در جامعه اسلامی‌مان پس از حدود ۴۰ سال از انقلاب

می‌بینیم. یکی از عمیق‌ترین تهاجم‌های فرهنگی‌ای که در دوره پهلوی و بدست رضا پهلوی و سپس محمدرضا انجام شد، ارائه تصویری غلط از زن الگو بود. تصویری که چنین فرض می‌کرد که هر آنچه که مانع از پیشرفت زنان است، حجاب آنان است و اگر زنان آن حجاب را از سر بردارند زنان الگوی جهان پیشرفته و متمدن می‌شوند که خب زنان دوره پهلوی چه در دوره رضا محمد رضا در مقابل این هجمه مقاومت کردند.

چرا شناسایی و خنثی کردن جنگ نرم اهمیت دارد؟

همان‌طور که حضرت آقا بارها فرموده‌اند، ما سه نوع استقلال داریم: استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی و استقلال فرهنگی. با توجه بیانات ایشان پیچیده‌ترین و سخت‌ترین نوع استقلال، استقلال فرهنگی است.

در دوره پهلوی هم مسائلی مانند کشف حجاب، تغییر لباس اصیل ایرانی به

استقلال سیاسی را از دشمن کسب کنیم و حتی استقلال اقتصادی در جنبه‌هایی رخ داده است ولی مشکل عمده‌ای که جامعه با آن روبروست، تهاجم‌های پیچیده و پنهان فرهنگی است که رسیدن به استقلال فرهنگی را بسیار دشوار کرده‌اند. اگر استقلال فرهنگی و فرهنگ بازدارنده (فرهنگی که دشمن حتی جرات حمله به آن را ندارد چون می‌داند تهاجمش سریعاً شناسایی و خنثی می‌شود) حاصل نشود، امکان پیشروندگی کشور به سمت تمدن اسلامی ممکن نمی‌شود و کشور رکود پیدا می‌کند.

چرا زنان در تهاجم فرهنگی نقش کلیدی چه در مورد تهاجم واقع شدن توسط دشمن چه در شناسایی و خنثی‌سازی تهاجم دارند؟

جنگ با مضمون زنان، آنقدر مفهوم را هبردی‌ای است که باوجود اینکه نوعی جنگ فرهنگی است، به عنوان یک شاخه جدا در پدافند غیرعامل مطرح شده و مورد توجه واقع می‌شود. چرا که با تهاجم فرهنگی به زنان در جامعه، اساساً بطور کل خانواده و بطور جزء نسل آینده یک کشور دچار تباهی می‌شود. در واقع یکی از راه‌های اصلی نفوذ مخفیانه ناتو (پیمان آتلانتیک

شمالی که هدفش مقابله با کمینسم بود ولی بعد از فروپاشی شوروی و با بهانه رخداد حادثه ۱۱ سپتامبر، با هدف ساختگی مبارزه با تروریسم در خاورمیانه مشغول به کار شد) به کشورهای درحال توسعه و به خصوص کشورهای اسلامی گسترش فساد اخلاقی و عقیدتی مخصوصاً در بین جوانان - که سلاح‌های اصلی محافظت‌کننده از آرمان‌های هر کشوری هستند - است (علمداری، شهرام ۱۳۸۳). ناتوی فرهنگی).

سوال بعدی این است که این جنگ نرم، امروزه در چه زمینه‌هایی می‌تواند رخ دهد؟

فکر می‌کنم پاسخ این سوال را تا حدودی در بالا ارائه کردم؛ لکن در این بخش شفاف‌تر و دقیق‌تر عرض خواهم نمود. عمده تهاجم‌های فرهنگی به اصول بنیادینست که اندیشه اسلام و جمهوری اسلامی را سرپا نگه داشته است: خانواده، زنان و دختران (که محور خانواده‌ها هستند)، آموزش، سبک زندگی و البته مثال‌هایی دیگر.

چون موضوع بحث ما نیست بطور خلاصه اشاره می‌کنیم که جنگ نرم در آموزش کشور به این‌گونه است که علم غربی اصل قرار داده می‌شود، اساتید به همان علم قناعت می‌کنند درحالی‌که تمدن اسلامی نیازمند آموزشی است که اساتیدش علم غرب را گرفته و آن را گسترش دهند و اسلامی کنند. دوم آنکه آموزش کشور می‌بایست مشکل محور باشد و پایان نامه‌ها، رساله‌ها و مقالاتی که نوشته می‌شوند در راستای حل مشکلات کشور باشند نه یکسری موضوعات انتزاعی و نامربوط. در یک جمله جنگ نرم در آموزش عبارت است از خارج کردن آموزش از مسیر تمدنی و مشغول کردن آن به مشکلات نامربوط. خانواده و به‌طور دقیق‌تر دختران و زنانی که محور یک خانواده هستند یا خواهند بود، یکی از مهم‌ترین یا شاید

دم حادث می‌شود، اصلی‌ترین نقش در شناسایی و خنثی‌سازی مشکل به عهده همین مردم و بطور عمده بر عهده زنان به عنوان محور و مدیر خانواده است.

بشود بی‌اغراق گفت مهم‌ترین هدف تهاجم فرهنگی دشمن هستند. دشمن امروز بسیار باهوش‌تر از دشمن صدسال پیش است. او می‌داند که نمی‌تواند با برداشتن اجباری حجاب یا با اجبار حکومت، عقاید و دید زنان را نسبت به اصول بنیادین اسلامی سست کند، بنابراین دست به تهاجمی عمیق‌تر می‌زند که حتی به چشم نمی‌آید و اگر احیاناً به چشم کسی هم بیاید به او انگ توهّم توطئه می‌زنند. راهبرد قرن بیست و یکم دشمن عبارت است از گسترش دادن عقیده‌هایی که با تحریک احساسات و هیجانات موجب پذیرش آن‌ها می‌شود. مثلاً تصویری از یک زن ایرانی ارائه می‌دهد که در خارج از کشور ده‌ها جایزه برای علوم مختلف برده‌است و این را به حجاب نداشتن او ربط می‌دهند. درحالی‌که ما هزاران زن دانشمند در داخل مرزهای کشور داریم که با حجاب کامل به چنین مقاماتی نائل می‌شوند. ولی دشمن سعی می‌کند موفقیت‌های آنان را از دید رسانه‌ها پنهان کند. به بیان رهبری موفقیت‌ها را پنهان می‌کنند یا چنان کوچک جلوه می‌دهند که به چشم نیاید.

دومین مثالی که از راهبرد تهاجم فرهنگی قرن بیست و یکم می‌توان زد، گسترش عقایدی مانند فمینیسم با هدف (ساختگی و ظاهری) دفاع از حقوق زنان است. هدف اصلی فمینیسم چیزی به جز ایجاد فساد عقیده در زنان جامعه اسلامی نیست و زنانی که خود عقاید التقاطی و غرب‌زده و گاه ضداسلامی داشته باشند، مسلم است که نمی‌توانند فرزندان تمدن‌ساز پرورش دهند. دقت کنید که بنیان فمینیسم بر اصل اشتباهی استوار است و التقاط آن با اسلام امریست ناممکن. لکن دشمن این مرز را پنهان می‌کند و طوری جلوه می‌دهد که گویا اسلام بدون فمینیسم ناقص است. فمینیسم می‌گوید زنان و مردان باید که از همه نظر برابر باشند. درحالی‌که اسلام می‌گوید زن و مرد خداوند از نظر معنوی و حقوقی برابر هستند لکن به هر کدام توانایی خاصی

داده‌ایم و متناسب با آن توانایی هر یک وظایف خاصی هم دارند. فمینیسمی که خیلی از ما در اطراف خودمان شاید شاهد آن بوده باشیم، اصلی‌ترین اسلحه دشمن بر سر خانواده‌ها خواهد بود. سومین زمینه‌ای که تهاجم فرهنگی در آن رخ می‌دهد، سبک زندگی است. دشمن با تبلیغ سبک زندگی تجملاتی سعی در القای این الگو در اذهان خانواده‌ها دارد که سبک زندگی پیشرفته می‌بایست که پر زرق‌وبرق باشد. البته سبک زندگی مصادیق دیگری نیز دارد که در بحث ما نمی‌گنجد.

به عنوان سخن پایانی می‌توانم بگویم در اینکه دختران و زنان مهم‌ترین موضوع تهاجم فرهنگی از جانب دشمن هستند، شکی ندارم. ولی اعتقاد راسخم بر این است که با پرورش بصیرت راهبردی در دختران و زنان می‌توان از این راهبرد دشمن علیه خود آن‌ها استفاده کرد؛ آنان را در زمین بازی خودشان توسط زنان به عنوان افسران این جنگ نرم شکست داد.

ما آتیه را رنگ مساوات بسازیم

نیروه سادات موسوی
کارشناسی حقوق

صد زخم چشیدیم ولی باز بتازیم
تا دهر بداند که در این رزم نبازیم

ما باز ستانیدیم مقام خودمان را
پرچم ز دلیری و مروّت بفرازیم

آیا همه تان باز بگویند به ما ها
در گود سیاست فقط آن حادثه سازیم؟

خشک است سیاست و بد آواز و سیاه است؟
ما باز بسی ساز ز امید نوازیم

میدان پلیدی ست و این جای زنان نیست؟!
از رعب بُود باز؟ که گردن نفرابیم؟

امروز ولی در صف آبادی فردا
ما آتیه را رنگ مساوات بسازیم

با عقل، سخن، رنگ و یک چاشنی احساس
بر آتیه ای رنگی و آزاد بنازیم



زنان و تکیه بر مسند سیاست و مدیریت

مروری بر وضعیت زنان ایرانی و مشارکت در عرصه های سیاسی- اجرایی

یکی از چالشی ترین موضوعات مرتبط با عرصه سیاست و جنسیت که در ایران نیز به طور همیشگی و به ویژه سال منتهی به انتخابات، از انتخابات مجلس شورای اسلامی گرفته تا انتخابات ریاست جمهوری از آن صحبت می‌شود، مبحث زنان و انتخابات و شرکت آن‌ها به عنوان کاندیدا و نماینده منتخب مردم در میدان های مختلف سیاسی است.

شاید انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی تنها یکی از عرصه هایی بود که می‌توانست زنی ایرانی پستو نشین را برای ورود به عرصه های مشارکت سیاسی و تلاش برای اثر گذاری در تعیین سرنوشت جامعه خویش ترغیب کند، اما این آرزو گمانی بیش نبود، در نخستین نظام‌نامه انتخابات مجلس شورای ملی زنان نیز همانند خارج شدگان از دین اسلام، دیوانگان، تبعه خارجه، دزدان و قاتلین، گدایان و متکدیان و اشخاصی که کمتر از ۲۰ سال داشتند از این مشارکت محروم و فاقد حق رای شناخته شدند! طرح اعطای حق رای به زنان برای نخستین بار در سال ۱۳۲۲ از سوی نمایندگان حزب توده آذربایجان در مجلس مطرح شد و برای اولین بار در منطقه خودمختار آذربایجان به زنان حق رای اعطا شد که پس از برجیده شدن فرقه دموکرات آذربایجان این حق مجددا سلب شد.

ملی- مذهبیون و مشارکت سیاسی زنان

در دوران نخست وزیری محمد مصدق، زنان همچنان از حق رای محروم بودند و با وجود پیشنهاد های مشاوران دکتر مصدق مبنی بر برابر بودن همه شهروندان (فارغ از جنسیت) در قانون اساسی، روحانیون و طلاب با طرح مخالفت کردند. با این وجود اما آیت الله ابوالقاسم کاشانی در یک مصاحبه صراحتاً به این نکته اشاره کردند که « شرکت زنان در انتخابات منع شرعی ندارد». در دوره دوم

مجلس شورای ملی، ماده چهارم نظام نامه انتخابات که درباره شرکت زنان در انتخابات بود مجددا مورد بررسی قرار گرفت و با مخالفت افرادی همچون محمد علی فروغی و سید حسن مدرس رو به رو شد تا اعطای حق رای به زنان همچنان تا سال ۱۳۴۱ به تعویق بیفتد.

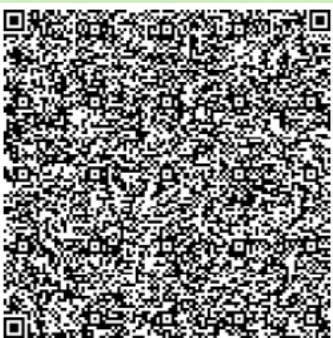
لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی و اعطای حق رای به زنان

لایحه انجمن های ایالتی ولایتی در ۱۴ مهر سال ۱۳۴۱ به تصویب دولت رسید، انجمن های ایالتی ولایتی موضوع اصل نود و دوم قانون اساسی بودند که ماده هفت نظام نامه انجمن، مصوبه مجلس اول شورای ملی، چهار گروه را فاقد حق انتخاب کردن اعضای این انجمن شناخته بود؛ که علاوه بر افراد معروف به فساد عقیده، افراد مجازات شده از نظر قانونی، افراد مقصر و متقلب، زنان نیز نیز از این حق محروم شده بودند. ماده ۹ این نظام نامه شرایط انتخاب شدن را همانند شرایط انتخاب کردن دانسته بود. انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان در این انجمن باید از همان شرایطی برخوردار می‌بودند که داوطلب های نمایندگی در سایر نهاد هایی که اعضای شان توسط مردم انتخاب می‌شود، مثلاً مجلس شورای ملی. لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی در ۱۴ مهر ماه سال ۱۳۴۱ به تصویب هیئت دولت رسید با این تفاوت اساسی که در آن به جای «طبقه نسوان» در گروه های فاقد حق رای، بی سوادان قرار گرفته بودند که بالاخره پس از کش و قوس های بسیار و مخالفت های علما، روحانیان، بازاریبان و سایر اصناف ۶ ماه بعد انجام گرفت.

پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ زنان علاوه بر شرکت در انتخابات به عنوان رای دهنده، در عرصه های مختلفی همانند انتخابات مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و روستا به عنوان کاندیدا حضور پیدا کردند و سمت هایی همچون حضور در کابینه های مختلف دولت‌ها به عنوان معاونت های روسای جمهور، مشاور، سخنگوی وزارتخانه و... را به عهده گرفتند، اما جز در یک نمونه، آن هم مقام وزارت بهداشت دولت نهم، منجر به حضور جدی تر آن‌ها در عرصه سیاست و امور اجرایی در کشور نشد. زنان در خوشبینانه ترین حالت و آن هم در مجلس دهم تنها موفق به تصدی ۱۷ کرسی از ۲۹۰ کرسی مجلس شورای اسلامی شدند که برابر با چیزی کمتر از ده درصد تعداد نمایندگان منتخب استان های مختلف ایران است و این تعداد پایین بدون شک توانایی در نظر گرفتن موجبات و الزامات قانون گذاری برای نیمی از افراد از جامعه و در نظز گرفتن شرایط آن‌ها را ندارند.

فرهنگ سازمانی، مانع اصلی مدیریت زنان؟

علاوه بر مشارکت زنان در عرصه های مختلف سیاسی، زنان در تصدی پست های مدیریتی نیز چندان سهمی ندارند و تنها ۲۶ درصد از زنان به پست های مدیریتی اشتغال دارند. با وجود اینکه در سال های گذشته پیشرفت های متعددی در زمینه تحصیلات و مشارکت اجتماعی توسط زنان صورت گرفته است، اما همچنان از تصدی پست های مدیریتی و عالی رتبه در سازمان ها و ادارات ناتوان هستند. براساس گزارش منتشر شده از سوی دفتر معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده، تعداد مدیران زن در سال ۹۶، ۹ هزار و ۴۴۴ نفر (۷ هزار و ۹۹۰ نفر از آنها مدیر پایه، ۱۴۲۳ نفر مدیر میانی و ۳۱ نفر مدیر عالی) بوده است که این رقم در سال ۹۷ به ۱۱ هزار و ۴۵۴ نفر (۹۷۳۶ نفر از آنها مدیر پایه، ۱۶۷۰ نفر مدیر میانی و ۴۸ نفر از آنها مدیر عالی) و در سال ۹۸ به ۱۲ هزار و ۸۵۰ نفر (۱۰ هزار و ۸۵۹ مدیر پایه، ۱۹۲۴ مدیر میانی و ۶۷ مدیرعالی) ارتقاء پیدا کرده است. هر چند که این آمار در طول سالیان متمادی رشد داشته است اما به نظر می‌رسد در مورد تصدی مسئولیت ها توسط زنان همچنان عامل جنسیت بیش از شایستی مورد توجه است و عامل فرهنگ سازمانی باعث عدم حضور زنان در پست های مدیریتی شده است؛ البته ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که مردان گرایش مثبتی نسبت به توانایی های مدیریت زنان ندارند. زنان به طور معمول در پست هایی از سازمان ها قرار گرفته اند که مجبور بوده اند کار های تکراری انجام دهند و در تصمیم گیری های مهم سازمانی نیز نقشی ندارند. زنان در سازمان ها دارای مشاغل چالشی نیستند و به همین دلیل تجربیات کافی برای رویارویی با مواقع بحرانی و مدیریت آن‌ها را کسب نمی‌کنند. ما نمی‌توانیم از زنان انتظار تصدی سمت های عالی رتبه سیاسی و اجرایی همچون وزارت، مدیریت و حتی حضور در قامت ریاست جمهوری را داشته باشیم بدون آن‌که سیر تاریخی مدیریتی و اجرایی آن‌ها و همچنین موانع بر سر آن را لحاظ نکنیم.



وقتی صحبت از اصطلاح «رجال سیاسی» می‌شود، بدو از آفواه، اصل ۱۱۵ قانون اساسی به عنوان اصلی‌ترین سند حاکمیت گوش می‌رسد) اصل ۱۱۵ ق.ا: رئیس‌جمهور با ید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الأصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور). این اصل بدون هیچ کم و زیادی مجدداً در ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری تکرار گردید، باینکه توقع می‌رفت در مقام قانون عادی، به تبیین اصل مزبور بپردازد. همانطور که مستحضرید، برداشت‌ها از این عبارت مختلف بوده و از این رو سبب بروز اختلاف نظر بین علماء، فقها و حقوقدانان شده است. از یک‌سو تنها مرجع رسمی تفسیر قانون اساسی، براساس اصل ۹۸، شورای نگهبان می‌باشد و از سوی دیگر در اجرای جزء ۵ بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات، ابلاغی از سوی مقام رهبری، تعریف و اعلام معیارهای رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر مندرج در اصل ۱۱۵ بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است که تا کنون استفساریه‌ای در این‌باره صادر نشده است. از آنجا که در تفسیر نصّ قانونی صرفاً نباید به عبارات مندرج در آن توجه نمود بلکه ادله پیرامونی و قصد مشترک واضعان آن نیز در تفسیر مفاد باید مورد عنایت قرار گیرد، فلذا بهتر است در وهله اول، منشاء و مبانی پیدایش این اصطلاح را از «مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانونی اساسی» جست‌وجو کرد.

در جلسه شصت‌وچهارم بررسی نهایی قانون اساسی مورخ صبح ۱۳۵۸/۸/۲۰ برای اولین بار اصل مزبور با این سیاق طرح شد: «رئیس‌جمهور باید ایرانی‌الأصل، تابع ایران، دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن، مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی ایران، مرد و دارای حسن سابقه و امانت و تقوا باشد» که سرانجام تصویب نشد و بعد از بیان نظرات موافق و مخالف، عبارت مرد از آن حذف گردید و به رأی گذاشته شد و مجدداً تصویب نشد. دلیل این امر نیز تفاوت تعداد کل آراء(۶۸ رأی) با تعداد حاضرین(۶۲ نفر) بود که سبب مخدوش اعلام شدن نتیجه رأی‌گیری شده‌است.

خانم منیره گرجی‌فرد(تنها عضو زن خبرگان قانون اساسی) در مقام مخالف اظهار داشتند: «منصب ریاست‌جمهوری یک قدرت اجرائی و یک وکالت است که با تنفیذ رهبری صورت می‌پذیرد فلذا اینجا بحث ولایت نیست؛ ولایت با رهبری است که فقط تنفیذ امر صورت گرفته، کما اینکه قدرت سیاسی زن را اسلام نیز امضاء می‌کند». (صورت مشروح مذاکرات مجلس نهایی بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۳، ص ۱۷۷۰)

در جمع موافقین آقایان منتظری و فاتحی معتقدند: تصدی ریاست‌جمهوری، نوعی حکومت و ولایت است و نباید آن را از مقوله حق دانست؛ بلکه این مسئله وظیفه و مسئولیت است و اسلام

نمی‌خواهد این بار سنگین مسئولیت بر دوش خانم‌ها قرار گیرد (همان، ج ۳، ص ۱۷۶۸ و ۱۷۷۱). سرانجام در جلسه شصت و پنجم مورخ عصر

اصل ۱۱۵؛ رجالت سیاسی» عبارت در دسر ساز در قانون اساسی جایگزین نمودن عبارت رجال مذهبی و سیاسی به جای مرد بودن، به شکل حال حاضر تصویب شد. موافقین و مخالفین چه می‌گویند: به‌طورکلی می‌توان ادله موافقان و مخالفان ریاست جمهوری زنان را که طی سالیان بعد از تصویب قانون اساسی اظهار داشتند را این گونه

بیان نمود:

موافقان با اشاره به یک دلیل لفظی، به معنای عرفی و اصطلاحی کلمه «رجال» که ناظر به مفهوم شخصیت‌ها، بزرگان و افراد برجسته می‌باشد، توجه کرده‌اند؛ فلذا اعم از ذکور و اناث است. این گروه معتقدند ریاست جمهوری با اعمال ولایت متفاوت است. یعنی رئیس‌جمهور یک قدرت اجرائی و یک وکالت است نه اعمال ولایت. چرا که درغیر این صورت نمایندگان مجلس هم به نوعی اعمال ولایت می‌کنند پس موجبی برای نمایندگی خانم‌ها نیست. و برخی هم خاطر نشان کردند که نه در فقه و نه در شرع منعی از این بابت نیست، بلکه اختلاف در خصوص ولایت آمر، قضاوت، افتاء و مرجعیت خانم‌هاست.

دلیل آخر هم استناد به اصل مساوات و جواز است. زیرا طبق اصل ۲۰ قانون اساسی همه افراد ملت، از حمایت یکسان قانون برخوردارند و زن و مرد از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره‌مند می‌باشند و محرومیت از این حقوق نیاز به تصریح قانونی دارد. همچنین اصل ۱۹ نیز به برابری و مساوات مردم ایران از حقوق اشاره دارد.

مخالفان نیز در رد جواز ریاست جمهوری زنان به معنای لغوی «رجال» تمسک جستند و با این استدلال که اصل بر این است که لغات در معنای حقیقی خود به کار رفته‌اند و اگر مقصود معنای مجازی است باید قرینه‌ای برای آن موجود باشد، فلذا کلمه رجل ظهور در مرد دارد و زن نمی‌تواند به این مقام برسد.

به عقیده این گروه ریاست جمهوری نوعی اعمال ولایت محسوب می‌شود و باتوجه به این که در فقه شیعه، ولایت منحصر به مردان است، لذا زن نمی‌تواند ورود کند. استناد ایشان به آیه ۳۴ سوره نساء و قیمومت مردان بر زنان است و از سویی اختیارات اجرایی و اقتدارات حکومتی رئیس‌جمهور را نوعی ولایت و حاکمیت می‌دانند.

دلیل سومی که مخالفان ارئه می‌کنند ناظر به تفاوت‌های مردان و زنان در نظام آفرینش است و معتقدند سنگینی بار چنین مسئولیتی با ظرافت‌های جسمی و روحی زنان سازگار نیست.

تکیه بر ظرفیت پویایی فقه با توجه به اقتضائات روز و عبور از مسائل مقدماتی برای تمرکز بر مسائل کلان

فارغ از این مباحث، به نظر می‌رسد خبرگان قانون اساسی از آوردن واژه رجال منظوری غیر از معنای لغوی(مرد) داشته‌اند، چراکه در مراحل اولیه به صراحت به مرد بودن اشاره کردند ولی در ادامه آنچه تصویب شد واژه رجال بود؛ هر چند استعمال لفظ مبهم رجال سیاسی آن هم در قانون اساسی

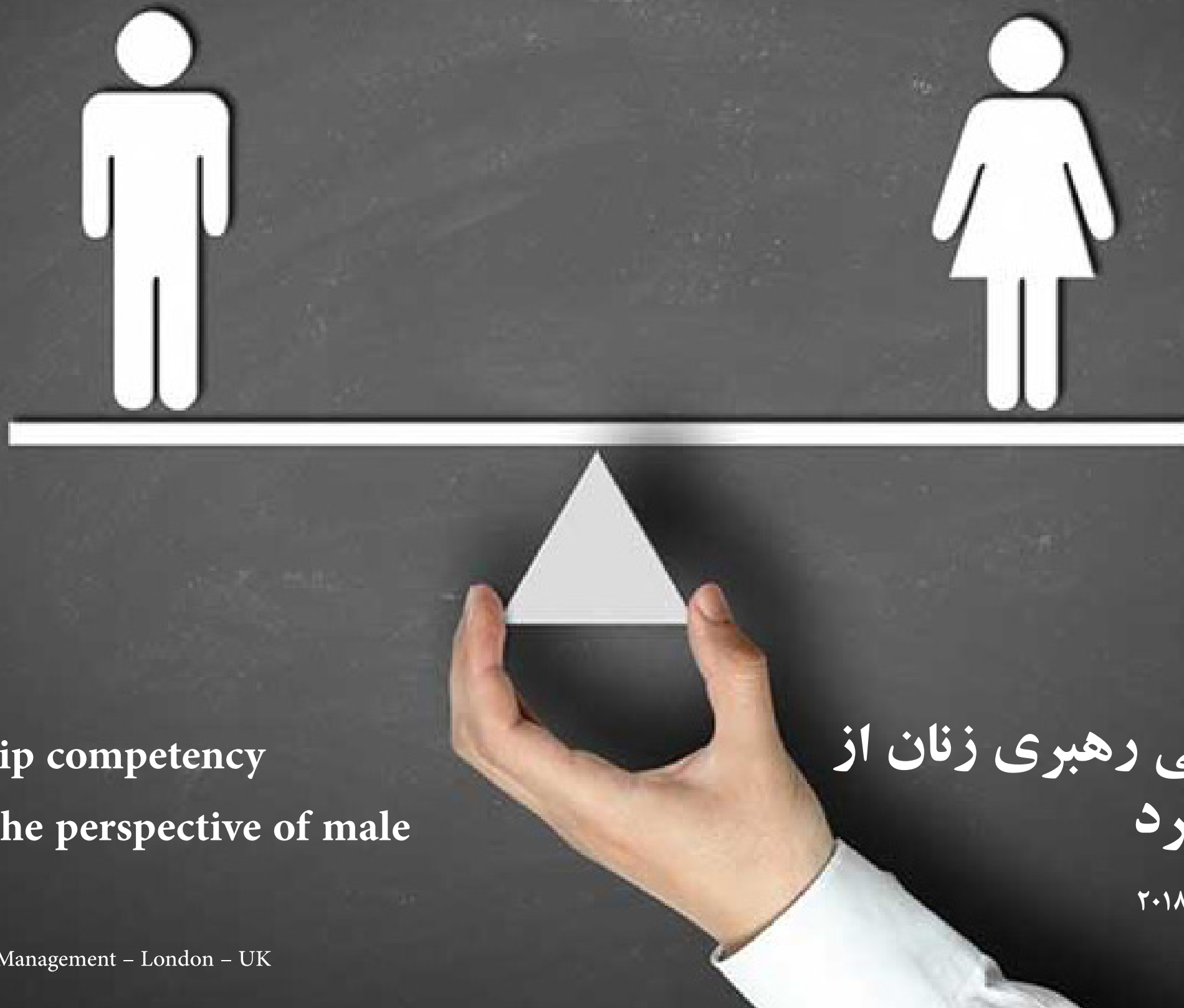
که می‌بایست صریح باشد، غیر اصولی است، لیکن مانند عبارت «جای مردان سیاست بنشایند درخت...» استعمال مجازی آن مبرهن است. از نظر ریشه‌یابی لغوی نیز رَجُل (رجل) را به: مرد، پا، پیاده، کارمندان دولت که امور را اداره می‌کند و اشراف و عیان مملکت معنی کرده‌اند؛ فلذا از این بابت که در اعصار قدیم، مردان در راه کسب معیشت در جامعه گام می‌نهادند چنین لفظی مورد استعمال قرار گرفت. حال اگر زنان نیز در این راه قدم بگذارند چه بسا عنوان رجل بر آنان نیز صادق باشد. همانطورکه بسیار از بزرگان گفته‌اند، ادله فقه‌ای کافی برای اینکه ریاست جمهوری را نوعی اعمال ولایت بدانیم وجود ندارد از جمله همان آیه ۳۴ سوره نساء؛ با این توضیح که آیه مزبور به قرینه پرداخت نفقه از سوی شوهر) بما انفقو من اموالهم)، نشان از قیمومت شوهر در مقابل همسر دارد، نه قیمومت همه مردان نسبت به زنان و همچنین با عنایت به اصل ۵۷ که قوای سه‌گانه را برمی‌شمرد و همه را زیر نظر ولایت مطلقه آمر و امامت امت قلمداد می‌کند و نیز اصل ۱۱۳ که رئیس‌جمهور به عنوان شخص دوم پس از رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور می‌داند و وی را مسئول اجرای قانون اساسی معرفی می‌کند، بیان‌گر این است که بین «ولایت آمر و امامت امت» که منحصر به ولی فقیه است با «ریاست قوه مجریه و مسئولیت اجرای قانون اساسی» که شأن رئیس‌جمهور است، تمایز است، موجب تضعیف ادله قانونی برای تسری ولایت به ریاست جمهوری شده است. اخیراً نیز با پذیرش زنان در پست‌های تصمیم‌ساز نظیر وزارت، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس و...، استدلالات پیرامون عدم توانایی جسمی، روحی و فکری را بیش از پیش خدشه‌دار نموده است. بنابراین همانطورکه شهید بهشتی در کتاب «مبانی نظری قانون اساسی» توضیح می‌دهند: «چون پیرامون این مبحث اختلاف نظر وجود داشت، قانون اساسی ناچار بود مطابق رأی اکثریت تنظیم شود تا به بن بست کشیده نشود، حال با توجه به اینکه متن اولیه به گونه‌ای بود که صراحتاً زنان را محروم می‌کرد تصویب نشد، فلذا متن، به صورتی تنظیم شد که در آینده زمینه فقه‌ای آن گسترده‌تر و روشن‌تر شود و بتواند حمایت دو سوم مردم را بدست آورد». علی‌ای حال به‌نظر می‌رسد با اندیشه‌های نوین دکترین فقهی و حقوقی که طی دهه‌های گذشته به عمل آمده، جامعه به چنان بینش و آمادگی رسیده است که بتواند آن را هضم کند و رویه شورای نگهبان -که بنا گفته سخنگوی آن تا به حال هیچ زنی را به صرف زن بودن تأیید صلاحیت نکرده است- مؤید همین نظر می‌باشد. امید است با اصلاح و بازنگری چنین اصولی از قانون اساسی و یا صدور استفساریه شورای نگهبان، پرده از ابهام این عبارات برداشته شود.

منابع:

کتاب مبانی نظری قانون اساسی، دکتر محمدحسین بهشتی.

مقاله تأملی حقوقی بر معنای «رجال» در اصل ۱۱۵ قانون اساسی، دکتر فائزه دانشور.

مقاله تحلیل حقوقی اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص شرایط رئیس‌جمهور، دکتر ولی رستمی، دکتر میثم موسی‌پور



A female leadership competency framework from the perspective of male leaders

European College of Business and Management – London – UK

چارچوب شایستگی رهبری زنان از دیدگاه رهبران مرد

منتشر شده در نشریه امرالد، سال ۲۰۱۸

نویسنده: انکه ایسر و ماریون کاهنز

مترجم: فاطمه معروف / کارشناسی حقوق

گسترده و پیچیده برای یک تعریف واحد در نظر می‌گیرند، اما دانشمندان تلاش کرده‌اند تا اصطلاح رهبری را از مدیریت متمایز کنند. یکی از اولین کسانی که این کار را کرد، جان پی بود. او رهبران را به عنوان کسانی که برای الهام بخشیدن و برانگیختن تحسین خلاقیت، نوآوری، خودشکوفایی و تغییر پیروان خود به کار می‌برند، توصیف می‌کند. درحالی‌که مدیران به عنوان کسانی که

مردسالار داشته باشیم، به‌خصوص به این دلیل که درک رهبری موثر در پرتو محیط کسب‌وکار در حال توسعه در عصر معاصر سریع و در حال تغییر است. اول بهتر است نظریه رهبری و شایستگی را مطالعه کنیم. تحقیق در مورد رهبری علمی به‌طور مداوم در حال توسعه است و از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. اگرچه محققان، زمینه رهبری را بسیار

شایستگی‌های مورد نیاز رهبران زن فعال در یک صنعت مردسالار، نه تنها با چالش‌های رهبری معاصر، بلکه با تعصب نقش جنسیتی اجتماعی و اینکه چگونه رهبران زن توسط همسالان مرد خود درک شده و مورد احترام قرار می‌گیرند، شکل می‌گیرد. در این زمینه، لازم است نگاهی به شایستگی‌های خاص رهبران زن برای موفقیت در محیط‌های کسب‌وکار

و با موفقیت انجام شده است. یک مشکل اصلی که رهبران زن با آن مواجه هستند، تناقض بین انتظاراتی است که مردم از زنان دارند و آن چگونگی رفتار یک رهبر است. به طور دقیق‌تر، شایستگی‌های کلیدی که موفقیت رهبران مرد را شکل می‌دهند، ممکن است با شایستگی‌های مورد نیاز زنان در موقعیت‌های مشابه همخوانی نداشته باشند. بنابراین، مسلماً مجموعه خاصی از

در موقعیت‌های رهبری ارشد همچنان به طور قابل توجهی بالا باقی مانده است. باوجود اینکه تعدادی از زنان با موفقیت به موقعیت‌های رهبری ارشد می‌رسند، اما با چالش‌های موجود در محیط کاری مردانه مواجه می‌شوند که غالباً با این درک شکل می‌گیرد که زنان، رهبرانی کم‌توان هستند. علاوه بر این، زنان با تفکر کلیشه‌ای مواجه هستند، زیرا رهبری از مدت‌ها پیش در ارتباط با مردان بوده

هدف این مقاله توسعه یک چارچوب است که شایستگی‌های کلیدی مورد نیاز زنان پیشرو در صنایع مردسالار را با تأکید بر دیدگاه رهبران مرد، ادغام می‌کند.

با وجود دستورالعمل‌های دولتی و شواهد رو به رشد مبنی بر اینکه وجود زنان در مدیریت ارشد به عملکرد کلی، در سطح جهانی، سود می‌رساند، شکاف جنسیتی

وظیفه تضمین عملکرد مطمئن و کارآمد سازمان‌های پیچیده را برعهده دارد، شناخته می‌شوند.

شایستگی‌های رهبری مبتنی بر جنسیت در زمینه جنسیت و رهبری، شواهد برای تمایز قابل شدن بین شایستگی رهبری مردانه و زنانه هنوز پیچیده است.

براساس درک اجتماعی - روانی، رفتار رهبری مردانه اغلب با ویژگی‌هایی مانند ابراز وجود، تسلط و شایستگی سلسله مراتبی و فردی یا قدرت و نفوذ مرتبط است. بنابراین، رهبران مرد قاطعانه‌تر هستند و براساس پول و جاه‌طلبی برای رسیدن به موفقیت شخصی عمل می‌کنند. علاوه‌براین، درک همدلانه‌ای که بر ویژگی‌هایی مانند اهمیت دادن، جمعی بودن، حساسیت هیجانی، توانایی گوش دادن و کمک به همکاران جوان‌تر تاکید دارد؛ به عنوان یک شایستگی رهبری زنانه، معمول درنظر گرفته می‌شود.

این تفاوت‌های درک‌شده بین شایستگی رهبری مردانه و زنانه با تحقیق بر روی سبک‌های رهبری تایید می‌شود، ارتباط مردانگی با سبک‌های رهبری وظیفه‌گرا، استبدادی و دستوری و زنانگی با سبک‌های رهبری رابطه‌ای، دموکراتیک و مشارکتی شناخته می‌شود.

براساس استدلال‌های ذکر شده در بالا، این مطالعه فرض می‌کند که تفاوت‌های جنسیتی وجود دارند و علی‌رغم مزیت بالقوه رهبری، این امر منجر به چالش‌های بیشتری برای رهبران زن در صنایع مردسالار می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین این چالش‌ها عدم تناسب بین نقش‌های اجتماعی زنان و کلیشه‌های مربوط به رهبری موثر است. این نظریه هم‌خوانی نقش منجر به این ادعا می‌شود که حتی زنان با صلاحیت رهبری برجسته به عنوان رهبران با صلاحیت کم‌تر در نظر گرفته می‌شوند، زیرا، طبق سنت، نقش‌های رهبری با ویژگی‌های رهبری مردانه در ارتباط هستند.

در این تحقیق، شایستگی‌های رهبری به پنج دسته زیر تقسیم می‌شوند: (۱) شایستگی‌های تحلیلی؛ (۲) شایستگی‌های ارتباطی (۳) شایستگی‌های شخصی و (۴) شایستگی‌های حرفه‌ای.

شایستگی‌های تحلیلی: به توانایی فراتر رفتن از الگوهای آشکار و شناسایی الگوها در موقعیت‌های پیچیده از طریق ساختاربندی مسائل به زنجیره‌های علت و معلول اشاره دارد. این شامل صلاحیت‌هایی مانند هوشیاری نسبت به فرصت‌های جدید، قضاوت درست و توانایی بررسی انتقادی فرآیندها و ایده‌های موجود است. شایستگی‌های تحلیلی رهبران برای حفظ رشد مداوم و تغییر انتظارات مشتری ضروری است. شایستگی‌های ارتباطی: به عنوان توانایی استفاده از زبان به عنوان یک ابزار انعطاف‌پذیر برای تبادل اطلاعات و ایده‌ها از طریق ارتباطات کلامی، نوشتاری یا بدنی تعریف می‌شوند. برای رهبران، این ارتباط خاص برای ایجاد روابط موثر، روابط همگن در تیم رهبری و نیاز به کسب پذیرش و تصدیق به عنوان یک رهبر است. شایستگی‌های موجود در این مقوله عبارتند از: خودبیانگری قانع‌کننده، توانایی ایجاد شبکه و الهام بخشیدن به دیگران، درک همدلانه یا توانایی گوش دادن.

شایستگی‌های سازمانی: به توانایی رهبر در هدایت تحولات و تغییرات سازمانی داخلی اشاره دارد شایستگی‌های موجود در این مقوله شامل: توانایی نظارت و نمایندگی، رشد دادن دیگران از طریق مربی‌گری، ایجاد یک دیدگاه مشترک و تشویق تفکر نوآورانه و همچنین پرورش رفتار اخلاقی و یکپارچگی است.

شایستگی‌های شخصی: شامل صلاحیت‌هایی مانند: اعتمادبه‌نفس، خودآگاهی و یا انضباط فردی است. شایستگی‌های فردی نه تنها تاثیر قابل توجهی بر اجرای موثر نقش رهبری از سطح پایین به بالا دارند، بلکه به عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای ورود به جایگاه رهبری در وهله اول در نظر گرفته می‌شوند.

شایستگی‌های حرفه‌ای: با وظایف سازمانی که یک رهبر باید انجام دهد، مرتبط در نظر گرفته می‌شوند. شایستگی‌های این دسته شامل: عزم و پشتکار، ظرفیت تطبیقی، توانایی ریسک‌پذیری و استفاده از قدرت به

شیوه‌ای مثبت برای پذیرش مسئولیت یا مذاکره موثر است.

از سوی دیگر، همچنین اشاره می‌شود که شایستگی‌های زنانه به تنهایی ممکن است برای موفقیت در صنایع مردسالار کافی نباشند، اما بی‌تردید برخی شایستگی‌های مردانه به همان‌اندازه که برای مردان مهم است برای موفقیت رهبران زن مهم هستند. همچنین پیشنهاد می‌شود زنان در بحث‌ها استدلال‌های منطقی‌تری داشته باشند و در صورت لزوم از نقاط قوت عاطفی زنانه خود فاصله بگیرند. نتایج مطالعه نشان داد که رهبران مرد ترکیب پیچیده‌ای از رفتارهای مربوط به جنسیت را در سطح حرفه‌ای و بین فردی به عنوان کلیدی برای موفقیت رهبران زن در صنایع مردسالار درنظر می‌گیرند. می‌توان نتیجه گرفت که معمولاً انتظار می‌رود زنان تخصص حرفه‌ای استثنایی و اغلب بالاتری را نسبت به هم‌تایان مرد خود نشان دهند. علاوه‌براین، رهبران مرد اصالت و توانایی اتکا به نقاط قوت زنانه فرد، مانند همدلی و توانایی گوش دادن، را برای موفقیت زنان مهم می‌دانند.

در این قسمت ما سعی بر شناخت ویژگی‌هایی کردیم که از نظر مردان(رهبر) برای رهبر شدن مهم می‌باشد. نظریات گوناگون است و همچنان به بررسی و تحقیقات بیشتری در این زمینه نیاز است خصوصاً درباره این موضوع که چرا غالباً دولت‌مردان و مدیران را مردان تشکیل می‌دهند. درحال زنان رهبر می‌توانند به طور ارزشمندی به بحث در مورد این که چرا تنها تعداد کمی از زنان در صنایع مردسالار به بالای سازمان‌ها می‌رسند، کمک کنند.

The Impact of Internet Social Networking on Young Women's Mood and Body Image Satisfaction:

Philadelphia College of Osteopathic Medicine

تأثیر شبکه اجتماعی اینترنت بر روی سلامت دختران و رضایت آنان از تصویر بدنشان

منتشر شده در سال ۲۰۱۸

نویسنده: Tara Scirrotto Drames

مترجم: فاطمه معروف / کارشناسی حقوق

نارضایتی بدن زنان و تمایل به لاغری قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد که اهمیت و افزایش نگرانی زنان درباره‌ی تصویر بدنی‌شان از استانداردهای فرهنگی مدل‌ها برای جذابیت و زیبایی آنان نشأت می‌گیرد. سوپر مدل‌ها، ستاره‌های سینما و افراد مشهور بر محتوای تصاویر رسانه‌های جمعی تسلط دارند. آنان زیبایی غیرواقعی و ایده‌آل‌های

از طریق آن‌ها دختران و زنان در مورد استانداردهای زیبایی از جمله ایده‌آل‌هایی برای وزن، اندام‌ها و در کل جذابیت فیزیکی الگو می‌گیرند. با این حال، یادگیری در مورد استانداردهای زیبایی لزوماً یک تجربه‌ی مثبت نیست. بسیاری از متون تجربی نشان می‌دهد که پیام‌های رسانه‌ای در مورد وزن و ظاهر، در میان قوی‌ترین تأثیرات اجتماعی بر

ایالات متحده، با توجه به اینکه افراد به طور متوسط ۱۱ ساعت در روز را صرف رسانه‌های جمعی می‌کنند؛ دریافت پیام‌های رسانه‌ای اساساً اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

با توجه به نظریه اجتماعی - فرهنگی (تامپسون، هینبرگ، آلتا، تانتل - دان، ۱۹۹۹)، علاوه بر همسالان و والدین، انواع مختلف رسانه‌ها منابعی هستند که

مختلف ارتباطی یا فناوری‌هایی اشاره دارد که از طریق آن‌ها پیام‌ها به تعداد زیادی از افراد ارسال می‌شوند. بنابراین رسانه‌های جمعی، بسیاری از اشکال ارتباطات اجتماعی از جمله مجلات، روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون، فیلم و یکی از محبوب‌ترین آن‌ها در میان نسل‌های فعلی و آینده [یعنی] اینترنت را دربرمی‌گیرد. در یک جامعه صنعتی مانند

تأثیر شبکه اجتماعی اینترنت بر روی سلامت دختران و رضایت آنان از تصویر بدنشان تأثیر پیام‌های رسانه‌ی جمعی بر درک زنان از ظاهر خود موضوعی است که در چند دهه‌ی گذشته به طور گسترده در ادبیات روانشناسی و جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته‌است. عبارت رسانه‌های جمعی به کانال‌های

وزنی را به تصویر می‌کشند و در نتیجه برای بسیاری از زنان، تبدیل به هنجاری مطلوب شده‌اند.

بدون شک قرار گرفتن مداوم در معرض زیبایی فریبنده، بر افراد فشار می‌آورد تا از آن پیروی کنند؛ درواقع، زنان نیز به چنین فشاری از سوی رسانه‌ها اذعان دارند. یک بررسی جامع نشان داده است که قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها بر تصویر بدن زنان و رضایت از ظاهرشان تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین تحقیقات نشان داده‌است هرچقدر که بدن ایده‌آل زنان لاغرتر می‌شود، زنان آمریکایی سنگین‌تر می‌شوند، در نتیجه شکاف بین خود واقعی و خود ایده‌آل گسترش پیدا می‌کند. با وجود استانداردهای "سخت‌گیرانه، دست‌نیافتنی و حتی ناسالم" همچنان بسیاری از زنان در تلاش برای لاغر شدن هستند. نارضایتی از بدن و تمایل به لاغری بیش از حد مشکل کلیدی جدیدی برای روان و جسم زنان است. نارضایتی از بدن از مدت‌ها پیش به عنوان یک خطر اصلی برای اختلال خوردن شناخته شده‌است و با عزت‌نفس پایین و سطوح بالاتر افسردگی ارتباط دارد.

یکی از اشکال محبوب فعالیت اینترنت در میان زنان و مردان جوان، مشارکت در سایت‌های شبکه‌ای اجتماعی است. انواع مختلفی از سایت‌های اجتماعی (مانند فیس‌بوک، اینستاگرام، توییتر و اسنپ چت) در دسترس هستند و اغلب توسط جوانان استفاده می‌شوند. این بدان معنی است که زنان ممکن است روزانه در معرض عکس‌های هم سن و سالان خویش قرار گیرند. از بسیاری جهات، رسانه‌های جمعی عوامل اجتماعی هستند که از طریق آن‌ها ایده‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های مختلفی به افراد در تمام گروه‌های سنی منتقل می‌شود. در میان اطلاعات بی‌پایان ارائه‌شده

توسط رسانه‌های جمعی به صورت روزانه، پیام‌های مربوط به جنسیت، تمایلات جنسی، جذابیت، شکل ایده‌آل بدن، رژیم غذایی و مدیریت وزن رایج است. برای این منظور، اعتقاد بر این است که اهمیت چنین پیام‌هایی چیزی را شکل داده و حفظ کرده‌است که به آن فرهنگ ظاهری گفته می‌شود که ارزش‌های فرهنگی را برای جذابیت قائل است و هنجارهای فرهنگی را نیز تقویت می‌کند. برای زنان به طور خاص، استانداردهایی که رسانه‌ها در مورد وزن، شکل و جذابیت فیزیکی کلی ارائه می‌دهند، به عنوان قوی‌ترین تأثیرات اجتماعی بر نگرش‌ها و رفتارهای شخصی در نظر گرفته می‌شود.



نظریه مقایسه اجتماعی فسینگر

مقایسه خود با دیگران مسلماً جنبه‌ای اساسی از رفتار انسان است که چند دهه پیش مطرح شد. این نظریه توضیح می‌دهد که چگونه افراد در مقایسه‌ی اجتماعی به منظور درک این که چگونه با جهان تناسب دارند، درگیر می‌شوند. فسینگر ادعا کرد که تمام انسان‌ها انگیزه‌ای برای ارزیابی توانایی‌هایشان دارند، عمدتاً به این دلیل که شناختشان از یک موقعیت خاص و باور در مورد توانایی‌شان با یکدیگر رفتار آن‌ها را تحت تأثیر قرار

می‌دهد. این نظریه فرض می‌کند که انسان‌ها در هنگام اندازه‌گیری ارزش و یا ارزیابی خود در حوزه‌های مختلف، به ویژه هنگامی که استانداردهای عینی در دسترس نیستند، مستعد مقایسه خود با دیگرانند. او توضیح داد که وقتی اختلاف وجود داشته باشد، افراد تمایل به تغییر خود در برخی از ظرفیت‌ها به منظور نزدیک شدن به دیگران را خواهند داشت.

سایت‌های شبکه اجتماعی به طور خاص، بدون شک در حال اصلاح چشم‌انداز تعامل انسانی در میان نسل‌های جوان و آینده هستند. مشخص شد که این سایت‌های خاص بیشتر از هر وب سایت دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرند (Tiggemann & Slater, ۲۰۱۳).

چندین سال پیش، فیس بوک در رتبه پربازدیدترین وب سایت در ایالات متحده از گوگل پیشی گرفت (Dougherty, ۲۰۱۰). سایت شبکه اجتماعی فیس بوک با سالگرد ۱۰ ساله خود در ژانویه ۲۰۱۴ به بیش از ۱ میلیارد کاربر فعال در سراسر جهان رسید (Facebook, ۲۰۱۴). تا دسامبر ۲۰۱۳، حدود ۷۵۷ میلیون کاربر فیس بوک به صورت روزانه از این سایت

بازدید می‌کردند. علاوه بر این، حداقل ۹۴۵ میلیون بازدید کننده از برنامه تلفن همراه فیس بوک استفاده کردند؛ به این معنی که سایت اغلب به راحتی از طریق دستگاه‌های تلفن همراه راه‌اندازی می‌شود (Facebook, ۲۰۱۴). با توجه به استفاده گسترده از فیس بوک، تعداد ارزیابی‌های بین فردی و مقایسه‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی بی‌پایان است. گرچه نگرانی‌های زنان در مورد وزن و ظاهر قطعاً برای فرهنگ مدرن جدید نیست، اما شبکه‌های اجتماعی آنلاین هنوز هم بستر دیگری برای ارائه عکس‌ها هستند، از این رو منبع دیگری ارائه می‌دهند که از طریق آن

زنان می‌توانند خود را با دیگران مقایسه کنند. استفاده گسترده از این سایت‌ها، و به ویژه روند به اشتراک گذاری و مشاهده عکس‌ها، می‌تواند به طور قابل بحثی "وسواس فکری" فرهنگ فعلی را با ظاهر، جذابیت و وزن تشدید کند. تقریباً ۱۰ میلیون عکس جدید هر ساعت به تنهایی در سایت فیس بوک بارگذاری می‌شود (Mayer-Schonberger & Cukier, ۲۰۱۳). همراه با مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، تبلیغ تصویر فرد، و همچنین قرار گرفتن مداوم در معرض محرک‌های مبتنی بر ظاهر، به دست می‌آید. بنابراین، سایت‌های شبکه اجتماعی یک راه اضافی احتمالی هستند که زنان جوان ممکن است خودآگاهی بالایی را تجربه کنند. در نهایت، این امکان نیز وجود دارد که سایت‌های شبکه اجتماعی آنان را نسبت به خود ارزیابی انتقادی آسیب‌پذیرتر کنند و همچنین می‌تواند به زنان انگیزه دهد که خودشان را تغییر دهند تا با دیگران مطابقت کنند.

این مقاله می‌گوید که مقایسه ظاهر فیزیکی در میان زنان جوان به حوزه شبکه‌های اجتماعی گسترش یافته است و با توجه به استفاده بالا و روند فعلی آن، نسبت به قبل مناسب‌تر شده‌است. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با تأکید بر محرک‌های مبتنی بر ظاهر (به عنوان مثال، عکس‌ها)، توجه زنان را به سمت بدن و همچنین ظاهر کلی آن‌ها جلب کنند. با توجه به افزایش استفاده از این مکان‌ها و حضور آنلاین و سنگین جوانان، به ویژه زنان، مطالعات در مورد روش‌هایی که رسانه‌های اجتماعی می‌توانند بر درک تصویر بدن، خلق و خو و عواقب مرتبط با آن‌ها تأثیر بگذارند، باید ادامه یابد. مقایسه ظاهر فیزیکی در سایت‌های شبکه‌های اجتماعی می‌تواند تأثیر عمیقی داشته باشد و باید راه حلی برای آن پیدا شود.

الهه خلقت، مصیبت ساج راه

الگوهای سیاسی زنان در صدر اسلام

زن که یکی از دو مخلوق اساسی خداوند است همواره در طول تاریخ به شکل‌های متفاوت متناسب با جغرافیای فرهنگی هر نقطه‌ای از کره‌ی خاکی، با جاهلیت مواجه بوده و نقش حیاتی او در امور اساسی زندگی مانند تعلیم و تربیت، هدایت‌گری و چه‌بسا رهبری جامعه نادیده گرفته می‌شد. برای زن جز خانه‌داری و رفع نیاز غریزی مردان فایده‌ای متصور نبود، به او تنها به چشم ابزاری برای ادامه نسل آدمیان نگریسته می‌شد، حقوق اساسی او دائماً در معرض تضییع بود و تصور این امر که زن، رهبر و الگوی یک کالبد اجتماعی باشد، محال! تا اینکه در شه‌جزیره‌یستان با ظهور نور و طلوع اسلام زنان به مرور زمان سکاندار بسیاری از امور جامعه گشتند و در مواردی نقش پررنگتری نسبت به مردان در جامعه ایفا کردند.

*حضور زنان در امور حیاتی اجتماع

همواره سیاست با حیات اجتماعی بشر در هم تنیده‌است، فلذا نقش زنان در صدراسلام در بسیاری از امور من جمله امور سیاسی غیرقابل انکار است. حضرت خدیجه سلام‌الله‌علیها از همان ابتدا که حضرت محمد صلاح الله علیه به پیامبری مبعوث شدند، یار و یاور ایشان در مسائل گوناگون اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بودند. اسلام آوردن ایشان به عنوان نخستین زن پرتو درخشانی را برای آینده این دین نوظهور رقم‌زد. همواره حمایت‌های مالی ایشان از پیامبر و مسلمین در هر برهه زمان، فخر دین بود، به‌ویژه در تنگنای شعب ابی‌طالب که با حمایت‌های بی‌دریغ خود عزت مسلمین را در برابر کفار، بیش از پیش پررنگ کرد. پرواضح است که از چنین بانوی همراه، آگاه و هم‌دل نهالی پرصلابت و درخشان همچون فاطمه زهرا برآید.

*الگوی سیاسی: الهه آفرینش

پیامبر اکرم، حضرت محمد صلوات الله علیه، نظام سیاسی جامعه اسلامی را مبتنی بر ولایت تاسیس کردند و در طول عمر شریف خود به طرق مختلف و در هر فرصتی تلاش نمودند تا ولی مسلمین بعد از خود را به امت اسلامی معرفی کنند. تلاش‌های ایشان برای معرفی سرپرست مومنین، حضرت علی بن ابی‌طالب، تا لحظات پایانی عمرشان ادامه داشت و نهایتاً مخالفان این سنت نبوی، با متهم کردن پیامبر

به هذیان‌گویی بذر تفاق را در دل غیرسلیم برخی مسلمین کاشتند و در سقیفه آبپاری این درخت اهریمنی پرداختند در این شرایط که سرنوشت جامعه اسلامی با محوریت ولایت در جاده سیاه گمراهی و فراموشی رو به زوال بود. در خلقت، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، برای دفاع از ولی زمان خود و ادامه دادن نظام سیاسی مدنظر پیامبر صلوات الله علیه به‌پاخاستند و همانند مادرشان حضرت خدیجه کبرا سلام الله علیها با تمام وجود به حمایت از حضرت علی علیه السلام پرداختند.

*اقدامات حضرت زهرا در راه ولایت

حضرت زهرا با اعتقاد استوار به یگانگی دین و سیاست، مبارزه با غاصبان جانشینی پیامبر که اکنون خود را خلیفه مسلمین می‌خواندند، آغاز نمودند و در این راه مجروح گشته و چنین خود را از دست دادند و در نهایت امر، به شهادت رسیدند. آن حضرت از هر فرصتی برای اعلام موضع سیاسی خود که همان حق بود استفاده می‌کردند چراکه «عَلَيَّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ» حضور ایشان در خانه‌های انصار و سخنرانی برای آنان و نیز روشن‌گری‌های ایشان خطاب به زنان مدینه از جمله تلاش‌های آن حضرت است؛ اما جلوه پررنگ حمایت ایشان از نظام سیاسی برحق که خداوند در واقعه غدیر با آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» حجت را بر آنان تمام کرد، در فدک شایان توجه است.

فدک، باغی سرشار از نخلستان و آب‌های گوارا و چشمه‌های جوشان، از غنائم فتح خیبر بود که توسط رسول الله به حضرت فاطمه زهرا بخشیده شده بود، اما دولت خلیفه اول، درصدد بود تا حضرت را از حق شرعی خود محروم سازد. حضرت زهرا سلام الله شدیداً معترض به این عمل شدند؛ گرچه‌درظاهر، اعتراض ایشان امری اقتصادی به‌نظر می‌آید اما در حقیقت اعتراض ایشان حرکتی سیاسی بود، در حقیقت دولت سقیفه باوجود علم به حقانیت ولایت امام علی علیه السلام و صداقت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، به تضییع حقوق دخت پیامبر پرداخت و قصد داشت با این کار شیعیان را در تنگنا قرار داده و آنان را به سمت خود جذب کنند چراکه فدک یکی از مهمترین منابع درآمد مسلمین به

حساب می‌آمد. حضرت زهرا از این رهگذر، ضمن دفاع از ولایت بر حق حضرت علی علیه السلام، مسلمین را از سرنوشت تلخ جامعه سیاسی‌شان آگاه می‌ساختند و هشدار می‌دادند که «شتر خلافت آبستن حوادث تلخ و ناگواری است که در آینده زایمان خواهد کرد. در انتظار آن باشید. از پستان او به جای شیر، خون خواهید دوشید و یاوه‌گویان و تبهکاران ثمره اعمال خود را خواهند چشید. به پیروزی زودگذر خوش باشید و خود را برای فتنه‌ای بزرگ مهیا سازید، و به هرج‌ومرج فراگیر و ظلم ستمگران خودکامه امیدوار باشید که حقوقتان پایمال خواهد شد. وای بر شما که در آن زمان دلهایتان کور، حق و حقیقت مقفود خواهد شد و در چه شرایطی به سر خواهید برد؟»

این بانوی آزاده که در راه حمایت قاطع از ولایت معصوم، به شهادت رسیدند، هرگز حاضر نشدند که در برابر تزویرگران سقیفه و جاعلان غدیر، سر تسلیم فرود آورند و با آن‌ها صلح کنند. گرچه حریم خانه دخت پیامبر را به آتش کشیدند و شکوفه وجودش، محسن (ع)، را پیش از سبز شدن خشک‌اندند، باز هم حضرت با تنی مجروح و دلی شکسته و سینه پر از ماتم به مبارزه علیه سیاست شیطانی اولیا سقیفه پرداختند. ازخودگذشتگی‌های ایشان و تلاش‌های آن حضرت در راه حمایت از ولایت که سیره‌ی روشن و مسلم نبوی است، می‌تواند الگوی قاطع سیاسی برای تمامی بانوان آزاده جهان باشد.



فمنیسم

فمنیسم اسلامی از کجا سر در آورد؟

نقد و بررسی مبانی فکری فمنیسم اسلامی

درستی ندارند. درست است که فمنیسم به عنوان یک پدیده در جوامع اسلامی کم و بیش ظهور کرده و توانسته است تا حدودی دیدگاه جامعه را نسبت به مسائل زنان به خود معطوف سازد، اما باید توجه داشت که دامنه این فعالیت‌ها تا آنجا نتیجه‌بخش خواهد بود که به بافت مذهبی و اعتقادی جامعه آسیبی نرساند.

نقدهای اصلی بر جریان عمومی فمنیسم‌های اسلامی

از نقدهای وارده بر این جریان رویکرد آنان به راهبردهای غربی حتی در جزئیات است که این ناشی از ضعف کارشناسی می‌باشد به همین دلیل حتی در بومی کردن راهبردها به گونه‌ای که با فرهنگ دنی و ملی متناسب باشد، چندان موفق عمل نکرده‌اند. البته برخی فمنیست‌های مسلمان به زنان فرهیخته مواردی از مشکلات زنان را به خوبی دریافته و آن را عنوان کردند. چنان که بحث حمایت از زنان بی‌سرپرست از جمله این موارد بود. برخی مخالفان اندیشه‌های پست‌مدرنیستی فمنیست اسلامی را زن باوری پوپولیستی (عوام فریبانه) لقب داده‌اند که با طرح نسبی‌گرایی فرهنگی از قبول ایده‌های جهانی زنان طفره می‌رود و در پی تبدیل شکلی از مردسالاری به شکل دیگری از مردسالاری است. همچنین آنان را متهم می‌کنند که خواهان ارتقای حقوق زنان و ایده‌های تساوی‌طلبانه در چارچوب حفظ نظام اسلامی‌اند (منصور نژاد، ۱۳۸۱).

ضروری است به مبانی فکری فمنیسم اسلامی با تمامی جوانب و شرایط با دیدی عمیق و قابل تامل نگریسته شود. گرایش عمومی طرفداران فمنیسم اسلامی به ویژه در ایران حاکی از آن است که بیشتر آنان از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران و گروه‌های متعدد شناخت

به نقد کلی این جریان می‌پردازیم. فمنیست‌های مسلمان با سنتی پنداشتن خانواده مذهبی، انتقادهای خود را متوجه خانواده ساخته و خواهان برقراری برابری نقش، مشارکت مرد در فعالیت‌های خانگی و نفی سرپرستی مرد در خانواده‌اند. البته از فمنیست‌های غربی انتقاد می‌کنند که مصالح جامعه و خانواده را در پای اعتقاد به فردگرایی افراطی قربانی می‌کنند (شهیدیان، ۱۳۷۷).

از نگاه فمنیست‌های مسلمان دفاع از حقوق زن از هیچ الگوی ثابتی تاثیر نمی‌پذیرد زیرا اعلام مواضع یکپارچه و جهان شمول، بدن تاثیر پذیری از شرایط اجتماعی و تاریخی را بر نمی‌تابند و در نتیجه وجود احکام ثابت را انکار می‌کنند. از دید آنان، اعتقاد به ناپایدار بودن گوهر دین و اعتقاد به جدایی دین از شئون اجتماعی در رسیدن به آرمان‌های فمنیسم اسلامی لازم و ملزوم یکدیگرند (توحیدی، ۱۳۷۴).

فمنیست‌های اسلامی به صراحت بیان می‌کنند که اعتقاد به دین ضرورتاً به معنای حاکم بودن دین در شئون اجتماعی بشر نیست. دین رابطه خالق و مخلوق را ترسیم می‌کند و نباید حوزه دخالت دین را به مسائل به مسائل اجتماعی و تنظیم قوانین سرایت داد. حکومت نباید تحت‌نظر هیچ دین و مذهبی باشد. حتی باید شهروندان را از دخالت دادن گرایش‌های مذهبی در حوزه مسائل سیاسی پرهیز داد (توحیدی، ۱۳۷۶).

مطالعات زنان اقدام کردند.

گروه دوم: دسته‌ای از روشنفکران مسلمان هستند که آشنایی با فرهنگ مدرن آنان را با یک چالش اساسی درباره رابطه تجدد و سنت مواجه ساخته‌است. آنان از یک‌سو به دلیل داشتن پیوندی عاطفی با دین و از سوی دیگر به دلیل پذیرش درون‌مایه‌های فرهنگ مدرن به عنوان محصول عقل بشری اصلاحات در دین را با ترازوی فرهنگ مدرن ضروری می‌دانند. ورود این گروه به هسته مطالعات زنان ادبیاتی در دفاع از زنان را ایجاد کرد که با انتقاد از دیدگاه‌های تند فمنیستی (در فردگرایی افراطی و حمله به نهاد خانواده) برابری زن و مرد را از اهداف دین می‌شمرد و نابرابری‌ها در احکام شریعت را یا ناشی از سیاست دین در اصلاحات مرحله‌ای می‌دانست که از زمان پیامبر اسلام (ص) با هدف حذف تدریجی تفاوت‌ها آغاز و (متاسفانه) در نیمه متوقف شد؛ یا ناشی از نگاه مردسالارانه حاکم بر فقه اسلامی می‌شمرد. تاریخی شمردن خانواده که لازمه آن عصری‌شدن احکام خانوادگی اسلام است، مقید کردن احکام به «عدالت عرفی»، عدم تاثیر تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در مقررات حقوقی و برنامه‌های اجتماعی، از جمله مباحث مطرح شده از سوی آنان بود (شورای عالی حوزه علمی، ۱۳۸۲، ص ۲۷).

در ادامه مختصری از مبانی فکری فمنیست‌های مسلمان را خوانده و در انتها

اوج گرفتن فمنیسم همراه با روند مدرنیزاسیون، سوغات کشورهای غربی برای کشورهای جهان سوم و اسلامی بود. فمنیست‌های مسلمان فمنیسم را غربی نمی‌دانند و مسائل زنان را امری جهانی می‌دانند.

امروزه فمنیست‌های زیادی در کشورهای اسلامی، بخش مهمی از تلاش خود را صرف مبارزه درون‌دینی برای حاکمیت نگاه زن‌گرایانه می‌کنند که معروف‌ترین آنان فاطمه مرنیسی (مراکشی)، رفعت حسن (پاکستان)، عزیزه الحبری (لبنان) و نوال السعداوی (مصر) هستند.

گروه‌بندی فمنیسم‌های اسلامی:

به‌طورکلی فمنیسم اسلامی برآیند فعالیت دو گروه است: گروه اول: این گروه، افرادی هستند که توجه به اسلام را به عنوان یک سیاست راهبردی برای توسعه مفاهیم فرهنگی غرب و مقابله با اصول‌گرایی در کشورهای اسلامی برگزیده‌اند. بسیاری از زنانی که در پی پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان طرفداران سلطنت یا نیروهای چپ از ایران خارج شدند، پس از چند سال به این نتیجه رسیدند مقابله با نظام اسلامی راه حل سیاسی از نوعی که تا آن زمان مورد توجه آنان بود؛ ندارد و باید به فعالیت‌های فرهنگی درازمدت دل‌بست. از این رو بسیاری از آن‌ها به جای فعالیت در گروه‌های سیاسی به ایجاد تشکل‌های زنانه و شرکت در رشته

فمنیسم اسلامی مفهوم و جریانی است که متأثر از جریان غربی فمنیسم در دهه‌های اخیر در کشورهای اسلامی از جمله ایران رواج یافته‌است. به‌گونه‌ای که بیشتر مدافعان زنان در این کشورها خود را فمنیست مسلمان معرفی و تلاش می‌کنند که با نگاه جدید به آموزه‌های دینی و سنت‌های رایج تفسیری خاص از آن را ترویج نمایند.

آنچه بیش از هر چیز برای نظریه‌پردازان و طرفداران فمنیسم اسلامی حائز اهمیت بوده؛ این است که در ظاهر مواجهه و تقابل جدی با دین صورت نپذیرد. آنان با تمسک جستن به منابع دینی از جمله قرآن کریم و احادیث در تلاش بودند تفاسیر عرف‌گرایانه و مدرنیستی از این منابع ارائه‌دهند. از این‌رو نظریه‌پردازان در راستای احقاق حقوق زنان و ارائه تفاسیر زنانه و به دور از رویکرد مردسالارانه تاکید می‌ورزند. آن‌ها اذعان دارند که قرآن، حقوق و عدالت را برای همه بشریت اعم از زن و مرد بیان کرده‌است.

برخی فمنیسم اسلامی را روش‌ها و رفتارهایی در زمینه اجرای مساوات و عدالت جنسی در قالب ارزش‌های اسلامی دانسته‌اند (منصورنژاد). شاید بتوان ادعا کرد فمنیسم اسلامی تا حدودی متأثر از نظریه‌های پست‌مدرن است. زیرا هر دو بر نسبیت فرهنگی استوارند. بدین معنا که هر جامعه برای مسائل خود پاسخ بومی دارد که باید در فضای فرهنگی خود آن را ارائه نماید (شهیدیان، ۱۳۷۷).

مدیریت در چهارچوب سیاست

حضور و مشارکت زن در عرصه سیاست و فعالیت‌های سیاسی از جمله موضوعاتی است که همواره نظرات متفاوت دانشمندان و فقها را به همراه دارد. زنان بیش از نیمی از جوامع انسانی را تشکیل می‌دهند و در طول تاریخ تحولات جامعه‌ی انسانی، از جمله تحولات سیاسی، نقش و کارکرد کیفی برجسته‌ای داشته‌اند. در ادامه مسئله مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی را از منظر مبانی دینی بررسی خواهیم کرد.

در ابتدا باید عبارت مشارکت سیاسی به درستی تبیین کرد. مشارکت سیاسی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها است که به نوعی به افزایش قدرت یا افزایش شدت تحرک یک جامعه منجر می‌شود. موقعی که از فعالیت سیاسی

زنان سخن به میان می‌آید؛ یعنی مشارکت آن‌ها در فعالیت‌هایی است که به افزایش قدرت، ظرفیت و شدت جامعه منجر خواهد شد. این‌جا

موضوع اصول دین‌شناختی مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی در دو عرصه‌ی کلی زنان و مدیریت سازمانی و زنان و حاکمیت سیاسی بررسی می‌شود.

۱. زنان و مدیریت سازمانی

موضوع مدیریت زنان، از جمله موضوعات پرتوجهی است که در دهه‌های اخیر، به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از اهمیت خاصی برخوردار شده‌است. در ابتدا مناسب است تعریف روشنی از مدیریت ارائه شود. مدیریت، فرآیند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مقبول، صورت می‌گیرد.

۱.۱. وظایف و ویژگی‌های مدیران

از جمله وظایف هر مدیری می‌توان به تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هماهنگی و کنترل اشاره

کرد. باتوجه به این وظایف می‌توان دریافت که در مدیریت سیاسی موضوع جنسیت مطرح نیست و آن‌چه در این زمینه مهم است لیاقت، توانایی، دانایی و زیرکی فرد است.

در کنار بررسی وظایف، به بررسی ویژگی‌های مدیران در منابع اسلامی می‌پردازیم. یکی از اصلی‌ترین صفات مدیر سیاسی، ایمان و امانتداری اوست و به طور مسلم، در احراز این شرط، تفاوتی بین زن و مرد نیست. دو معیار و شرط مهم برای انتخاب مدیران، به‌ویژه در امور مربوط به حکومت، علم و قدرت است. این دو ویژگی، به تناسب مفهوم و گستره‌ی آن، در هر نوع مدیریتی، لازم است. یکی دیگر از صفات مهم مدیر سیاسی عدالت و دادگری است که اصلی‌ترین فلسفه‌ی بعثت انبیاء از دیدگاه قرآن برپایی عدالت و قسط است.

۱.۲. رابطه‌ی وظایف و صفات مدیران با جنسیت

با توجه به وظایف، ویژگی‌ها و شرایط مطرح شده برای مدیران، اگر بتوان گفت در احراز شرایط مدیریت، جنسیت دخالت ندارد می‌توان چنین

قضاوت کرد که زنان نیز می‌توانند با وجود لیاقت و شایستگی در عرصه‌ی مدیریت‌های سیاسی نقش‌آفرین باشند. حال آن که مقولاتی نظیر برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل، ایمان و امانتداری، دانایی و توانایی و عدالت و دادگری مقولاتی اعتقادی، اخلاقی و رفتاری هستند که هم به زن و هم به مرد توصیه شده‌اند و زن و مرد در مقابل احراز این صفات اخلاقی برابرند.

البته باید توجه داشت که یکی از احکام بدیهی عقل این است که باید مشاغل، بر مبنای قابلیت به افراد سپرده شود و قابلیت هر کس برای هرکاری بیشتر باشد، برای تصدی آن شایسته‌تر است. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرمایند: «هر کس از میان مسلمانان فرمانداری را برگزیند، درحالی‌که می‌داند دیگری نسبت به او اولویت دارد و به قرآن و سنت آگاه‌تر است، به خدا و رسول او و جمیع مسلمانان خیانت کرده است.»

این حدیث ناظر به اهمیت و ضرورت رعایت اصل لیاقت و شایستگی در انتخاب همه‌ی مدیران است که در صورت تلاقی با ملاک جنسیت، اصل فوق حاکم است. البته تجربه نشان می‌دهد معمولاً در بیشتر نقاط جهان زنان به جهت استضعافی که ناشی از دلایل مختلفی نظیر استثمار، استعمار، استثمار یا ضعف جسمی و شئون جنسی است، در احراز برخی از صفات ممکن است از مردان بیشتر عقب بمانند.

۲. زنان و حاکمیت سازمانی

موضوع مشارکت زنان در حاکمیت سیاسی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان، روشنفکران و فقها بوده است. باید توجه داشت که حاکمیت سیاسی در این عصر با قدیم بسیار متفاوت بوده و حکومت در گذشته، یک حکومت دیکتاتوری فردی

بوده است اما حکومت در روزگار ما، به گونه‌ای است که حاکم خود محکوم است که از قانون تبعیت کند و در برابر مؤسسات ناظر بر حکومت باید پاسخگو باشد. اگر در زمان گذشته، حکومت زن یک امر منفی بود؛ زیرا زن نمی‌توانست عدالت و فرهنگ و قانون را چنان‌که می‌بایست، رعایت کند؛ اما در زمان ما تفاوت دارد. زن می‌تواند فرهیخته و عاقل باشد و از مشورت دیگران استفاده کند. امروزه، با پیشرفت علوم و فنون و مهارت‌های علمی و روشهای حکومتی نوین، دیگر نیازی به قدرت جسمی نبوده و حکومت مساوی با شرکت و حضور حاکم در عرصه‌ی جنگ و کشمکش‌ها و شرایط سخت نیست.

۲.۱. زنان و انتخاب حاکمیت

یکی از زمینه‌های حضور در عرصه‌ی حاکمیت، انتخاب حاکمیت است که هر کس از زن و مرد بتواند در آن درست عمل کند مآجور خواهد بود. شرکت زنان در انتخابات نظام حاکم، حداقل حقوق سیاسی زنان است که باید به آن توجه شود، لیکن متأسفانه در بیشتر کشورها تا پایان جنگ جهانی دوم آن‌ها از این حق رأی محروم بوده‌اند اما دین مقدس اسلام شرکت در این عرصه را بیش از چهارده قرن پیش امضا کرده است. یکی از مظاهر حضور زنان در انتخاب حاکمیت، عرصه‌ی بیعت زنان با حاکم اسلامی است که در این زمینه می‌توان به بیعت زنان با پیامبر اکرم (ص) و بیعت زنان در غدیر خم اشاره کرد. البته باید توجه داشت که بیعت به معنای تصدیق نبوت و امامت نیست، بلکه پذیرش به عمل به دستورات حاکم است.

۲.۲. زنان و اصلاح حاکمیت

یکی دیگر از زمینه‌های حضور در عرصه‌ی حاکمیت، اصلاح حاکمیت است. از آن‌جا که وظیفه‌ی احیای امر به معروف و نهی از منکر از تکالیف مشترک زن و مرد در قرآن کریم است، مقابله با بزرگ‌ترین منکر در عرصه‌ی حیات اجتماعی، یعنی حاکمیت ظلم و ستم و دستگاه جور، از وظایف مسلم هر زن و مرد مسلمانی است. حضور زنان در مصاف با حاکمان جور، همواره مطرح بوده و تجربه‌ی عینی مبارزات زنان با حکومت ۲۵۰۰ ساله‌ی پهلوی در ایران مؤید نقش تأثیرگذار ایشان در مبارزات سیاسی است. تا جایی‌که امام خمینی(ره)، پیروزی نهضت را مرهون شرکت زنان در تظاهرات و مبارزات و حمایت‌های ایشان در جهت سرنگونی نظام ستم‌شاهی می‌دانستند. باتوجه به مطالب ارائه شده در می‌یابیم که اصل جنسیت در لحاظ و احراز شرایط مدیریت سازمانی و انجام دادن وظایف آن دخالتی ندارد و زنان نیز می‌توانند با وجود شایستگی‌های لازم در عرصه‌ی مدیریت‌های سازمانی قبول مسئولیت کنند. اصل عدالت جنسیتی در عرصه‌ی حاکمیت سیاسی زنان نیز جاری است، و حکم عقل مبنی بر واگذاری مسئولیت‌ها بر اساس و معیار دانایی و توانایی است و تخصیص‌پذیر نیست.

منابع

اصول دین‌شناختی مشارکت زنان در فرایند توسعه‌ی سیاسی (با رویکرد قرآنی - روایی) - احمد آکوچکیان، مرضیه عرب نژاد



کتابدار

گوشه‌هایی از زندگی زنان شجاع و پرتلاش تاریخ

نقدی بر کتاب زنان جسور، نوشته هیلاری کلینتون

پریسا پور مقدم
کارشناسی حقوق

کتاب زنان جسور نوشته مشترک هیلاری کلینتون و دخترش چلسی کلینتون است که در سال ۲۰۱۹ تالیف و در سال ۱۳۹۹ به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد. «زنان جسور» بیانگر داستان‌هایی مختصر از نقاط عطف زندگی زنان موفق و تاثیرگذار است که الهام‌بخش نویسندگان بوده‌اند.

رسالت «زنان جسور»

نویسندگان به طور عمیق به هریک از شخصیت‌ها پرداخته‌اند. هدف آن‌ها این است که بخش‌های مهم زندگی زنان جسور که موجب شهرت‌شان شده را به خوانندگان بنمایانند و آن‌ها را به شناخت بیشتر و الگو گرفتن از این زنان جسور ترغیب کنند. نویسندگان در توضیح انگیزه نوشتن کتاب می‌گویند: «اگر تاریخ یک چیز را نشان دهد، این است که جهان به زنان جسور احتیاج دارد. بنابراین در لحظات کشمکش که مسیر به طرز وحشتناکی طولانی به نظر می‌رسد، امیدواریم که مانند خود ما از این داستان‌ها، قوت قلب بگیرید.»

گزینش شخصیت‌ها

منظور از زنان جسور طبعاً زنانی است که نویسندگان طبق سلیقه‌شان مشهور دانسته و برگزیده‌اند که غالب آن‌ها آمریکایی (سفیدپوست یا سیاه‌پوست) هستند. مطمئناً زنان تأثیرگذار در زمان‌ها و مکان‌های دیگر بوده‌اند که می‌توانسته‌اند در این کتاب مطرح شوند اما نویسندگان به دلیل تعلق خاطر بیشتر نسبت به سرزمین خودشان از آن‌ها غافل شده‌اند. البته داستان‌هایی درباره زنان آفریقا، آسیا و خاورمیانه در کتاب نقل شده‌است، اما بیشتر آن‌ها به نوعی به ایالات متحده وابستگی دارند. در واقع عنوان مناسب کتاب «گوشه‌هایی از زندگی زنان شجاع و پرتلاش تاریخ» فرهنگ غربی است.

بخشی از کتاب:

«از ابتدای تاریخ قدرت همیشه از آن مردان بوده‌است. مردان قدرت را برای خود محفوظ نگاه داشته بودند. اما در همین دوران‌ها، بوده‌اند زنانی که نوشته‌اند، نقاشی کرده‌اند، اختراع کرده‌اند، اکتشاف کرده‌اند، خلاقیت به خرج داده‌اند، بی‌آنکه

سبک نوشته

متن اصلی کتاب به صورت بسیار ساده و همه فهم و شاید بتوان گفت تا حدودی عامیانه نوشته شده که این سادگی به ترجمه نیز راه یافته‌است. این ویژگی می‌تواند در طول مطالعه کمی خسته‌کننده به نظر برسد و یکی از نقدهای برجسته نسبت به کتاب بشمار می‌رود که البته آن را به گزینه مناسبی برای جلسات کتابخوانی با شرکت‌کنندگانی در سطوح مختلف تحصیلات تبدیل کرده‌است.

بخشی از مقدمه:

«کتاب پیش از هر چیز یک مجموعه غنی از قصه است. قصه آدم‌های گرفتار و سختی کشیده‌ای که با تلاش و کوشش و باوجود عقب‌ماندگی‌ها، بی‌پولی، دشواری‌های فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی موفق شده‌اند و تاریخ را به نفع خود و اندیشه‌هایشان تغییر داده‌اند.

کتاب درعین حال لایه‌های پنهان و ناگفته‌ای از نابسامانی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آمریکا را به تصویر می‌کشد که

طی قرن‌ها کسی از آن خبر یافته و اثری به نام آن‌ها به ثبت رسیده‌باشد. آن‌ها نقشه‌ راهی در پیش نداشتند. تضمینی نداشته‌اند که بتوانند به مقصد برسند. اما هر زمان که زنی جسارت تلاش در این راه را پیدا می‌کرد در حقیقت راه را به زنان دیگر نشان می‌داد. آن‌ها به دختران و پسران کم سن و سال نشان می‌دادند که آرزوهای دختران هم به اندازه آرزوهای پسران، برادران و دوستانشان ارزشمند و مهم است. در صفحه تاریخ، مردان زیادی می‌بینیم اما آن روز کسی باور نداشت که زنان هم می‌توانند در کنار این مردان در تاریخ حضور داشته باشند.

تضمین حقوق و فرصت‌های زنان و دختران همچنان قطعه بزرگی از تجارت ناتمام قرن بیستویک است. در حالی که کارهای زیادی برای انجام دادن وجود دارد، ما می‌دانیم که در طول تاریخ و در سراسر جهان زنان برای رسیدن به پیروزی‌هایی که پیشرفت را برای همه ما ایجاد کرده‌است، در برابر شدیدترین مخالفت‌های قابل‌تصور پیروز شده‌اند. داستان پیروزی آن‌ها در «زنان جسور» آمده‌است.»



به جز شرح فعالیت‌های فعالات اجتماعی و حقوق مدنی قابل بیان نبوده‌است. بدین‌ترتیب و با آشنا شدن با دلیل فعالیت‌های مهاجران، فعالات حقوق مدنی، اجتماعی و فرهنگی در آمریکا، می‌توان جامعه آمریکا را در لایه‌های عمیق‌تر اجتماعی بهتر و بیشتر شناخت. کتاب ظاهری فمینیستی دارد اما تفوق طلبی زنانه در آن جدی نیست.

روش نگارش و اسلوب نوشتن قصه‌ها مبتنی بر قصه‌های کوتاه و جذاب و از این نظر خواندنی است. شخصیت‌ها ذیل فصول مختلفی بر طبق حوزه فعالیتشان طبقه‌بندی شده و معرفی می‌شوند. این ویژگی نظم ایده‌آلی را در ذهن خواننده پدید می‌آورد.»

نقد راوی

یکی از نقد های وارد به «زنان جسور»، ذکر گاه و بی‌گاه نام نویسندگان در کنار شخصیت‌های اصلی و پرداختن به ملاقات‌ها، روابط و احساسات و دیدگاه سیاسی و فردی خودشان نسبت به آن‌هاست که شاید بتوان گفت از تمرکز کامل بر موضوع اصلی بحث کاسته‌است. البته باتوجه به جایگاه سیاسی نویسنده، این مسئله تا حدودی قابل پیش‌بینی است.

درباره نویسندگان:

هیلاری رُدهم کلینتون، اولین زن در تاریخ ایالات‌متحده است که نامزد یک حزب سیاسی بزرگ برای ریاست جمهوری شده است. وی نزدیک به چهاردهه در خدمات عمومی به عنوان بانوی اول ایالات متحده، نماینده نیویورک در مجلس سنا، وزیر امور خارجه آمریکا خدمت کرده‌است.

چلسی کلینتون از طریق وکالت، نویسندگی و کار در بنیاد کلینتون برای دختران و زنان یک قهرمان است. وی همچنین استادیار کمکی در دانشکده بهداشت عمومی میلمن در دانشگاه کلمبیا است. او به همراه همسر و فرزندانش در شهر نیویورک زندگی می‌کند.

سیاست و قضاوت در دست داورى

نگاهی به کتاب «زن و مسائل سیاسی قضایی» شهید مطهری

اجماع نداریم. البته برخی از اهل سنت معتقدند که قضاوت زن مطلقاً جایز است، مثل محمدبن جریرطبری؛ اما در شیعه اجماع شده است.

سپس شهید ادله‌ی مسئله را از کتاب مسند نراقی می‌آورد و می‌نویسد: «در مسند نراقی که باب قضا و شهادت را خیلی مفصل دارد می‌گوید: «و منها الذکوره بالاجماع». از جمله شرایط قاضی مرد بودن است به اجماع علما. «کما فی المسالك و نهج الحق و جامع المقاصد و غیرها» همان‌طور که مسالک، نهج‌الحق و جامع‌المقاصد هم ادعای اجماع کرده است. «و استشکل بعضهم فی اشتراطه». ولی بعضی از علمای ما اشکال کرده‌اند در این که مرد بودن شرط باشد. این می‌رساند که بعضی از علمای شیعه هم هستند که در این که در باب قضاوت، مرد بودن شرط باشد اشکال کرده‌اند. اما خود ایشان می‌گویند آن اشکال ضعیف است، چون ما دو حدیث صحیح در باب قاضی داریم که کلمه «مرد» را آورده است.»

یکی از آن دو حدیث به این عبارت است: «انظروا الی رجل منکم یعلم شیئا من قضایانا فاجعلوه بینکم فانی قد جعلته علیکم قاضیا.» (من لایحضره الفقیه ج ۳، ص ۲). امام فرمود: نگاه کنید، مردی از خودتان که پیدا کردید که چیزی از قضایای ما را بداند، (یعنی بداند که نظر ما چیست، بر نظریات ما اطلاع داشته باشد) او را در میان خودتان قرار بدهید؛ من او را به عنوان قاضی در میان شما نصب کردم. این یک دستور عمومی است که هر مردی که بر اخبار و روایات ائمه اطلاع داشته باشد، ائمه او را به عنوان قضاوت نصب کرده‌اند. قید «الی رجل منکم» دارد؛ فرمود نگاه کنید به «مردی» از شما.

حدیث دیگر این است: «اجعلوا بینکم رجلا ممن قد عرف حلالنا و حرامنا فانی قد جعلته قاضیا.» (تهذیب الاحکام ج ۱، ص ۳۰۳). در میان خودتان مردی از کسانی که به حلال و حرام ما اطلاع دارد قرار بدهید که من او را قاضی قرار دادم. این دو، حدیث صحیحی است که سند است برای

آثار شهید مطهری رضوان الله علیه، هر کدام دنیای خاص خودشان را دارند. استاد شهید، در همه‌ی کتاب‌های خودشان، به استثنای آثاری از ایشان که ذاتاً فلسفی است، با زبانی شیوا، و بیانی ارزشمند و خامه‌ای توانمند موضوع مورد نظر خود را طرح، سپس به بررسی تفصیلی آن پرداخته‌اند. از همین روست که حضرت امام رضوان الله علیه می‌فرمودند: «من به دانشجویان و طبقه‌ی روشنفکران متعهد توصیه می‌کنم که کتاب‌های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه‌های غیراسلامی فراموش شود.» و یا رهبر معظم انقلاب به مناسبتی فرموده‌اند: «اگر بنده می‌خواستم برنامه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم را بنویسم، بلاشک یکی از مواد برنامه را این می‌گذاشتم که کتاب‌های آقای شهید مطهری خوانده شود، خلاصه‌نویسی شود و امتحان داده‌شود.» و بی‌شک امکان تعیین و تایید ارزش، محتوا و عیار آثار ایشان، از توان و سواد نگارنده خارج است.

یکی از آثار گران‌سنگ استاد شهید، کتابی است با عنوان «زن و مسائل قضایی و سیاسی». که به‌طور کلی مطالب و موضوعات آن در چهار بخش تقسیم‌بندی شده‌است: بخش اول با عنوان زن و شهادت، بخش دوم به موضوع زن، قضاوت و افتاء، و بخش سوم به بحث زن و سیاست؛ و همچنین در بخش آخر به چند پرسش و پاسخ مشهور پرداخته شده است.

قضاوت زنان در دست داورى!

در بخش دوم نویسنده به موضوع زن و قضاوت می‌پردازد که از مسائل مهم و مطرحی است که همواره مورد توجه بوده و هست. استاد شهید در این قسمت معتقد است که اگر اثبات

بحث شهادت به آسانی انجام شد؛ اما در قضاوت، بحث به شیوه‌ی دیگری است و ما عملاً دلیل مسلمی به جز

مطلق قضاوت. در واقع این دسته می‌گویند «سند اصلی ما در باب قضاوت این دو حدیث صحیح است و در اینجا کلمه «رجل» دارد». اما آیا این دلیل، دلیل درستی است یا نه؟ خب البته واضح است که اگر آن اجماع در کار نباشد، این دلیل روی سبک درک فقهی درست نیست، به این دلیل که یک حرفی خود فقها دارند و آن این است که می‌گویند نه ضمیر مذکر اختصاص به مرد دارد (ضمیر مؤنث اختصاص به زن دارد ولی ضمیر مذکر اعم است) و نه کلمه «رجل» در بسیاری از موارد اختصاص به مرد دارد، بلکه به عنوان مثال ذکر می‌شود، چطور؟ این‌ها اصطلاح «الغاء خصوصیت» را به کار می‌برند. مثلاً شخصی از امام سؤال می‌کند که «رجل شک بین الثلاث و الاربع» مردی در نماز شک کرده است بین سه و چهار، حکمش چیست؟ امام مثلاً می‌گوید بنا را بر چهار بگذارد. این‌جا ما چه باید بگوییم؟ آیا باید بگوییم این حکم از مختصات مردهاست؟ یا نه، در اینجا «رجل» ذکر شده ولی مقصود، رجل به عنوان یک فرد است و رجولیت خصوصیت ندارد؛ آنچه که خصوصیت دارد شک میان سه و چهار است. خود ما هم در تعبیرات خودمان گاهی می‌گوییم «یک مرد اگر پیدا بشود چنین کاری را نکند». مقصودمان این نیست که واقعا از جنس رجال باشد؛ یعنی کسی که دارای این مزیت و خصوصیت باشد. پس این‌جا نمی‌شود به اصطلاح «مفهوم» گرفت که در جمله «انظروا الی رجل منکم» تکیه روی رجولیت است؛ یعنی چون همیشه کلمه «مرد» به عنوان مثال ذکر می‌شود، پس در اینجا می‌شود به اصطلاح الغاء خصوصیت کرد.

قضاوت، افتاء، روایات ضعیف!

روایت دیگری که به آن خیلی استناد می‌شود روایتی است که شیخ صدوق نقل کرده است. روایت خیلی مفصلی است که به عنوان وصیت‌های پیغمبر به امیرالمؤمنین است. آنجا جمله‌ای دارد که «لیس علی النساء جمعه و لاجماعه.» (من لایحضره الفقیه ج ۴، ص ۳۶۴). بر زن نماز جمعه واجب نیست، کما این‌که جماعت هم واجب نیست. بعد فرمود: و همچنین بر زن چه چیزهای دیگری واجب نیست، و در آخرش فرمودند: «ولا تولی القضاء.» کار قضاوت به زن واگذار نمی‌شود، خب این روایت اگر سندش درست باشد در دلالتش هیچ بحثی نیست. استاد در ادامه می‌گوید که روی این روایت هم ما تحقیق کردیم، دیدیم این روایت را غیر از شیخ صدوق شخص دیگری نقل نکرده؛ شیخ صدوق هم در مسافرتی که به حدود بلخ و بخارا کرده، به مردی به نام محمد بن علی بن شاه فقیه مرورودی برخورد می‌کند که یک سلسله روایت دارد و روایات او را اخذ می‌کند. شیخ صدوق در آخر کتاب فقیه سند خودش را نقل می‌کند و علما گفته‌اند که در این سند افراد مجهولی هستند، افرادی

که اصلاً ما نمی‌دانیم این‌ها چه کسانی هستند. علی‌الظاهر از روایات اهل تسنن است، جزء روایات شیعه نیست و این که در سندش هم افراد مجهول هستند به همین علت است که از روات شیعه نبوده‌اند. بنابراین به سند این روایت نمی‌شود اعتنا کرد. پس این روایت هم از عداد ادله خارج می‌شود. سپس با این بحث، موضوع را ادامه می‌دهند که روایت دیگری از حضرت باقر به همین مضمون هست که من در مواضع به اصطلاح «مُعَد» آن دو هفته به دنبال آن گشتم ولی پیدا نکردم؛ و این مسئله هم‌چنان‌که خود ایشان در یکی از جلسات بحث درباره زن و سیاست در همین کتاب تصریح می‌کنند مربوط به این روایت از امام باقر علیه‌السلام است: «و لا تولی المراه القضاء.» (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۲۰). استاد در آن جلسه درباره‌ی این حدیث چنین می‌گویند که: «حقیقت این است که این را من هرچه گشتم نتوانستم سند آن را پیدا کنم و بینم که به این حدیث می‌شود کاملاً اعتماد کرد یا نه، لذا نظر قطعی روی این قضیه نمی‌دهم.» نویسنده سپس جمله نهایی خود را در باب قضاوت زن می‌گوید و تصریح می‌کند که به هر حال این مطلب (که زن نمی‌تواند قاضی باشد)، با اینکه همه‌ی روایات آن قابل خدشه و مناقشه است، اما تقریباً از نظر فقه اسلامی یک

۹۹

استاد در باب جواز یا عدم جواز تقلید از زن در یک جمله قاطعانه می‌گویند که «عدم جواز تقلید از زن، از باب قضاء کم دلیل‌تر، بلکه بی‌دلیل مطلق است.»

۶۶

امری است که مورد تسلّم شناخته شده است. سپس به بحث افتاء می‌پردازند؛ و استاد در باب جواز یا عدم جواز تقلید از زن در یک جمله قاطعانه می‌گویند که «عدم جواز تقلید از زن، از باب قضاء کم دلیل تر، بلکه بی‌دلیل مطلق است.» و البته در اواخر همین بحث، یک قول را از زبان مخالفین قضاوت زن نقل می‌کنند: این که باب قضاوت، مسلّم باب احساسات است. اصلاً قاضی شرطش قساوت قلب است؛ مثل «جلادی» و به دار کشیدن است. اجتماع لازم دارد افرادی را که در مواقع لزوم طناب دار را به دست بگیرند. اجتماع لازم دارد افرادی را که در موقع لزوم یک نفر را سنگسار کنند، یک نفر را تیرباران کنند. حالا این کارهایی که با عواطف انسان سروکار دارد و باید کسی که مجری آن است خالی از عاطفه باشد حتماً باید زن این کار را بکند؟! باب قضاوت بسیار احتیاج دارد به اینکه قاضی خالی از تأثر باشد، هم تأثر مهربانی و هم تأثر خشم، زیرا همیشه موضوعات ترحم برانگیز یا عصبانی‌کننده بر قاضی عرضه می‌شود. بنابراین، این خود قرینه‌ای بر همان اجماع باشد. اما باب افتاء چطور؟ باب افتاء فقط به علم ارتباط دارد. مفتی در خانه خودش نشسته است، دارد فکر می‌کند، کار می‌کند، فتوا می‌دهد، فتوایش را در رساله‌اش می‌نویسد، مردم باید عمل کنند؛ نه احتیاج دارد بیاید در اجتماع بزرگ با مردم سروکله بزند و نه احتیاج دارد قساوت قلب داشته باشد؛ باید فهم داشته باشد.

بنابراین در باب افتاء به‌طورقطع هیچ دلیلی نداریم برای این که افتاء منحصر به مرد است، و زن اگر شرایط دیگر را مساوی با مرد واجد باشد مانند مرد می‌تواند مرجع تقلید باشد و اگر فرض کنیم در شرایطی هستیم که یک زن پیدا شده است که اعلم است از مردها و عادل هم هست و شرایط دیگر را هم دارد، روی ادله فقهی باید بگوییم که تقلید از آن زن جایز و بلکه واجب است. همین‌طور که می‌بینید این علما همین‌گونه نظر می‌دهند گو اینکه حرف را می‌زنند و رد می‌شوند بدون این که یک «لاقوی»ای گفته باشند، ولی مطلب همین است.

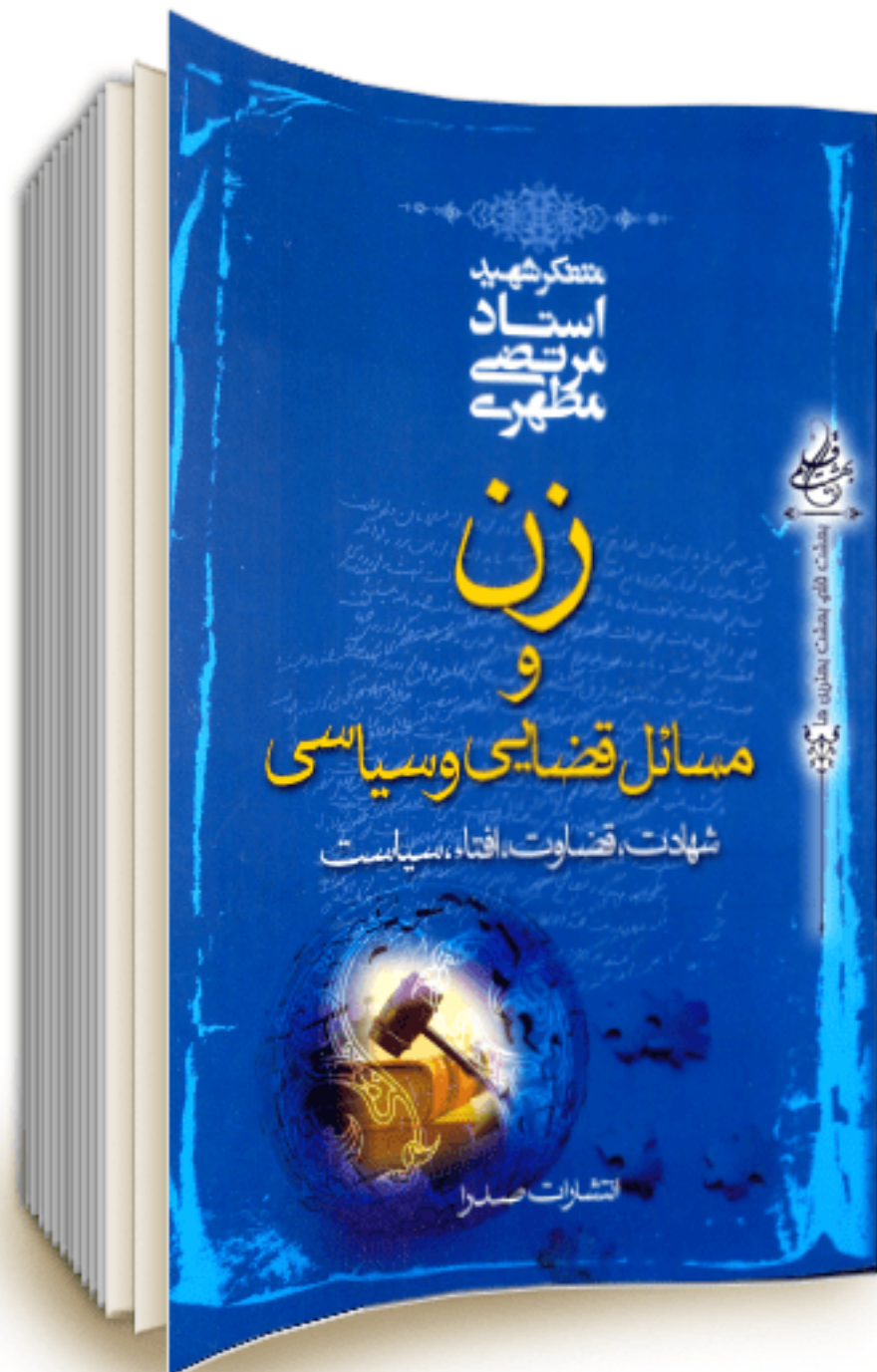
بخش سوم: زن، سیاست و امور سیاسی

بخش دوم با پرسش و پاسخی به انتها می‌رسد و نویسنده وارد بخش سوم کتاب می‌شود که عنوان آن «زن و سیاست» است. شهید بحث را از این‌جا آغاز می‌کند که آیا کار خارج از خانه، امور اجتماعی، و یا کار دولتی برای زن ممنوع یا حرام است؟ چنانچه در ادامه خود ایشان اثبات می‌کند هیچ‌کدام ابدأ ممنوع نیست و هیچ دلیلی هم برای ممنوعیت‌شان وجود ندارد. سپس بحث ولایت خاصه را مطرح می‌کنند و این سوال پیش می‌آید که آیا هر کاری که جنبه ولایت دارد و لو مربوط به دولت هم نباشد، چون ولایت سرپرستی است، به‌طورکلی ممنوع است و زن نمی‌تواند بر هیچ چیزی ولایت داشته باشد؟ می‌گویند که در ولایت خاصه قطعاً و ابدأ مانعی ندارد. ولایت خاصه مثلاً سرپرستی صغار. آیا زن می‌تواند وصی

یا قیم قرار داده شود، وصی از طرف خود میت و قیم از طرف حکومت شرعی؟ آیا می‌شود زن را وصی یا قیم بر افراد صغار یا مجانین و یا بر اموالی قرار داد؟ این هم قطعی است که هیچ مانعی ندارد. نمی‌شود گفت چون زن است زن بودن مانع است از این که او ولی صغار یا مجانین یا ولی بر اموالی باشد. کما این که مسئله تولیت اوقاف هم همین‌طور است. بدیهی است که آن هم خودش ولایت است؛ متولی اوقاف، سرپرستی آن را دارد. آیا زن شرعاً می‌تواند متولی اوقاف باشد؟ واقف می‌تواند زن را متولی اوقاف بکند یا نه؟ این هم هیچ اشکالی ندارد، چون سرپرستی خاص است. اما بحث اصلی و مهمی که پیش می‌آید سرپرستی‌های عمومی و کلی است. یک قسمتی از این بحث، بستگی دارد به مسئله فقاہت و اجتهاد که در فصل پیش در مورد آن بحث شد. در این که زن می‌تواند خودش مجتهد باشد و رأیش برای خودش معتبر باشد هیچ شک و بحثی نیست. فقط موضوعی که مطرح است مسئله مُفتی بودن زن است. مثلاً فرض کنیم چند تا مجتهد داریم که یکی از آنها زن است، از لحاظ سایر شرایط افتاء مساوی هستند و این زن در یکی از آن جهات مرجّحه فتوا ارجح از دیگران است، مثلاً اعلم یا لااقل اورع و اتقی از آن مردهاست؛ آیا تقلید از این زن جایز است یا جایز نیست؟ بیان کردیم که انگار که بسیاری از فقها رجولیت را شرط کرده‌اند اما ما کوچک‌ترین دلیلی بر این مسئله نداریم و حتی افرادی مثل آقای حکیم در کمال صراحت می‌گویند که ما هیچ دلیلی نداریم بر این که رجولیت الزاماً شرط باشد، نه دلیل نقلی نه دلیل عقلی. آن‌وقت این مسئله‌ی دوم هم پشت سر این می‌آید: آن ولایت‌هایی را که فقها برای حاکم شرعی یعنی فقیه جامع‌الشرایط قائل هستند، اگر زن بتواند مفتی واقع شود و فقیه باشد، برای زن می‌توانند قائل باشند یا نه؟ شهید سپس مفصلاً به بررسی این سوال و مسائل پیرامون آن می‌پردازد و در همین بحث، دلایل موافقین حضور زنان در این عرصه‌ها و هم‌چنین دلایل مخالفان آن را بررسی می‌نماید و در ادامه‌ی همین بحث به موضوع رای دادن و رای ندادن هم می‌رسد.

بخش نهایی: چند پرسش و پاسخ مهم

و در انتها، در بخش آخر به چند پرسش و پاسخ می‌پردازند که موضوعات آن از این قرار است: تعدد زوجات، طلاق، سرپرستی کودکان طلاق، غیبت شوهر و به کار بردن حیلۀ در ازدواج؛ که به سبب جلوگیری از اطلاعاتی بیش‌تر کلام، شما را به خواندن این مباحث از خود کتاب، و با قلم شیوای خود استاد دعوت می‌کنیم که نه این مقال توانایی پرداختن به همه‌ی مطالب این کتاب را داشت و نه نگارنده، توانایی و سوادش را. این کتاب را هم، مثل سایر آثار استاد شهید، باید خواند و خواند و مفصلاً در فرصت‌های گوناگون بررسی و نقد کرد، که راه درست علم‌آموزی، همین مطالعات، گفتگوها و تضارب آراست.



سینما



SCENE	TAKE	ROLL
DATE		
PROD.CO.		
DIRECTOR		
CAMERAMAN		

سینما، روایت چاه‌ها و چاره‌ها

حلیه توکلی
کارشناسی حقوق

اگر بخواهیم از سینمای ایران سخن بگوییم، قطعاً حرف‌ها از این روزها، حس‌وحال سینما و دوستدارانش بسیار خواهد بود. اما آنچه که می‌تواند مهم‌تر از امروز باشد، دیروزها و مسیرگذر از گذشته‌هاست. در سالیان گذشته، روایان بسیار بوده‌اند و روایت‌ها از جهاتی کم. اگر مسیر سینما را از جهت برخی شخصیت‌ها دنبال کنیم، قطعاً به تفاوت‌های جذابی در مقایسه‌ی روایت‌های دیروز با امروز خواهیم رسید؛ روایت سینما از زن، مسیری پرفراز و فرود را دنبال کرده است.

وقتی به ستاره‌های دهه‌ی ۸۰ نگاه کنیم، بسیاری از نگاه‌ها، به سوی فیلم‌هایی می‌رود که تنها از جهات و ابعاد محدودی به زن پرداخته‌اند: الهه‌ی عشق، زیبای بردبار، وفادار، فداکار و امثال این‌ها. هرچند که در آن زمان هم کم نبودند فیلم‌هایی که به روایت‌های دیگری بپردازند؛ اما گویی زمان می‌دود و زمانه می‌چرخد و اهل آن نیازهاشان را به دست زمانه می‌سپرند.

شاید بشود از این جهت نگاه کرد که دغدغه‌ها و فضای مردم در آن روزها (که هرچند زمان چندان دوری هم نیست)، تشنه‌ی روایت‌هایی این‌چنین بودند؛ از حق هم نگذریم، ستاره‌هایشان کم نبود. اما اگر کم کم به جلو بیاوریم، ابعاد جدید پررنگ‌تر می‌شوند؛ مسائل و مشکلات اجتماعی، تغییر جو سینما و شرایط آن، روایت‌های جدیدی را خلق می‌کنند.

امثال آبیاریها و میلانی‌ها و درخشنده‌ها بیشتر می‌شوند و سمت‌وسوی سینما تغییر می‌کند. پردازش‌ها اجتماعی و عمیق‌تر می‌شوند؛ گویی قرار است زن واقعاً روایت شود؛ او گاهی اسطوره خواهد شد در برخی موارد هم هیچ اسطوره‌ای در کار نیست و واقعیت‌ها، کاملاً ملموس است. زن قرار است قبل از هر چیز، انسانی باشد که غمگین می‌شود؛ شاد می‌شود؛ خشمگین می‌شود؛ می‌جنگد؛ عشق می‌ورزد؛ شیطنت می‌کند و هزاران روایت دیگر که او را به تصویر می‌کشند. او قرار است فعال‌تر باشد و در عین‌حال روایت‌گر غم‌هایش.

در همین چند سال اخیر، روایاتی هستند که از جهات بسیار، قابل توجه‌اند؛ چه فیلم‌هایی که موضوعات اجتماعی داشته‌اند و روایت اجتماعی‌تر از زنان؛ و چه آن‌ها که از ابتدا با محوریت زن و مسائل او ساخته شده‌اند. نکته‌ای قابل توجه در این پردازش‌ها، تنوع کاراکترها و شخصیت‌های سیاه، سفید و خاکستری است. از زیر سقف دودی گرفته تا عرق سرد؛ از هفت‌ونیم گرفته تا روزهای نارنجی و بسیاری فیلم‌های دیگر.

روزهای نارنجی روایت زنی بود در رقابت کاری با مردانی که اصلاً او را شایسته‌ی رقابت نمی‌دیدند. یا ایده اصلی که همزمان داستان زنانی با کاراکترهایی نه چندان سفید را پیش می‌برد. کمی نزدیک‌تر، فیلم **خروج** حاتمی کیا بود که در آن از مهربانو روایتی جذاب را می‌دیدیم؛ در فیلمی که عمده بازیگرانش، مرد بودند، چهره‌ی زنی استوار به تصویر کشیده‌شد. در دل اعتراض،

پابه‌پای مردهای قصه سوار بر تراکتور خود می‌شود و در تمام طول فیلم، شجاعانه پشت عقیده‌اش می‌ایستد. و در این میان یکی از آثاری که بسیار شایان توجه است، انیمیشن **آخرین داستان** بود که در آن کاراکتر زنان و دختران، بسیار زیبا و جذاب ساخته و پرداخته شده بودند. شهرزاد، فرانک و ماندانا کاراکترهای مثبت داستان بودند و هر یک شجاعتی ستودنی داشتند. نکته‌ی بسیار جذاب، این بود که صدای اهریمن داستان، صدای یک زن بود و این در جای خود بسیار جالب و محل توجه است.

می‌رسیم به امسال و فیلم‌های جشنواره: فیلم‌هایی مثل: مامان، یدو، تی‌تی و ابلق

مامان

روایتی کاملاً واقع بینانه از یک مادر! تماشاگر قرار نیست به تماشای یک اسطوره‌ی بی‌نقص بنشیند؛ بلکه قرار است انسانی را ببیند که مثل همه‌ی انسان‌های عادی، گاه خودخواه می‌شود، گاهی حسود؛ ولی در عین‌حال مهربان است و عشق می‌ورزد. واقعیت امر این است که فیلم مامان در جشنواره چندان دیده‌نشده ولی نظر منتقدین درباره‌اش شایان توجه است؛ از نظر منتقدین فیلم مامان -چه آن‌ها که نقد منفی کرده‌اند چه آن‌ها که نقد مثبت- نقطه‌ی ضعف و قوت فیلم، یک چیز است، آن‌هم کاراکتر مامان است. برخی آن را نقطه ضعف می‌دانند که کاراکتر مامان بر روی دیگر کاراکترها سایه انداخته؛ برخی نیز پردازشی که برای کاراکترش وجود دارد را نقطه‌ای مثبت در نظر می‌گیرند. در فیلم قرار است داستان خانواده در چند مقطع مختلف را ببینیم که در تمامی این مقاطع، مامان حکم ستون خانواده را دارد. جالب است اگر مادر را در این فیلم، استعاره‌ای از میهن در نظر بگیریم. کاراکتر «مامان» در فیلم، از نظر پسرهایش، یک پسرزن بداخلاق و غرغرو است که با تاکسی مسافر جابه‌جا می‌کند و ظاهراً مانع خوشبختی آن‌هاست.

یدو

آنطور که معلوم است، یدو بیشتر قرار است به نوجوان داستان بپردازد اما در این میان، شخصیت زن فیلم هم (با بازی ستاره پسبانی) شایسته‌ی توجه است؛ زنی که در روزهای حصر آبادان، مقاومت را انتخاب می‌کند و مقاومتش را در ماندن تفسیر. او خاطره‌ی مادر شدنش در آن خانه را از یاد نبرده و نمی‌خواهد از آن دور شود و پسرش نیز از این تصمیم او عصبانی است. اما در طی داستان فیلم، قرار است با رشد کاراکتر اصلی (یدو) همراه باشیم و رشد کنیم. این فیلم قرار نیست یک اثر اسطوره‌ساز درباره دفاع مقدس باشد بلکه قرار است راوی یک انسان با دغدغه‌های

زمینی باشد و رشدی که او در طی فیلم به آن خواهد رسید.

تی تی

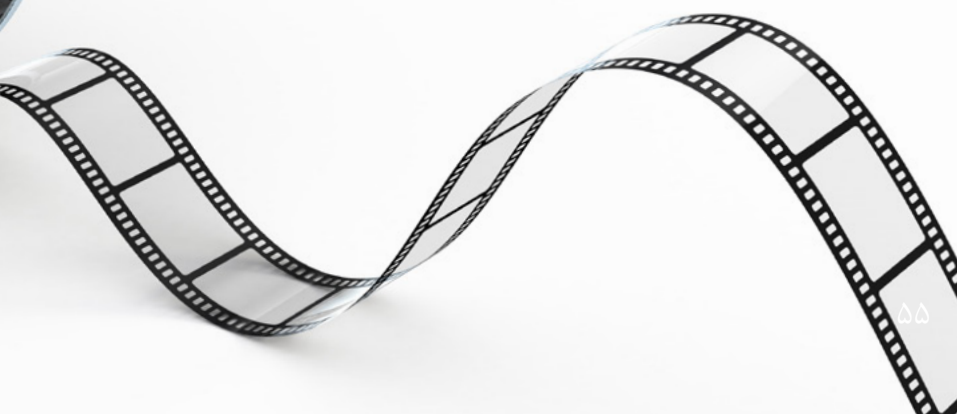
روایت فیلم از تی تی (الناز شاکردوست)، روایت از زنی است خیال پرداز که زندگی اش را با اجاره‌ی رحم به زوجها می گذراند. گفته می شود که این فیلم، روایتی است اجتماعی از مسائل زنان. علی رغم بسیاری از فیلم های دیگر، در عین حال که به نقد می پردازد؛ فضایی آشفته و متشنج نخواهد ساخت. و داستان، با صدایی آرام و به دور از هیاهو روایت می شود. در واقع تی تی یک زن کولی است که دنیا را با فرضیات خود تماشا می کند و به دنبال کمک به بشریت است و این کمک را از طریق شغلش انجام می دهد! او می خواهد انسان باشد و این انسانیت از نظر دیگران در دیوانگی او معنا می شود. از قرار معلوم، فیلم می خواهد با محوریت تی تی و نگاه او به جهان، یک روایت زیبا و دلنشین را برایمان بسازد؛ درحالی که آسیب شناسی می کند، ما را با یک رویای آرام همراه کند.

ابلق

نرگس آبیبار (کارگردان) در جشنواره گفت: «ابلق صدای فروخورده‌ی زنان ایران بود.» فیلم ابلق، روایت زنانی است که در برابر گناهی نابخشودنی از سوی دیگران سکوت می کنند و بابت همین سکوت، در مظان اتهام قرار می گیرند. زنی که در موقعیت زمانی و مکانی درست حرفش را نمیزند و قربانی تجاوزی می شود که خودش را متهم قرار می دهد. جلال، کسی است که نگاهی ناپاک به تمامی زنان محله‌ی آنها دارد و این سکوت زنان موجب می شود که او پا را از حد فراتر بگذارد و به سراغ راحله برود.

فیلم از جهاتی هم مورد نقد قرار گرفته؛ برخی معتقدند با یک سیاه‌نمایی اغراق آمیز همراه است و برخی هم پایان بندی آن را همراه با نوعی آشفته‌گی تعبیر می کنند و نقدهایی از این دست. ولی آنچه که بسیار دارای اهمیت است، روایت آبیبار از سکوت زنان در برابر این مسئله است و او با فریاد خود در این فیلم، از آنها می خواهد که دیگر صداهاشان را بغض نکنند؛ بلکه آنها را فریاد بکشند.

القصة، هرچه که می گذرد، این چنین روایت های چندوجهی، بیشتر به چشم می خورند و درست است که در برخی موضوعات، سینما از مسیر درستش خارج شده، اما این سبک داستان ها، می توانند ما را دلگرم کنند به ساختن صداهایی هرچند آرام، ولی در عین حال استوار؛ که قرار است پله هایی شوند برای فرادهای نه چندان دور...



مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی قم می کند

دین ستیزی، سنت ستیزی و مردستیزی حاصل ظلم تاریخی به زنان است

شعری طریقت منفرد

کارشناسی اقتصاد

بیست و پنجم بهمن ماه، اولین جلسه از سلسله جلسات «از چشم من بنگر مرا با محوریت بررسی هویت زنان، به همت دانشجویان دغدغه‌مند کارگروه زنان بسیج دانشجویی دانشگاه‌های مختلف برگزار شد. خانم حمیده طائب، دکتری مطالعات زنان، فعال فرهنگی و همچنین از اساتید دانشگاه تربیت مدرس با ما همراه شدند تا به افزایش آگاهی‌های فعالین دانشجویی حوزه زن کمک کنند. تعدادی از مخاطبین به صورت حضوری و تعدادی نیز در بستر اسکای‌روم شنونده‌ی گفتگو بودند.

در ابتدای نشست ایشان اظهار داشت: «تولید فکر درباره مسائل زنان در بین ما، در جهت مبارزه با تفکر فمینیستی شروع شد. ما تلاش کردیم به همه‌های وارد شده توسط فمینیست‌ها پاسخ دهیم و تولیدات خوبی صورت گرفت؛ مثل کتاب نظام زن در اسلام شهید مطهری. شاید اگر ورود این انحرافات نبود، ما در حال حاضر مشغول تبیین این مسائل نبودیم.»

دکتر طائب افزودند: «در نگاه جامعه‌شناسی، انسان در جامعه ساخته می‌شود و برخلاف نظر فروید نمی‌توان گفت که همه‌چیز در او موروثی است. در خانواده هم مثل جامعه باید تقسیم کار شود. به این ترتیب مرد به خاطر توانایی کار بیرون، زن هم به خاطر ویژگی‌هایش کار خانه می‌کند. در نگاه سنتی قدرت خانواده را مرد تعیین می‌کند و نیروی کار و قوای نظامی و امنیتی هم مرد است و به همین خاطر به دنیا آوردن فرزند پسر و داشتن پسران متعدد برای یک خانواده از منافع بیشتری برخوردار بود و پسران ارجحیت داشتند.» دکتر طائب در ادامه اشاره کرد: «حدود چهار قرن قبل از میلاد مسیح (ع)، فلاسفه نظرات متفاوتی در این باره داشتند! از افلاطون دو نگاه متفاوت در این باره یاد می‌شود، یکی مبنی بر اینکه زن در خانه و کمتر از مرد است، و دیگری به بیان برابری زن و مرد حتی در حکومت‌داری می‌پردازد. البته برابری یاد شده در نگاه غربی امروز به مسائل زنان و از بین بردن کانون خانواده بسیار نزدیک است. جزییات بیشتر در این باره را می‌توانید در مقاله ترجمه شده‌ی زن از منظر افلاطون مطالعه کنید. ارسطو نیز معتقد بود در عالم طبیعت

شرارتهایی وجود دارد که باعث ناقص شدن فرزند می‌شود و در این صورت فرزند دختر می‌شود! در نظر ارسطو زن به عنوان فرودست و مرد به عنوان فرادست شناخته می‌شود؛ چراکه دانایان همیشه بر نادانان مسلط‌اند! ارسطو مرد عقیم را با زنان برابر می‌دانست!

وی ضمن تاکید بر درک اعضای جوامع فمینیستی بیان کرد: «نگاه دینی در جامعه‌ای که تفکر فمینیستی از آن برخاسته است، برگرفته از باورهای یهود و مسیحیت است. کتاب مقدس حاوی دو بخش می‌باشد؛ بخش اول آن مشترک میان مسیحیان و یهودیان است. در این بخش از آفرینش انسان این‌طور یاد می‌شود: زن از پهلوی مرد آفریده شده است! هم‌چنین علت رانده شدن انسان از بهشت را زنان می‌دانند و زن را شر می‌پندارند!

فارغ از اهداف سیاسی شکل‌دهنده تفکرات فمینیستی، نگاه سنتی و دینی یاد شده بستر مناسبی برای شکل‌گیری این نگاه فراهم آورد! دین‌ستیزی و سنت‌ستیزی و مردستیزی که محورهای اصلی این تفکر است، حاصل ظلم تاریخی به زنان است که از این طریق صورت گرفته...»

این فعال فرهنگی ضمن قرائت بخش‌هایی از کتاب مقدس و تلمود، از مخاطبین خواست به بررسی شرایط و درک احساسات زنان در این جوامع بپردازند تا در جلسات بعد بتوانیم ابعاد دیگر ماجرا را همراه یکدیگر بررسی کنیم.



سهمیه جنسیتی حضور در حکمرانی

سهم زنان از قدرت سیاسی در جهان

بحث مشارکت سیاسی زنان از دیرباز میان اندیشمندان و فعالان مدنی مطرح بوده است. جنگ جهانی دوم زنان را روی صحنه سیاست کشاند. مشارکت مردان در جنگ باعث شده بود که بسیاری از کارخانه‌ها، ادارات و... با کمبود نیروی انسانی مواجه شود. به همین خاطر در کشورهای مختلف برای رفع این مشکل زنان وارد عرصه‌های مختلف کاری از جمله عرصه سیاست شدند. بنابراین تلاش‌ها برای مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی از قرن ۲۰ شروع شد و هنوز در قرن ۲۱ به سطحی نرسیده‌است که بگوییم زنان دوشادوش مردان در عرصه قدرت سیاسی فعالیت می‌کنند.

در زمینه مشارکت فعال زنان در جامعه، اگر بخواهیم به سمت توسعه پایدار حرکت کنیم، باید عدالت جنسیتی را محقق کنیم. یعنی زنان بتوانند توانمندی‌های‌شان را در عرصه‌های مختلف به منصفه ظهور برسانند و به دلیل جنسیت از عرصه‌هایی مانند عرصه‌های سیاسی کنار گذاشته نشوند. زنان در جوامعی می‌توانند پیشرفت کنند که به لحاظ قانونی هم، از آن‌ها حمایت شود و برای حضور زنان در عرصه سیاست‌گذاری به عنوان یکی از دو قشر تشکیل‌دهنده اجتماع انسان‌ها، به تدوین قوانین مبتنی بر حقوق بشر که حق هر دو را ایفا می‌کند نیاز داریم؛ البته باید به این نکته نیز توجه کرد که تدوین قوانین لازم و ضروری بوده اما کافی نیست.

تقسیم عادلانه قدرت در تمامی عرصه‌ها میان زنان و مردان نه تنها ضامن پیشبرد دموکراسی بوده، بلکه حق مسلم شهروندی هر دو جنسیت است. دارا بودن سهم برابر برای تأثیرگذاری در عرصه سیاسی نیز یکی از حقوق مسلم آن‌هاست.

حقوق سیاسی زنان یکی از مهم‌ترین مسائل امروزی می‌باشد و حق طبیعی‌ای است که هیچ‌کس حق سلب آن را ندارد. به لحاظ مفهومی حقوق سیاسی در جامعه‌ای وجود دارد که افراد بتوانند عقاید سیاسی و مشارکت‌های سیاسی خود را بدون هراس به نمایش بگذارند و آزادی افراد در برابر نقض غیرموجه دولت‌ها، حفظ شود. به لحاظ مصادیق، حقوق سیاسی زنان شامل، مشارکت سیاسی، انتخاب شدن و انتخاب کردن، آزادی عقیده و بیان سیاسی، تشکیل احزاب و انجمن‌های سیاسی می‌شود.

سهم زنان از قدرت سیاسی در جهان

جامعه جهانی در چند دهه گذشته شاهد رشد قابل توجه زنان در عرصه سیاست است. از سال ۲۰۰۴ تا کنون، **نشریه اقتصادی فوربز** هر ساله فهرستی از یکصد زن قدرتمند

جهان را منتشر می‌کند، که با معیارهای اقتصادی و اجتماعی رتبه‌بندی شده و مهم‌ترین آمار، حضور **آنگلا مرکل**^۱، به عنوان قدرتمندترین زن جهان در صدر این لیست به صورت پیاپی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ می‌باشد.

اگر بخواهیم حضور زنان در پارلمان‌ها را بررسی کنیم، بنابر آمارها، حضور زنان در پارلمان‌ها در سطح جهان، از ۱۵ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۱۹.۸ درصد در سال ۲۰۱۲ رسیده است. کشورهای جنوبی آفریقا شاهد میزان رشد قابل توجه حضور زنان در پارلمان از ۱۳.۷ درصد به ۱۹.۸ درصد بوده‌اند. آمارها در کشورهای حوزه عرب بزرگ‌ترین رشد حضور زنان در پارلمان را نشان می‌دهد که از ۶.۱ درصد به ۱۴.۷ درصد رسیده است. اگرچه حضور زنان در پارلمان‌ها هنوز به میزان ۳۰ درصدی مشارکت و حضور فعال نرسیده، اما تحقیقات نشان می‌دهد که رشد حضور زنان در پارلمان به برنامه‌های انکشافی دولت‌ها در مواردی چون توسعه سیاسی و اقتصادی، برابری جنسیتی، ارائه خدمات بهداشتی و جلوگیری از مرگومیر مادران و کودکان، ارائه خدمات آموزشی و تحصیلی و در نهایت احراز رای برای پیروزی‌های انتخاباتی‌شان بسیار کمک‌کننده بوده است.

باوجود تلاش‌های روزافزون زنان برای حضور و تأثیرگذاری در عرصه قدرت سیاسی، اما هنوز زنان در عرصه سیاست جهانی راه درازی در پیش دارند تا به رفع شکاف عظیم جنسیتی در جامعه و سیاست نایل گردند. آخرین آمار اتحادیه بین‌المجالس در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که میزان حضور فعال زنان در سطح جهان هنوز ۲۳.۶ درصد است.

نقش زنان از قدرت سیاسی ایران

در ایران، حضور زنان برای نمایندگی در مجلس، از دوره‌های اول تا هفتم، ۱۶.۵ برابر شده است؛ حضور سه برابری زنان در میان ثبت‌نام کنندگان انتخابات مجلس دهم و یازدهم نسبت به دوره‌های پیش، رخدادی بود که نشانه‌ای از فراگیرتر شدن مشارکت سیاسی زنان داشت.

زنان به رغم تلاش‌های چند ساله و افزایش توانمندی‌هایشان، سهم اندکی از سطوح مدیریت کلان کشور را در اختیار دارند. زنان عملاً از ورود به بسیاری از حوزه‌های سیاسی و قضایی محروم مانده‌اند. ساختار قدرت در مقابل ورود زنان به سطوح مختلف سیاست‌ورزی، از خود مقاومت نشان می‌دهد. در نتیجه این محذورات، امروز زنان تنها ۵.۹ درصد از کرسی‌های مجلس را در اختیار دارند.

بر اساس گزارش مشترک اتحادیه بین پارلمانی و کمیته زنان

سازمان ملل در سال ۲۰۱۷، ایران (با احتساب شمار ۱۷ نماینده در مجلس) از نظر تصدی زنان در پارلمان در میان ۱۹۳ کشور دنیا، در رتبه صد و هفتاد و هفتم قرار دارد. در این گزارش، از نظر حضور زنان در دستگاه اجرایی هم رتبه صد و سی نهم به کشورمان تعلق گرفته است.

بر اساس آمار اتحادیه بین‌المجالس^۲، متوسط حضور زنان در پارلمان‌های ملی سراسر جهان در سال ۲۰۱۹، ۲۴.۳ درصد ارزیابی شده است. این نرخ در منطقه منا^۳ به ۱۹ درصد می‌رسد. این در شرایطی است که در ایران به عنوان یکی از کشورهای منطقه منا این رقم فقط ۵.۹ درصد در مجلس دهم برآورد می‌شود.

بنا بر این آمار می‌توانیم بگوییم در ایران زنان در عرصه سیاست تقریباً نادیده گرفته شده‌اند و هیچ ارتباط معنادار و منطقی میان نرخ آموزش و حضور زنان در عرصه سیاست در ایران وجود ندارد. در عرصه اقتصادی هم وضعیت مشابهی را تجربه می‌کنیم، این درحالی است که شکاف اقتصادی بر شکاف سیاسی تأثیرگذار است.

تنش‌های حضور زنان

گزارش‌های خشونت علیه زنان در سیاست، در سرتاسر جهان آمارهای ناخوشایندی را نشان می‌دهد. در کشورهای آسیایی و خاورمیانه این خشونت‌ها فراگیرتر و نظام‌مندتر صورت می‌گیرد. گزارش ترور زنانی که در رده‌های بالای حکومت کار می‌کردند، بارها به ثبت رسیده است، از جمله ترور **حنیفه صافی**، رییس امور زنان در ولایت لغمان توسط طالبان در جولای ۲۰۰۱ و موارد زیاد دیگری که صرفاً به هدف حذف زنان از عرصه سیاست و امور اجتماعی صورت گرفته است. پس با توجه به فاکتورهای ایدیولوژیک، بیش‌ترین ممانعت حضور سیاسی زنان بیش‌تر از جانب جامعه مردسالار و سنتی صورت گرفته است تا نظام و حامیان بین‌المللی آن.

از جمله مواردی که بارها توسط رسانه‌ها و کمیته‌های حقوق بشری و حقوق زنان گزارش شده، می‌توان به حمله‌های فیزیکی بر زنان فعال سیاسی تا ترور، تجاوز، خشونت‌های کلامی و روانی، اخاذی از زنان سیاسی، تهدید به قتل و آسیب رساندن به اعضای فامیل یا متوسل شدن به حدیث و شریعت اسلامی برای در خانه نگه داشتن زنان، زدن برچسب‌های اخلاقی به زنان سیاسی و... اشاره کرد.

بانویی که با چادر خاکی حکومت کرد...



در راستای حکومت علی حکمرانی کردن، یک صفت نبوی است که تنها زنی

چون فاطمه (س) قادر به انجام آن است. اوست که واژه به واژه علی را همزمان با او می‌داند و می‌فهمد و این جدای از قدرت ماورائی است که به او داده‌اند. فاطمه (س) یک زن بالقوه سیاسی بود که در بزنگاه سقیفه چنان بالفعل شد که علی نیز عرصه را به او محول کرد.

چنان فاطمه (س) آتشین سخن گفت و ادراک و استدلال را توأمان به جنگ کشید؛ رهبر مدینه شد و این در جان تاریخ ماند. رسول اکرم (ص) همانطور که استاد فهم و رزم علی (ع) بود، استاد فهم و رزم فاطمه (س) نیز بود. پیغمبر (ص) که می‌دانستند پس از او ولایت‌ها غصب خواهد شد، فاطمه (س) را هم به مصاف آوردند. از فاطمه (س) اسطوره ساخت و در گوش خانه‌های مدینه "فاطمه پاره جگر من است" را خواند. تا در هر اذان نام او در کنار رسول حکمرانی کند. میراث سیاسی حکومت تازه جان گرفته اسلامی، زنی بود که مهر تایید رسول را همیشه و هر جا همراه داشت. در تنش‌های سیاسی پس از رسول، شمشیر زدن علی (ع) برای پس گرفتن

خلافت

رسول الله

تهدید کننده اسلام

است. اما چه کسی خواهد

گفت که تیغ خون‌آلود از آه جان‌گداز

فاطمه (س) برنده‌تر است؟ فاطمه‌ای که

باید می‌بود تا نشان دهد مسلمانان

چیزی جز ادعای ایمان ندارند و تسلیم

بالا و پایین‌های زمانه‌اند. باید می‌بود

تا شبانه قفل در خانه انصار و مهاجر را

بزند که کیست یاور دختر رسول خدا؟

کیست حامی نص صریح قرآن؟ کیست

یاور علی خانه‌نشین من؟...

در این خانه‌های طلسم شده بسته ماند

اما صدای فاطمه (س) مذبذبی فاش در

قلبشان ریخت. شرمی کمرشکن را در

یاد هر مسلمانی کاشت و هر نامسلمان

جویای حقی را بیدار کرد. حتی همان از

خدا بی‌خبرها را!

و اما حضور امیرالمومنین (ع) در صحنه

سیاست به این معنا نیست که فاطمه

(س) کنار بنشیند و دغدغه‌هایش را جوری

دیگر رقم بزند. زهرا پایه‌پای حاکم

مدینه می‌فهمد، می‌شناسد، آینده را

می‌بیند،

ملا ک

دارد، آدم‌شناسی و

جریان‌شناسی می‌کند و ارکان و

ضوابط را به خوبی می‌داند. اگر چه در

مقطعی از زمان نیازی به حضور مستقیم

او در حکومت نیست اما فهم سیاسی او

از حکومت و متعلقات آن بی‌قید و شرط

از واجبات است. و به وقت خود حضور

مستقیم او را می‌طلبد.

با نگاهی به خطبه فدکیه می‌توان از

این نبوغ سیاسی درس گرفت و دانست

که باغ فدک نه تنها یک ارثیه از رسول،

رکن اقتصادی حکومتی است، نبود بلکه

ایشان درصدد تدارک آن برای امام جامعه

است. همچنین طلب کردن فدک مبدأ

اعتراض به خلفایی است که سقیفه را

بر تشییع رسول ترجیح دادند، بر رسول

وصله

نامربوط

هذیان‌گویی

زدند و تا توانستند

علی را تخریب کردند و وحی

رسول را نادیده گرفتند. این اعتراض

مقدس را فقط فاطمه (س) بلد بود و می

توانست. او بود که بهتان خروج و فتنه

به دامن پاکش نمی‌چسبید و هیچ کس

هم جرئت چنین جسارتی را نداشت چرا

که او از تمام لوازم آگاه است. شجاعتی

زنانه دارد که نمی‌گذارد از سرزنش هیچ

به

تبیین

مبانی حکومت

علوی پرداخت و

نادانی سیاسی و دینی

تک تک شمشیر به

دستان مدینه را به رخشان

کشید و با بغضی که در گلویش

بود خطبه خوانی کرد، و مردانی که

انگشت به دهان و زنانی که فهمیده

بودند الگوی زن سیاسی این چنین

قدرت خطاب و تحلیل امور را دارد. او در

تاریخ این چنین حکومت کرد.

او پس از این همه، خانه‌اش را بر همه

تحریم کرد، عده‌ای معدود حق آمد و

شد داشتند و فاطمه (س) رحمتش را از

این شهر برداشت تا باشد که با هر

فرستی غاصبان جایگاه امیرالمومنین

سرزنش

کننده‌ای

بهر ا س د

شجاعانه حقش را

طلب می‌کند و در راه

حکومت حق آن را فدا...!

بنا بود حکم او نماینده رسول باشد،

آبروی او آبروی رسول باشد، پاره جگر

رسول باشد اما امان از طمع طماعان و

کج‌فهمی جاهلان، و باز هم در کوچه‌ای با

چادر خاکی حکومت می‌کرد... آنجایی که

نماینده وحی بود و باید قرآن فاطمی‌اش

را می‌خواند، از پله‌های پایین فهم انسانی

از خویش بنالیم که جان سخن اینجاست

-وا! مگر می‌شود؟؟

-عجب، چه فکر خوبی کرده است!

درمیان این اظهار فضل‌های جهت‌دار و بی‌جهت صداهای زنانه نیز به گوش می‌رسید که نشان می‌داد برای آن‌ها هم باور اینکه زنی توانسته باشد این‌چنین در عرصه مدیریتی حضور پیدا کند، سخت است.

تجربه‌های مشترک، نمک‌های روی زخم.

تمام زنان فعال در اجتماع بی‌شک با شدت ضعف‌های مختلفی با تجربه عینی مشابه به آنچه در داستان بود، مواجه شده‌اند. در کنار حامیان، عده‌ای از هم‌جنسانشان هنگام رویارویی شگفت‌زده به آنان تگریسته‌اند و در باورشان دچار تردید شدند یا به شکل بی‌رحمانه‌ای اعتماد نکرده و در نمونه‌های خیلی شدیدتر در مقابل او ایستاده حتی با انواع برچسب‌ها طرد شده‌اند.

شاید گمان می‌کردیم اولین گام برای بهبود اوضاع زنان و ایجاد شرایط برای ورود آنان در عرصه سیاست و تصمیم‌گیری برداشتن موانع قانونی یا مقابله با قشرهای متعصب جامعه است؛ اما درواقع تغییر باور و نگرش زنان به خود و هم‌جنسانشان شاید اولین و اساسی‌ترین گام باشد.

حتی گاهی به نظر می‌رسد ادبیات و باورهای مردسالارانه بیش از آنکه در ذهن بعضی از مردان رسوخ کرده‌باشد، جای خودش را در ذهن زنان مستحکم کرده و به شکل‌های خودآگاه و ناخودآگاه بروز پیدا می‌کند.

مع الاسف حتی میان زنان تحصیل کرده نیز این عدم

خودباوری دیده می‌شود تا جایی که در زمینه‌های کاملاً زنانه، مردان را دارای صلاحیت بیشتری برای اتخاذ تصمیم می‌دانند و با هیچ دلیل دینی و علمی حاضر به کوتاه آمدن از عقاید خود نیستند!

نهادینه کردن این باور که زنان می‌توانند در زمینه حکمرانی و مدیریت نیز با حفظ هویت خود با کیفیت قابل قبولی حضور داشته باشند به همان میزان که برای عده‌ای از مردان سخت است برای زنان به مراتب سخت‌تر است؛ چرا که آنان هم باید روزانه با انواع حرف‌های القایی جامعه مقابله کنند و هم برای ریشه‌کن کردن افکار کاشته شده قدمت‌دار، در ذهنشان دست به هرسی اساسی بزنند.

واضح است که نمی‌توان از تمامی اقشار به یک شکل و میزان توقع تلاش برای بهبود اوضاع را داشت؛ چراکه شرایط و جبرهای زندگی در سرتاسر کشور به صورتی واحد حاکم نیست؛ اما از جامعه نخبگان انتظار می‌رود که به مسائل با دید علمی و عقلایی‌تری نگاه بیندازند و اهتمامی در یافتن راه صحیح و جهت‌دهی و اصلاح افکار عمومی جامعه داشته باشند.

این جهان کوهست و فعل ما ندا!

باید در نظر داشت که آن زنانی که جامعه را از مدیریت و حکمرانی زنانه محروم می‌کنند، ابتدا ضربه چنین دیدگاهی به جامعه خود آنان وارد می‌شود؛ چرا که تصمیمات اتخاذ شده تنها از مجرای نگاهی مردانه عبور کرده و نیازها و خواسته‌های نیمی از افراد جامعه در آن نادیده گرفته شده است. زمانیکه نیمی از افراد جامعه آسیب ببینند، رفته رفته آسیب به تمام

افراد جامعه سرایت خواهدکرد و جامعه‌ای رو به نابودی خواهیم داشت. همان‌طور با نگاه دیگری به ابعاد این ماجرا می‌تواند خیانتی به نسل بعد و فرزندان ما باشد، شاید این رویکرد متفاوت به مدیریت و حکمرانی گسترده روشنی برای تحول وضع زندگی بشر باشد. باتوجه به اینکه تجربه اندک کشورهای دیگر از ورود زنان به عرصه مدیریت نیز تجربه موفقی بوده مؤید این امر هم می‌تواند تطابق ویژگی‌های زنان با تعدادی از اصول علم مدیریت باشد. به نحوی که زنان به مدیریت مشارکتی اهمیت بیشتری می‌دهند و راحت‌تر اختیارات را به افراد تحت نظارت خود تفویض می‌کنند و موجبات رشد و پرورش آن‌ها را فراهم می‌آورند.

آنچه امروزه موجبات رشد و ترقی سازمان‌ها را فراهم می‌کند، خلاقیت و نوآوری است و نمی‌توان به افراد فرمان داد که خلاق و نوآور باشند؛ خلاقیت و نوآوری با سبک رهبری کنترلی محقق نمی‌شود بلکه فضای باز و مدیریت مشارکتی لازمه خلاقیت و نوآوری است.

در کنار تمام نکات گفته شده صلاحیت تصمیم‌گیری و حکمرانی اولویتی از پیش تعیین شده، برای جنسیت یا گروه خاصی ندارد؛ بلکه مولفه‌های بسیاری را در برمی‌گیرد و باید مبنای انتخاب، شایسته سالاری باشد.

امید است هر روز شرایط برای حضور زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری مهیاتر و زنان نیز نه در تقابلی جنگنده بلکه با نگاهی سازنده مسیر خود و باقی زنان را هموار کنند.

یک انقلاب «زنانه»

نقش زنان در وقوع انقلاب اسلامی ایران

امسال چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی است و آنچه را که نمی‌توان نادیده گرفت، حضور مردم و نقش فعال آن‌ها در روند انقلاب است. چه‌بسا اگر مشارکت مردم نبود این انقلاب به نتیجه نمی‌رسید! همان‌گونه که در سال ۴۲ می‌بینیم که چون مشارکت و حمایت مردم نبود نه تنها انقلابی شکل نگرفت بلکه حضرت امام نیز به نجف تبعید شدند.

زنان و جریان انقلاب

در این میان نمی‌توان منکر نقش زنان در جریان انقلاب شد که اگر زن‌ها نبودند انقلاب هم نبود: «اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید، موفق نخواهد شد.»

همچنین تظاهرات با حضور زنان شکل گرفت: «آن کسانی که سابقه دارند، می‌دانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم بخصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان یک نقش مؤثر و بی‌جایگزین داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم و این تظاهرات عظیم، آن اثر را نمی‌بخشید؛ علاوه‌بر اینکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع این تظاهرات، از زنان شد. یعنی اولین حرکت عمومی مردمی، یک حرکت زنانه بود. البته مورد تعرض پلیس هم قرار گرفتند. بعد از آن بود که حرکت‌های مردانه راه افتاد. هم در مبارزات این‌جور بود، هم در ایفای نقش در تشکیل نظام، هم در دوران بسرعت پدید آمده‌ی بعد از تشکیل نظام؛ یعنی دوران جنگ، دوران محنت، دوران امتحان سخت؛ «حتی ادا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت».

امام خمینی (ره) درباره حضور زنان و میزان اهمیت آن‌ها در جنبش‌ها می‌فرماید:

«شما زن‌ها در جنبش‌های اصلی که در ایران رخ داده است

از قبیل جنبش مشروطیت تاریخ ایران و تنباکو هم‌دوش با مردها قیام کردید و همین‌طور در انقلاب بزرگی که در زمان ما واقع شده پیش قدم بوده‌اید و نقش شما در این نهضت از مردها بیشتر بوده چون وقتی که شما به خیابان‌ها ریختید و در مقابل تانک‌ها و توپ‌ها تظاهر کردید، مردها قدرت‌شان چندبرابر شد. پس از پیروزی انقلاب در امر پاک‌سازی و جهاد و سازندگی نقش بزرگی را ایفا کردید و موجب دلگرمی برادران رنج‌دیده خود شدید.»

همچنین حضرت امام این پیروزی را مرهون تلاش و زحمات زنان می‌دانند:

«این پیروزی را ما از بانوان داریم قبل از اینکه از مردها داشته باشیم. بانوان محترم ما در صف جلو واقع بودند. بانوان عزیز ما اسباب این شدند که مردها هم جرأت و شجاعت پیدا کنند. ما مرهون زحمات شما خانم‌ها هستیم و همیشه دعا به همه و همه ملت و همه شماها می‌کنیم.»

زن مبارز

حضور زنان در جریان انقلاب منحصر به حضور در تظاهرات و راهپیمایی‌ها نمی‌شود، تعداد بسیاری در مبارزات حضور داشته و به شهادت رسیدند. برای نمونه خانم مرضیه حدیدچی (دباغ) از فعالان در عرصه مبارزات سیاسی است که بارها توسط ساواک دستگیر شده است. و او از همراهان امام خمینی و محافظ شخصی ایشان در نوفل لوشاتو بود. پس از انقلاب اسلامی نیز به عنوان فرمانده سپاه همدان منتصب شد. او همچنین به همراه آقای جوادی آملی و آقای لاریجانی ماموریت داشتند که نامه امام خمینی را به گورباچف برسانند.

مشارکت سیاسی زنان

حضرت امام از همان آغاز زنان را تشویق به حضور در انتخابات و فراندوم کردند: «آنچه لازم است تذکر بدهم شرکت زنان مبارز و شجاع سراسر ایران در فراندوم است. زنانی که در کنار مردان بلکه جلوتر از آنان در پیروزی انقلاب اسلامی اساسی داشتند، توجه داشته باشند که با شرکت فعالانه خود، پیروزی ملت ایران را هر چه بیشتر تضمین کنند.» این مشارکت سیاسی منحصر به حضور در انتخابات و فراندوم نبوده و نیست. حضرت امام نیز در صحیفه نور زنان را تشویق به تصمیم‌گیری و فعالیت سیاسی و اجتماعی طبق موازین اسلامی کرده است؛ در صحیفه نور می‌خوانیم: «امور سیاسی مخصوص یک طبقه نیست، همان‌طوری که علم مخصوص یک طبقه نیست. همان‌طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه خود را حفظ نمایند. زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی هم‌دوش مردها باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است.»

آنچه این روزها برای ما مهم است این است که اگر جامعه‌ای می‌خواهد به پیشرفت و تعالی برسد همچنان باید عرصه را برای فعالیت زنان آماده کند همان‌گونه که مقام معظم رهبری می‌فرماید: «اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد. در این حرکت عظیم بیداری اسلامی، نقش زنان، یک نقش بیبدیل است و باید ادامه پیدا کند.»

این حضور علاوه بر اینکه موازین شرع باید در آن رعایت شده باشد باید آگاهانه و با بصیرت باشد، که این آگاه بودن به مسائل و بصیرت داشتن در امور، امری مهم است. ما حضوری را می‌خواهیم

که منفعلانه نباشد و زن در عرصه اجتماعی ملعبه دست دیگران نباشد خود بیاندیشد، خود تصمیم بگیرد و خود جریان راه بیاندازد و لازمی حضور اینچنینی این است که شرایط برای او مهیا شود و به او نگاهی انسانی شود و حقوقش به عنوان انسانی در اجتماع به رسمیت شناخته شود.

سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۹۰/۴/۲۱

سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۹۰/۱۰/۴

صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۸۴-۱۸۳

صحیفه امام، ج ۷، ص ۶

صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۰۸

صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۰۳

سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۹۱/۴/۲۱





جهت دسترسی به نسخه الکترونیکی این شماره
از نشریه ارغوان اسکن کنید.

جهت انتقادات و پیشنهادات و کسب
اطلاعات بیشتر برای همکاری به آیدی
زیر مراجعه بفرمایید.
@Bahar_essiii

مردم تو را آنگونه می بینند که
می خواهند
پس بیش از حد درگیر نظرات آنان نشو!



سال سوم، شماره پنجم، فروردین ۱۴۰۰

